H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
چهارشنبه | ۲۷ فروردین ۱۴۰۴
۱۲ صفحه
شماره ۴۰۲۷
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
@haftsobh @haftsobh_news www.7sobh.com

گزارشی از قلع و قمع درختان چیتگر پیش چشم شهروندان

سونامی درخت‌کُشی

- قطع درختان بوستان جنگلی چیتگر از سه سال پیش تاکنون ادامه دارد
- آفت سوسک پوست‌خوار به جان درختان چیتگر، سرخه حصار و لویزان افتاده است

صفحه ۹

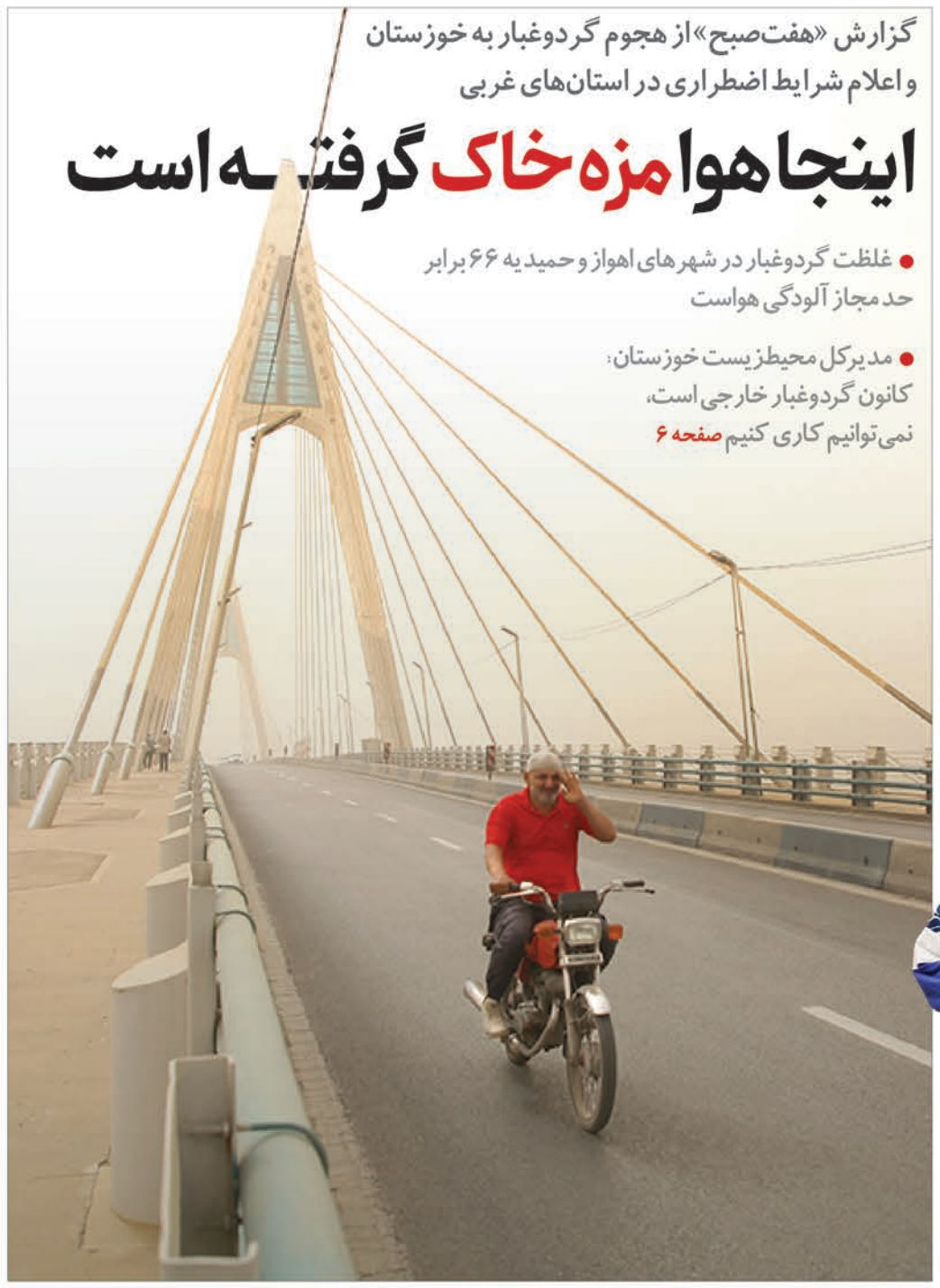

گزارش «هفت‌صبح» از هجوم گردوغبار به خوزستان و اعلام شرایط اضطراری در استان‌های غربی

اینجا هوا مزه خاک گرفته است

- غلظت گردوغبار در شهرهای اهواز و حمیدیه ۶۶ برابر حد مجاز آلودگی هواست
- مدیرکل محیط‌زیست خوزستان: کانون گردوغبار خارجی است، نمی‌توانیم کاری کنیم صفحه ۶

مروری بر ترجمه‌های ماریو بارگاس یوسا در ایران

عیش مدام نوشتن

- پایان قصه‌نویسی برای سیاست | محسن عسگری
- ورطه خیال‌انگیز، سلاح ناامیدی | کیارش وفائی
- دنیای یوسا، دنیای آشنای ایرانی | مهدی سرائی
- عیش مدام نوشتن | زینب کاظم‌خواه

صفحه‌های ۴ و ۵

سکینه سادات پاد، عضو کمیته بررسی ناآرامی‌ها در گفت‌وگو با هفت صبح از حقوق شهروندی، حجاب، حریم خصوصی و آسیب‌های اعتراضات گفت

سبک زندگی مردم با بخشنامه تغییر نمی‌کند

- سیاست منهای احساس، نه با هویت زنانه سازگار است و نه با سیاستی که انقلاب اسلامی خواسته بنا کند
- وضعیت امروز جامعه حاصل عملکرد خود ماست

صفحه ۲

بررسی وضعیت درآمد شاعران در عصر دیجیتال

خوراک شاعران نون و پنیر است

- شعر اگرچه بی‌قیمت، اما پرهزینه است
- بیشتر شاعران امروز برای تامین هزینه زندگی به شغل‌های جانبی روی آورده‌اند صفحه ۳

دو هدف اصلی ستاره محبوب پرسپولیسی‌ها

قلی‌زاده: می‌خواهم قهرمان شوم و به جام جهانی بروم

صفحه ۱۱

آن سوی نغمه‌ها

هم‌نوا شدن با خاطرات داریوش صفوت صفحه ۱۲

بررسی عملکرد پلتفرم‌های سفارش غذا در مدل قیمت‌گذاری، عملکرد رستوران‌ها و رقابت آزاد

وعده گرانی

- رستوران‌ها گلایه دارند، رقبا شکایت کرده‌اند و مشتریان گران‌تر می‌خرند صفحه ۳

درباره تغییر و تحولات اساسی در تمام محصولات مرسدس

پاکسازی بنز

مدل‌های کم‌سود یکی‌یکی حذف می‌شوند

صفحه ۸

معمای قتل مرد بنکدار بعد از ۲۰ سال هنوز فاش نشده است

راز کهنه شلیک خونین رباط کریم

عکس زن جوان در صندوقچه خاطرات مقتول، سند متهم شدن او به قتل عمدی بود صفحه ۷

گزارشی درباره تجارت جهانی کلیه از کنیا تا اروپا

تجارت تن

- شبکه بین‌الملل قاچاق اعضا با سوءاستفاده از فقر و بیماری مردم کنیا، تجارت غیرقانونی کلیه را به صنعتی پرسود تبدیل کرده است
- دلالان با فریب جوانان و وعده پول، آنها را به بیمارستان‌های خاص منتقل می‌کنند صفحه ۱۰

وقتی سیستم آموزشی از دنیای واقعی جا می‌ماند

توقف در ایستگاه شهاب

بیش از ۴۴ درصد بیکاران کشور فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند صفحه ۳

فالگیران؛ فروشندگان بی‌مجوز رویا و سرنوشت

پکیج کامل تبلیغ

صفحه ۹

روایت زندگی مهاجران جنوب در شهرک عرب‌های مشهد؛ از بازار پرمشتری فلافل و ماهی تا لهجه شیرین عربی

جنوب کوچک مشهد

مهسا کسنوی
روزنامه‌نگار

اگر گذرتان به مشهد افتاده و دل‌تان هوای جنوب کرده، کافی‌ست سری به شهرک عرب‌ها بزنید؛ محله‌ای که با فلافل‌های تند، رایحه خرما، صدای لهجه‌های گرم جنوبی و بازار ماهی‌اش، شما را بی‌درنگ از شمال شرق ایران به سواحل کارون و اروندرود پرتاب می‌کند! اینجا، پیش از انقلاب خانه‌های سازمانی نیروی هوایی بوده است، اما پس از انقلاب و با شعله‌ور شدن آتش جنگ ایران و عراق، بسیاری از مردم خوزستان به این نقطه پناه آوردند. بنیاد امور مهاجرین و جنگ‌زدگان برای اسکانشان، آنجا را تجهیز کرد و مدرسه، مسجد و مرکز بهداشت هم در آن ساخته شد. اینجا نام دلنشینی دارد: شهرک عرب‌ها.

با گذر زمان، این محله نه‌تنها رنگ و بوی مهاجرنشینی‌اش را از دست نداد، بلکه تبدیل به یکی از خاص‌ترین و زنده‌ترین محله‌های مشهد شد؛ جایی که فرهنگ جنوب و شمال شرق در هم آمیخته‌اند. حالا اگر مسافر مشهد هستید و با بلیط تهران-مشهد پا به این شهر گذاشته‌اید، شهرک عرب‌ها را در لیست مقصدهای حتماً دیدنی‌تان قرار دهید. آنجا فقط یک محله نیست؛ سفری کوتاه به دل فرهنگ و مقاومت است.

بوی ماهی، شیرینی عربی و فلافل فضا را پر کرده است. اگر چشمان‌تان را ببندید و به صداها و لهجه‌ها گوش دهید و هوا هم کمی گرم باشد، شک نکنید که خیال حضور در جنوب به سرتان خواهد زد. اینجا «شهرک عرب‌ها» است، در دل شرقی‌ترین نقطه ایران؛ مشهد.

شهرک شهید بهشتی یا شهرک عرب‌ها

شهرک شهید بهشتی، که مردم مشهد آن را به نام شهرک عرب‌ها می‌شناسند؛ گوشه دنجی از شهر است که در و دیوارش شما را به یاد خرمشهر و آبادان می‌اندازد.

مردم این منطقه، معمولا جنگ‌زده‌هایی هستند که به مشهد پناه آوردند و بعد از گذشت ۴۰ سال هنوز هم در این مکان مانده‌اند. مغازه‌ها اینجا به چند دسته تقسیم می‌شوند.

ماهی‌فروش‌ها، که انواع ماهی‌های جنوب را دارند. فلافلی‌ها که جز فلافل، خوراک و سمبوسه و بقیه غذاهای جنوبی را هم می‌فروشند. حلویات، که شیرینی‌های جنوبی و خرماهای مختلف را در آن مغازه‌ها خواهید دید. و مغازه‌های ته لنجی، که در آن از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را پیدا می‌کنید. از شامپوهای مارک‌دار و نسکافه آن‌ور آبی بگیر تا شکلات‌های خارجی.

خانه‌های نیروهوایی که میزبان جنگ‌زده‌ها شد

صاحب یک فلافلی بزرگ در اول شهرک است. نامش را نمی‌گوید. میلی به حرف زدن ندارد؛ غرغر ریزی می‌کند و با لهجه شیرین عربی‌اش می‌گوید: «قهوه نخوردم. مغزم کار نمی‌کنه.»

اما بعد از چند دقیقه، بدون هیچ اصراری برای صحبت کردن، ادامه می‌دهد: «۹ سالم بود که آمدیم مشهد؛ بیشتر بچه‌ها و زن‌ها. مردها ماندند تا بجنگند.» او در ادامه می‌گوید که شهرک شهید بهشتی یا شهرک عرب‌ها، آن زمان خانه‌های سازمانی نیروهوایی پهلوی بوده که بعد از انقلاب، خالی مانده، برای همین، بسیاری از جنگ‌زده‌ها، به این شهرک آمده‌اند و هنوز هم اینجا ساکن هستند.

از دل جنگ به فلافل‌فروشی

سه نفری نشسته‌اند کنار هم و گپ می‌زنند. از قدیمی‌های شهرک هستند. هر کدام در حیطه‌های مختلفی، فعالیت می‌کنند. آقای عبداللهی ماهی‌فروشی دارد. آقای تموری فلافل فروشی و دیگری که نامش را نمی‌گوید و از همه مسن‌تر و کم‌حرف‌تر است، شیرینی‌های مخصوص جنوبی می‌فروشد.

آقای تموری، گفت‌وگو را با لهجه شیرین جنوبی، شروع می‌کند: «جنگ که شد، گیج و ماتم زده بودیم. نمی‌دانستیم چه کنیم. حوالی سال ۱۳۶۰ بود و من ۱۴ سال داشتم که به مشهد آمدیم و از اول همینجا ساکن شدیم. ما نوجوان‌ها، بچه‌ها و زن‌ها ماندیم و مردها برگشتند که بجنگند.»

او ادامه می‌دهد: «برای گذران زندگی، ایده فلافل فروشی به سرمان زد. اول فقط دو مغازه بود. بعد بیشتر و بیشتر شد و ماهی و بقیه چیزها هم اضافه شدند.»

آقای عبداللهی، صحبت‌های آقای تموری را کامل می‌کند: «غذاهای اینجا، همه سنتی جنوب است. فلافل، سمبوسه، میگو، خوراک ماهی، کبه و شیرینی‌های عربی مثل بامیه، جوز و لوز، قطاب و باقلوا که از اینجا به بقیه شهر هم پخش می‌شود.»

نمی‌خواستیم دوباره از صفر شروع کنیم

از آنها می‌پرسم، چه شد که بعد از تمام شدن جنگ، باز هم در مشهد ماندید؟ عبداللهی می‌گوید: «وقتی آمدیم، ما هم مثل امام رضا در مشهد غریب بودیم. به بودن کنارش عادت کردیم و نمی‌توانستیم دل بکنیم.»

تموری ادامه می‌دهد: «وقتی آمدیم اینجا از صفر شروع کردیم. خانه، خانواده و زندگی ساختیم. حتی بعضی از ما با مشهدی‌ها ازدواج کردیم. اگر برمی‌گشتیم باید دوباره از صفر شروع می‌کردیم؛ این کار برایمان سخت بود.»

نسل جدید به دنبال آسودگی

بیشتر کاسب‌های اهل شهرک را میانسال‌ها، تشکیل می‌دهند و اگر جوان فروشنده‌ای هم ببینید، به محض هم صحبتی با او متوجه خواهید شد از اتباع است. به همین بهانه، می‌پرسم، فرزندان‌تان هم کار شما را در شهرک، ادامه دادند؟ عبداللهی پاسخ می‌دهد: «در مواقعی که سرم شلوغ است، کمک می‌کنند اما اینکه بگویم کار من را برای آینده بخواهند ادامه بدهند، نه.» تموری، زخم دستانش را که با تیغ ماهی، سال‌ها پیش بریده، نشان می‌دهد و می‌گوید: «نسل جدید کار سخت را دوست ندارد. یعنی ما هم به آن‌ها می‌گوییم درس بخوانند تا زندگی و کار بهتری داشته باشند.»

کمک شبکه‌های اجتماعی به دیده‌شدن

تقریبا هفت، هشت سالیست که شهرک شهید بهشتی، معروف به شهرک عرب‌ها در بین مردم معروف شده است. آقای عبداللهی در این‌باره می‌گوید: «ما تبلیغ خاصی نکردیم. فقط از طریق پیج اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی مردم ما را بیشتر شناختند.» عبداللهی ماهی‌فروش است و ماهی‌هایش را از طریق اینستاگرام به روش خاص خودش تبلیغ می‌کند و از خواص آن‌ها می‌گوید.

آقای تموری هم می‌گوید: «کسی از مسئولان نه حمایتی کرده و نه تسهیلات و وامی به ما داده است. بدون وام هم که نمی‌شود کسب و کاری را توسعه داد. فقط شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر، سبب رونق کسب و کار ما شدند.»

سکینه سادات پاد، عضو کمیته بررسی ناآرامی‌ها در گفت‌وگو با هفت صبح از حقوق شهروندی، حجاب، حریم خصوصی و آسیب‌های اعتراضات گفت

سبک زندگی مردم با بخشنامه تغییر نمی‌کند

در سال‌هایی که سیاست با روایت‌های رسمی از بحران‌ها فاصله گرفته، گفت‌وگو با کسی که خود در متن وقایع بوده، فرصتی برای بازخوانی واقعیت‌هاست. سکینه سادات پاد، عضو کمیته بررسی ناآرامی‌ها، این بار از شکاف‌ها می‌گوید

سکینه سادات پاد، وکیل پایه یک دادگستری، عضو کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱ و دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی دولت سیزدهم، در گفت‌وگو با هفت صبح به بررسی مسائلی چون حجاب، حریم خصوصی، حق اعتراض، لایحه منع خشونت علیه زنان و چالش‌های مواجهه حاکمیت با اعتراضات پرداخت. او با روایت تجربیات خود در متن وقایع، از فقدان سیاست‌گذاری شفاف، ادبیات پرخاشگر در حوزه فرهنگی و آسیب‌های ناشی از خلأ قانون در مواجهه با بحران‌های اجتماعی سخن گفت.

» ورود شما به عرصه سیاست چگونه شکل گرفت؟ می‌دانیم که پیشینه شما بیشتر حقوقی بوده است.

اگر سیاست را صرفاً به حضور در ساختارهای رسمی و احزاب تقلیل دهیم، شاید پاسخ روشنی برای این سؤال وجود نداشته باشد. اما وقتی سیاست را به‌مثابه کنشگری در اجتماع، اثرگذاری در سرنوشت مردم و مسئولیت‌پذیری فردی تعریف کنیم، آنگاه همه‌چیز معنا پیدا می‌کند. من وکیل دادگستری‌ام، اما نه وکیلی که صرفاً در پرونده‌های خصوصی فعالیت داشته باشد. حوزه کار من «حقوق شهروندی» بود و هست. افتخار داشتم که در خدمت مردم باشم؛ برای احقاق حقوق‌شان.

همین جنس کنشگری، همین دغدغه مدنی، باعث شد که روزی رئیس‌جمهوری تصمیم بگیرد ریسک کند و فردی را که نه وابستگی حزبی داشت و نه سبقه سنتی سیاسی، برای مأموریتی خاص برگزیند.

» چالش‌های زنان در سیاست ایران همواره محل بحث بوده. بعضی قضاوت‌ها مبتنی بر کلیشه‌هایی است که زنان را احساسی و غیرقابل اتکا در تصمیمات کلان معرفی می‌کند. نظر شما چیست؟

نقطه قوت زن، احساس اوست. این احساس، برخاسته از طبیعت مادرانه و انسانی زن است. سیاست بدون احساس، بی‌روح است. به تعبیر آقای نادر ابراهیمی، حضور زن در سیاست، عطری از عدالت با خود می‌آورد. مشکل آنجاست که وقتی زنی با تمام ویژگی‌های زنانه‌اش وارد عرصه سیاست می‌شود، با معیارهای مردانه سنجیده می‌شود. در نتیجه یا باید شبیه مردان شود یا متهم به ضعف می‌شود. این یک نگاه ناعادلانه و ناکارآمد است، سیاست منهای احساس، نه با هویت زنانه سازگار است و نه با سیاستی که انقلاب اسلامی خواسته بنا کند. برخی این نگاه را نمی‌پسندند و به اشتباه، عرصه را از زنان می‌گیرند. اما مردان هوشمند درک می‌کنند که برای موفقیت در سیاست، باید از ظرفیت زنانه نه به معنای ابزار، بلکه به‌عنوان یک امکان انسانی برای ارتقاء کیفیت تصمیم‌گیری استفاده کرد.

» نقض حریم خصوصی از جمله چالش‌های جدی امروز در جامعه است اما در قوانین ایران هنوز خاکستری باقی مانده؛ این موضوع در کجای ساختار حقوقی کشور گره خورده است؟

ما اصول متعددی در قانون اساسی داریم که بر اهمیت حریم خصوصی تأکید کرده‌اند. اما اصل کلیدی، اصل ۲۵ قانون اساسی است اما در عمل، یک دوگانه خطرناک ایجاد شده است: شایسته‌سالاری در برابر حریم خصوصی.

وقتی می‌خواهند فردی را برای مسئولیت بررسی کنند، بعضی نهادها به بهانه ارزیابی صلاحیت، وارد قلمرو شخصی افراد می‌شوند. این تعرض نه قانونی‌ست، نه اخلاقی. هر جا داده‌های مردم ذخیره می‌شود، خطر سوءاستفاده وجود دارد. پلتفرم‌های داخلی، سامانه‌های دولتی، سامانه‌های نظارتی، همه باید قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای حفظ اطلاعات داشته باشند. در گزینش‌ها، به جای تخصص و کفایت، سلایق شخصی دخالت می‌کند. همین موضوع، آسیب‌های جدی به حکمرانی زده. فردی که اطلاعات خصوصی مردم را در اختیار دارد، اگر آموزش ندیده باشد، می‌تواند هم به حقوق شهروندان ضربه بزند و هم ساختار اداری را آلوده کند. این یک رانت اطلاعاتی خطرناک است.

» یک بحث دیگری که در حوزه حقوق شهروندی در ماه‌های اخیر هم بسیار مطرح است، مسئله حجاب است که چالش‌برانگیز شده. تحلیل شما از این وضعیت کنونی چیست؟

برای درک عمیق این مسئله، باید به چند لایه توجه کنیم. اولاً ما در برخورد با موضوع حجاب دچار یک خطای شناختی اساسی شده‌ایم. حجاب را به عنوان یک مسئله صرفاً امنیتی و انتظامی نگاه می‌کنیم، در حالی که اساساً یک موضوع فرهنگی و اجتماعی است. ثانیاً رویکرد ما به این مسئله کاملا خطی و یک‌بعدی شده است. ما فکر می‌کنیم با دستور و بخشنامه می‌توانیم سبک زندگی مردم را تغییر دهیم.

آنچه امروز در جامعه می‌بینیم، نتیجه عملکرد خود ماست. اگر دلمان از وضعیت موجود می‌سوزد، باید نخست خودمان را بازخواست کنیم. چون ما از امر به معروف، ابزاری برای تقابل ساختیم؛ از نهی از منکر، بهانه‌ای برای تندخویی.

من معتقدم سیاست‌گذاری فرهنگی باید محصول عقلانیت و گفت‌وگو باشد. نه تحکم. عباراتی مثل «کلینیک ترک بی‌حجابی» نه‌تنها تحقیر آمیزند، بلکه نشانه‌ای از ناآگاهی از ماهیت مسئله‌اند. ما حتی ادبیات درست در این حوزه نداریم، چه رسد به سیاست منسجم.

» بسیاری از اقدامات به اسم «حجاب» توسط گروه‌هایی انجام می‌شود که جایگاه رسمی ندارند و مرجع پاسخگویی مشخصی برای‌شان تعریف نشده است.

چگونه می‌توان جایگاه قانونی این گروه‌ها را شفاف‌سازی کرد تا تعارضی با حقوق شهروندی پیش نیاید؟

امر به معروف مردمی باید در سطح تذکر باقی بماند اما امروز چیزی که می‌بینیم، فراتر از آن است. در سفری به مشهد، تصویری از خودم را در فرودگاه دیدم که در مانیتور پخش می‌شد، همراه با اطلاعاتی شخصی. می‌گفتند این حاصل سیستم هوش مصنوعی است. سؤال من این بود: واقعاً این تنها کاربردی است که از این فناوری یاد گرفتیم؟

یا موردی داشتم که یک پدر متدین، ساعت یک شب، پیامکی در حوزه تذکر حجاب درباره دختر دانشجویش دریافت کرد. آن شب خانواده در آستانه فروپاشی روانی قرار گرفت. چه کسی مسئول این رنج است؟ آیا شهروندان عادی می‌توانند به چنین داده‌هایی دسترسی داشته باشند؟ پس این اقدامات دیگر مردمی نیست. ما نیاز به تربیت، فرهنگ‌سازی و آموزش داریم، نه تحکم و زور.

ما سال‌هاست برای حجاب، ردیف بودجه در برنامه‌های توسعه تعیین کرده‌ایم اما عملکرد نهادهای مسئول در این حوزه، فاجعه‌بار بوده است. در دولت سیزدهم از همه ۳۲ نهاد مرتبط خواستم که گزارش عملکردشان را ارائه دهند. هیچ خروجی مؤثری وجود نداشت. ما از مسئولیت خودمان شانه خالی کرده‌ایم و توقع داریم مردم طوری رفتار کنند که در ذهن‌مان تصور کرده‌ایم.

» لایحه منع خشونت علیه زنان، یکی از مهم‌ترین طرح‌های حقوقی است که سال‌ها بلاتکلیف مانده. گره کور این لایحه بالاخره چه زمانی باز خواهد شد؟

واقعاً تأسف‌برانگیز است. این لایحه سال‌هاست چشم‌انتظار آینده مانده و عجیب‌تر اینکه آن آینده مدام به عقب رانده شده است. در طول این سال‌ها، آنقدر اسمش عوض شده که گاهی خود کارشناسان هم نمی‌دانند با کدام عنوان از آن یاد کنند. الان به‌عنوان «لایحه صیانت از کرامت بانوان» مطرح است. اسم‌ها تغییر کرده‌اند، ولی جان ماجرا، متوقف مانده.

این لایحه، یک لایحه پرآوازه و پرماجراست. سال‌ها در رفت و برگشت میان دولت و مجلس بوده و هنوز هم به سرانجام نرسیده. من در قوه قضائیه و دولت، هر دو، درباره این لایحه نظر حقوقی داده‌ام. بارها مکاتبه کرده‌ام که این لایحه باید در صحن مجلس بررسی شود، نه پشت درهای بسته. قانونی که با زنان سر و کار دارد، باید بتواند با مخاطبش ارتباط روانی برقرار کند، نه فقط محدودیت تحمیل کند. لایحه‌ای که باید مدافع حقوق قربانیان خشونت باشد، تبدیل به صحنه جدال گفتمان‌های مختلف شده. مشکل اصلی، فقدان بلوغ تقنینی در مواجهه با موضوعات اجتماعی است.

» شما عضو کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱ هم هستید. علیرغم وعده‌های متعدد، هنوز گزارش نهایی این کمیته به‌صورت رسمی منتشر نشده. دلیل این تأخیر چیست؟ آیا پیچیدگی خاصی وجود دارد؟

واقعیت این است که این کمیته، برای نخستین‌بار در جمهوری اسلامی با چنین ترکیب و جایگاهی تشکیل شد. هدفش، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری حاکمیت بود؛ نه تبلیغ و نه تسویه‌حساب سیاسی. شکل‌گیری آن یک اقدام تازه و تاسیسی بود.

خود من، خیلی پیش‌تر از آغاز رسمی کار کمیته، در تاریخ هفتم مهر ۱۴۰۱، یعنی حدود ۲۰ روز بعد از درگذشت مرحوم مهسا امینی، نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشتم و پیشنهاد دادم که کمیته‌ای ملی برای تحقیق تشکیل شود. آن زمان وکیل بودم، نه عضو دولت. بعدها، اسفندماه همان سال به دولت دعوت شدم و در اردیبهشت کمیته تشکیل شد و من هم به عضویت آن درآمدم.

این کمیته با بیش از ۲۵۰ صفحه گزارش تحلیلی به رئیس‌جمهور، بررسی‌های میدانی در ۱۱ استان فقط توسط بنده و جمعا بیش از ۱۵ استان که سایر همکاران سفر کردند و جلسات متعدد با خانواده‌ها، سمن‌ها و اساتید دانشگاه، کار را جلو برد. بخشی از گزارش اولیه منتشر شد—حدود ۶۰ صفحه توسط خبرگزاری ایرنا—اما گزارش نهایی هنوز به‌طور رسمی در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته. البته به رئیس‌جمهور تقدیم شده و نسخه‌ای هم برای شورای حقوق بشر از طریق وزارت امور خارجه ارسال شده است. به نظرم باید این گزارش در اختیار رسانه‌ها نیز قرار بگیرد.

» یکی از مبهم‌ترین بخش‌های مواجهه حکومت با اعتراضات، استفاده از واژه‌هایی مثل «اغتشاشگر»، «معترض»، «مجرم» و «قربانی» است؛ آیا در جلسات بررسی حوادث اسفند ۱۴۰۱، این واژگان تعریف حقوقی روشن داشتند یا هنوز در حد مفاهیم سلیقه‌ای باقی مانده‌اند؟

کمیته ما با رویکردی علمی و بی‌طرفانه به بررسی ابعاد مختلف این حوادث پرداخت. یکی از مهم‌ترین یافته‌های ما این بود که نباید همه معترضان را در یک دسته قرار داد. اعتراضات مردمی که ریشه در نارضایتی‌های واقعی داشت، با اقدامات خرابکارانه و اغتشاش‌آمیز تفاوت اساسی دارد. متأسفانه بعضا برخورد یکسان با این دو گروه، به گسترش دامنه ناآرامی‌ها کمک کرد. ما در کمیته مراقب بودیم حتی در ادبیات رسمی و مستند، پیش‌داوری نکنیم. عنوان «کمیته بررسی ناآرامی‌ها» با دقت انتخاب شد. سعی کردیم از برچسب‌زنی پرهیز کنیم. حتی در نگارش نهایی گزارش، بارها واژگان را بازبینی کردیم. چون معتقد بودیم تا زمانی که فرآیند حقوقی به پایان نرسیده، نمی‌توان قضاوت قطعی داشت.

» در کمیته بررسی آسیب‌دیدگان، پرداخت خسارت حتی به کسانی صورت گرفت که عامل آسیب‌شان مشخص نبود. این تصمیم ریشه در جسارت حقوقی داشت یا مصلحت‌سنجی سیاسی برای کنترل بحران؟

خوشبختانه، کمیته توانست بستر پرداخت خسارت مالی را فراهم کند؛ به قربانیان، خانواده‌ها و حتی کسانی که منشأ آسیب‌دیدگی‌شان به‌طور قطعی مشخص نبود. رقمی نزدیک به ۸۰۰ میلیارد تومان صرف جبران خسارت شد. این تصمیم، هم محصول جسارت حقوقی کمیته بود و هم نشانه‌ای از حکمرانی عقل‌محور.

ما قائل به اصل مسئولیت پذیری هستیم. اگر در جغرافیای جمهوری اسلامی، حادثه‌ای رخ داده، فارغ از اینکه ضارب مشخص است یا نه، باید به جبران خسارت فکر کرد. این نگاه نه سیاسی است، نه فمینیستی، نه مصلحت‌جویانه؛ صرفاً اسلامی و انسانی است.

» در بحث اعتراضات مدنی؛ آیا در چارچوب این کمیته، برای حق برپایی تجمعات هم پیشنهادی ارائه شد؟

بله و من شخصاً از کسانی بودم که در دولت پیشنهاد دادم در لایحه حق برپایی اجتماعات، بندی اضافه شود که مسئولان را مکلف کند در برابر معترضان حاضر شوند، سخن‌شان را بشنوند و پاسخ دهند. اعتراض، نیازمند شنیده شدن است. وقتی اعتراض پاسخ نمی‌گیرد، احتمال رادیکال شدنش بالا می‌رود. ما باید گوش دادن را بیاموزیم.

» اگر بخواهیم این کمیته را جمع‌بندی کنیم، آیا می‌توان آن را الگویی موفق دانست؟

بدون تردید. این کمیته یک تجربه تاسیسی بود، نه امضایی. جسارت داشت، از منابع فکری کشور استفاده کرد، در پرداخت خسارت قدم برداشت، با مردم گفت‌وگو کرد، از پیش‌داوری فاصله گرفت و می‌تواند در آینده به‌عنوان الگویی برای مواجهه با بحران‌ها استفاده شود. مهم‌تر از همه، به مردم احترام گذاشت.

» و سخن آخر شما برای خوانندگان ما؟

به عنوان یک زن، یک وکیل و یک شهروند معتقدم آینده ایران می‌تواند روشن‌تر از امروز باشد، به شرطی که همه ما - هم مردم و هم مسئولان - مسئولیت‌های خود را به درستی انجام دهیم. باید یاد بگیریم با وجود تفاوت‌ها، با یکدیگر با احترام رفتار کنیم، جای برخورد قهری با مسائل اجتماعی، به فکر ایجاد اعتماد عمومی باید باشیم. مردم ایران مردم فهیم و شریفی هستند. اگر با آنها با احترام و منطق رفتار شود، قطعا پاسخ مثبت خواهند داد. ما نیاز به یک تغییر پارادایم در مدیریت کشور داریم؛ از رویکرد دستوری به سمت رویکرد گفت‌وگومحور.

سیاست منهای احساس، نه با هویت زنانه سازگار است و نه با سیاستی که انقلاب اسلامی خواسته بنا کند

وضعیت امروز جامعه حاصل عملکرد خود ماست

لایحه منع خشونت علیه زنان سال‌هاست چشم‌انتظار آینده مانده و عجیب‌تر اینکه مدام به عقب رانده شده است، این لایحه باید در صحن مجلس بررسی شود، نه پشت درهای بسته

یادداشت

بازخوانی دیپلماسی منطقه‌ای ایران

همسایه‌ات را دریاب؛ کلید دیپلماسی نوین ایران

بازتعریف سیاست خارجی با تکیه بر همسایگان؛ مسیر تازه‌ای برای خروج از بن‌بست‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی

مهدی خاکی‌فیروز
روزنامه‌نگار

سال‌هاست که سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در حوزه مذاکرات هسته‌ای، معطوف به تعامل با ایالات متحده و قدرت‌های غربی شده است. گرچه گفت‌وگو با آمریکا برای رفع تحریم‌ها و خروج از بن‌بست اقتصادی اهمیت دارد اما اتکای صرف به این مسیر، غفلت از یک واقعیت ژئوپلیتیک حیاتی است. ایران در قلب منطقه‌ای پرتنش اما پرظرفیت زندگی می‌کند. برای تثبیت جایگاه منطقه‌ای، توسعه اقتصادی پایدار و کاهش وابستگی به غرب، ایران ناگزیر است که سیاست تنش‌زدایی و توسعه روابط با همسایگان و قدرت‌های آسیایی را نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار دهد.

در شرایطی که ساختار نظام بین‌الملل دستخوش تحولات شدید شده و نظم تک‌قطبی جای خود را به نظم چندقطبی داده است، ایران باید از یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی فاصله گرفته و با نگاهی عمل‌گرایانه، چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهد. مذاکره با آمریکا، هرچند مهم اما فقط یک قطعه از پازل بزرگ سیاست خارجی است. تعامل سازنده با همسایگان و کشورهای پیرامونی، جایگاه ایران را در منطقه تثبیت می‌کند و مسیر توسعه اقتصادی، جذب سرمایه و ارتقای امنیت ملی را هموار می‌سازد. همسایگان ما، رقبای ما نیستند. در جهانی که قدرت از غرب به شرق در حال انتقال است، آنها کلید بازگشت ایران به مسیر رشد و شکوفایی‌اند.

پاکستان؛ دروازه‌ای به جنوب آسیا و پیوندی استراتژیک

روابط ایران و پاکستان، علیرغم مرزهای مشترک و اشتراکات فرهنگی، همواره دستخوش سوءتفاهم‌های امنیتی و فشارهای بین‌المللی بوده است. در سال‌های اخیر، افزایش ناامنی در مرزهای شرقی ایران و فعالیت گروه‌های افراطی، روابط دو کشور را به سردی کشانده است. با این حال، تقویت همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی با اسلام‌آباد، موجب تثبیت مرزها، توسعه مناطق مرزی و کنترل تروریسم می‌شود. همچنین پاکستان با جمعیتی بیش از ۲۲۰ میلیون نفر، بازاری بکر برای صادرات انرژی و محصولات ایرانی است که تاکنون مغفول مانده است.

عربستان سعودی؛ از رقابت منطقه‌ای تا فرصت‌های اقتصادی

تنش‌های سیاسی و رقابت‌های نیابتی در سوریه، یمن و لبنان، روابط تهران و ریاض را به‌شدت تیره کرده بود اما از سرگیری روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳ با میانجیگری چین، نقطه عطفی برای بازگشت عقلانیت به سیاست منطقه‌ای ایران بود. بهتر است عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان عرب و بزرگ‌ترین صادرکننده نفت اوپک، به جای یک رقیب منطقه‌ای، شریک اقتصادی ایران در پروژه‌های انرژی، حمل‌ونقل و گردشگری مذهبی باشد. همکاری در بازار نفت نیز به تثبیت قیمت‌ها و کاهش فشار بر اقتصادهای نفتی منطقه منجر می‌شود.

کویت؛ کشور کوچک با نفوذ بزرگ

کویت با جمعیت کم و ذخایر عظیم گاز، نقشی مهم در میانجی‌گری‌های منطقه‌ای ایفا کرده است. این کشور بارها تلاش کرده است تا شکاف میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس را کاهش دهد. نزدیکی به کویت، ضمن افزایش تعاملات اقتصادی و انرژی، بستری برای دیپلماسی چندجانبه و گفت‌وگوی منطقه‌ای فراهم می‌آورد. کویت از این ظرفیت برخوردار است که در پروژه‌های بازسازی عراق، حمل‌ونقل دریایی و صادرات گاز شریک راهبردی ایران باشد.

ترکیه؛ همسایه‌ای که با سرعت می‌دود

ترکیه با رشد اقتصادی بالا، زیرساخت‌های پیشرفته و عضویت در پیمان ناتو، همزمان یک رقیب و یک شریک بالقوه برای ایران محسوب می‌شود. همکاری‌های اقتصادی دو کشور در حوزه تجارت غیرنفتی، ترانزیت و انرژی، علیرغم نوسانات سیاسی، روندی مثبت داشته است. ایران از این قابلیت برخوردار است که با ترکیه در حوزه انرژی تجدیدپذیر، صادرات برق و همچنین اتصال ریلی و جاده‌ای به اروپا از طریق پروژه‌هایی چون کریدور جنوب-شمال همکاری کند. همچنین نزدیکی فرهنگی و مذهبی میان دو ملت، پایه‌ای برای دیپلماسی عمومی و همکاری‌های نرم‌افزاری است.

هند؛ فرصت‌های طلایی در سایه چین

در حالی که نگاه سیاست خارجی ایران به شرق بیشتر معطوف به چین شده، هند به‌عنوان یک ابرقدرت نوظهور اقتصادی، در سیاست خارجی تهران کم‌رنگ مانده است. با توجه به نقش مهم ایران در تأمین انرژی هند و اهمیت راهبردی بندر چابهار برای اتصال هند به افغانستان و آسیای مرکزی، تقویت روابط با دهلی نو، به‌طور همزمان اهداف ژئوپلیتیک، اقتصادی و امنیتی ایران را تأمین می‌کند. مشارکت در پروژه‌های زیرساختی، فناوری اطلاعات، داروسازی و کشاورزی، بخشی از ظرفیت‌های مغفول‌مانده این روابط است.

بررسی عملکرد پلتفرم‌های سفارش غذا در مدل قیمت‌گذاری، عملکرد رستوران‌ها و رقابت آزاد

وعده گرانی

- رستوران‌ها گلایه دارند، رقبا شکایت کرده‌اند و مشتریان گران‌تر می‌خرند
- کمیسیون ۲۰ درصدی باعث گرانی ۲۰ درصدی غذا برای مشتری می‌شود

اسنپ‌فود به عنوان بزرگ‌ترین پلتفرم سفارش آنلاین غذا در ایران، همواره با پرسشی اساسی روبه‌رو بوده است: چرا قیمت یک غذای مشخص در این اپلیکیشن با قیمت همان غذا به‌صورت مستقیم از رستوران تفاوت دارد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد کمیسیون ۱۵ تا ۲۰ درصدی اسنپ‌فود از سفارش‌ها عامل اصلی این اختلاف است. رئیس اتحادیه کباب و غذاهای سنتی تهران معتقد است این کمیسیون‌ها عملا قیمت نهایی غذا را برای مشتری حدود ۲۰درصد افزایش می‌دهد؛ او می‌گوید برای یک غذای ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومانی، فقط بابت رساندن آن به دست مشتری حدود ۲۰درصد به قیمت اضافه می‌شود. این در حالی است که هزینه حمل کالاهای گران‌قیمتی چون یخچال و تلویزیون در فروش آنلاین تنها ۵ تا ۱۰ درصد است، مقایسه‌ای که نشان می‌دهد نرخ کارمزد اسنپ‌فود بسیار فراتر از هزینه واقعی ارسال به نظر می‌رسد.
از سوی دیگر، سیاست رسمی اسنپ‌فود بر یکسان بودن قیمت منوی آنلاین و حضوری است. این شرکت از رستوران‌ها می‌خواهد قیمت محصولات در اپلیکیشن را دقیقا مطابق با قیمت حضوری تنظیم کنند و هرگونه مغایرت را مشمول جریمه‌های سنگین کرده است. بازرسان اسنپ‌فود مرتب قیمت منوی ثبت‌شده را با نرخ فروش حضوری یا تلفنی مقایسه می‌کنند و در صورت مشاهده قیمت بالاتر برای کاربران آنلاین، رستوران خاطی جریمه می‌شود. با این حال، فشار کمیسیون سنگین باعث شده بسیاری از رستوران‌ها برای حفظ حاشیه سود، عملا راه‌های دیگری را پیش بگیرند. برخی رستوران‌داران ناچارند قیمت غذاها را افزایش دهند تا هزینه کارمزد را جبران کنند؛ حتی اگر به‌صورت رسمی قیمت منو را بالا نبرند، ممکن است با کاهش اندازه پرس غذا یا دریافت هزینه بسته‌بندی اضافه این اختلاف را پوشش دهند. نتیجه نهایی برای مشتری، در اغلب موارد پرداخت مبلغی بیشتر نسبت به سفارش حضوری است. به‌عبارت دیگر چرخه فروش آنلاین غذا با این مدل کارمزد، گران‌تر از روش سنتی تمام می‌شود. همین امر از دید فعالان صنفی به گرانی مضاعف برای مردم تعبیر شده و آنها خواستار بازنگری در این نرخ‌ها هستند.

الهه کاکایی
هفت‌صبح

اعتماد در آینه آمار: میانگین سفارش‌های روزانه

علیرغم نقدهای مطرح‌شده، اعداد و ارقام نشان‌دهنده اعتماد گسترده مشتریان به اسنپ‌فود است. این پلتفرم اکنون بیش از ۲۰ میلیون کاربر ثبت‌شده دارد که از این تعداد ۷.۴ میلیون نفر در سال ۱۴۰۲ (طبق آخرین آمار منتشره) حداقل یک بار فعالانه سفارش داده‌اند. حجم سفارش‌های روزانه بیانگر نفوذ شگفت‌انگیز اسنپ‌فود در زندگی شهری مردم است.

برای نمونه، کباب به‌عنوان پرطرفدارترین غذای اسنپ‌فود روزانه به‌طور متوسط ۵۲ هزار سفارش دارد. پس از آن پیتزا با روزانه ۵۰ هزار و انواع ساندویچ با ۴۴ هزار سفارش در رتبه‌های بعدی قرار دارند. صرفا همین سه دسته غذایی جمعا نزدیک به ۱۵۰ هزار سفارش در روز را تشکیل می‌دهند که رقمی خیره‌کننده است. اگر سایر دسته‌ها را نیز در نظر بگیریم، مجموع سفارش‌های روزانه اسنپ‌فود به چند صدهزار در روز می‌رسد. چنین حجمی از تقاضا حاکی از آن است که تعداد زیادی مشتری به این پلتفرم اطمینان کرده‌اند و ترجیح می‌دهند غذای خود را آنلاین سفارش دهند تا حضوری. اعتماد رستوران‌داران به اسنپ‌فود نیز در پشت پرده این ارقام نهفته است. اکنون حضور در اسنپ‌فود برای بسیاری از رستوران‌ها نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت کسب‌وکار تلقی می‌شود. حسین محمدی، رئیس اتحادیه کباب و غذاهای سنتی، تصریح می‌کند که با گرایش جامعه به فروش آنلاین غذا، بسیاری از واحدهای صنفی مجبورند با این پلتفرم‌ها قرارداد ببندند؛ چراکه در غیر این صورت بخش مهمی از بازار را از دست خواهند داد. به بیان دیگر، اسنپ‌فود به یک زیرساخت حیاتی صنعت غذا تبدیل شده که حتی منتقدان را ناگزیر از همراهی کرده است. حضور بیش از ۳۶ هزار راننده پیک فعال در اسنپ‌فود و اضافه شدن روزانه رستوران‌های جدید به این سامانه، گواهی است بر اعتمادی دوطرفه: مشتریان به وجود تنوع و سرعت اسنپ‌فود خو گرفته‌اند و رستوران‌ها نیز این پلتفرم را پلی اجتناب‌ناپذیر به سمت مشتریان می‌دانند.

موضع اتحادیه‌های غذایی: گلایه جمعی یا نظر شخصی؟

صدای اعتراض به اسنپ‌فود اگرچه از درون صنف رستوران‌داران بلند شده اما آیا این نارضایتی به‌صورت گسترده در میان همه اتحادیه‌های مرتبط وجود دارد یا بیشتر دیدگاه‌های شخصی برخی مسئولان صنفی است؟ اظهارات تند حسین محمدی علیه اسنپ‌فود، بازتاب وسیعی در رسانه‌ها داشت و تصور اولیه را ایجاد کرد که اصناف رستوران‌دار، یکپارچه مخالف رویه‌های این پلتفرم هستند. محمدی با انتقاد از کمیسیون ۱۵ تا ۲۰ درصدی اسنپ‌فود، آن را بسیار بالاتر از هزینه واقعی حمل‌ونقل دانست و تاکید کرد این کارمزدها فشار مضاعفی بر مردم و واحدهای صنفی وارد کرده است. او همچنین به تاخیر در تسویه‌حساب با رستوران‌ها اشاره کرده و مدعی شد اسنپ‌فود مبالغ فروش را تا ۱۵ الی ۲۰ روز در حساب خود نگه می‌دارد و از سود بانکی این مبالغ بهره‌مند می‌شود. به گفته وی، رسوب پول فروش روزانه رستوران‌ها در حساب‌های اسنپ طی این مدت علاوه بر اینکه به زیان کسبه است، در نهایت هزینه مالی آن به مشتریان منتقل می‌شود. محمدی خواستار آن شده که مراجع نظارتی به این موضوع ورود کنند و نرخ کارمزد اسنپ‌فود به ۳ تا ۵ درصد کاهش یابد. شدت این انتقادات، اسنپ‌فود را در مظان اتهام قرار داد اما نکته قابل توجه اینجاست که شرکت اسنپ‌فود ترجیح داد سکوت اختیار کند و واکنش رسانه‌ای مستقیمی به این اظهارات تند نشان ندهد. حتی در تماس‌های متعددی که خبرنگار هفت صبح با تیم روابط عمومی اسنپ فود گرفت، بی‌پاسخ ماند.

اما آیا دیگر اتحادیه‌های صنفی نیز با محمدی هم‌صدا هستند؟ شواهد نشان می‌دهد رویکرد سایر نهادهای صنفی الزاما مشابه نیست. اتحادیه رستوران‌ها و چلوکباب تهران به ریاست حسن فهمیده نه‌تنها موضعی علیه اسنپ‌فود نگرفته، بلکه وارد همکاری رسمی و نزدیک با این پلتفرم شده است. در اواخر سال گذشته، این اتحادیه طی تفاهمی با اسنپ‌فود اعلام کرد اعضای اتحادیه می‌توانند از مزایای ویژه‌ای در همکاری با اسنپ‌فود بهره‌مند شوند. از جمله این مزایا، حذف کمیسیون در سه ماه اول برای رستوران‌های معرفی‌شده توسط اتحادیه بود که نشان می‌دهد خود اسنپ‌فود نیز برای جلب رضایت صنف، حاضر به تعدیل موقت کارمزد شده است. همچنین تسریع در فعال‌سازی رستوران‌های جدید و برگزاری همایش‌های آموزشی مشترک برای رستوران‌داران، از دیگر مفاد این همکاری ویژه بوده است. جالب‌تر آنکه ۲۰ درصد از حق عضویت سالانه اتحادیه به کیف پول اسنپ‌فود رستوران‌های عضو بازگردانده می‌شود تا صرف تبلیغات در این پلتفرم شود. بدین ترتیب، اتحادیه تحت هدایت فهمیده رویکردی کاملا متفاوت پیش گرفته و به جای تقابل، به فکر بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسنپ‌فود برای اعضای خود است. نگاهی به صفحه نخست سایت این اتحادیه نیز موید همین جهت‌گیری است؛ بنر بزرگی با لوگوی اسنپ‌فود، رستوران‌ها را به همکاری دعوت می‌کند. صحنه‌ای طعنه‌آمیز که در آن حتی نهادهای صنفی همزمان با برخی اعتراض‌ها، دست همکاری به سوی همان پلتفرم دراز کرده‌اند.

سایه انحصار: وقتی رقیب هم لب به اعتراض می‌گشاید

جریان انتقادها به اسنپ‌فود تنها از سوی رستوران‌داران و اتحادیه‌ها مطرح نشده است. در سال گذشته نیز، تپسی از رویه‌های انحصاری اسنپ در حوزه فروش آنلاین غذا به صورت رسمی شکایت کرده است. مدیرعامل تپسی، در اظهاراتی صریح اعلام کرده اسنپ با تحمیل قراردادهای انحصاری به رستوران‌ها، عملا مانع فعالیت سایر پلتفرم‌ها در بازار غذا شده است. براساس اطلاعات منتشرشده، بسیاری از رستوران‌ها هنگام عقد قرارداد با اسنپ‌فود ملزم می‌شوند که با سایر رقبا همکاری نداشته باشند یا با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که ادامه همکاری با دیگر پلتفرم‌ها را ناممکن می‌کند.

نکته قابل تامل این است که تپسی، خود از جمله پلتفرم‌هایی بوده که در ماه‌های گذشته تلاش کرده وارد عرصه فروش و ارسال غذا شود اما به گفته مدیران این شرکت، فضای ناعادلانه‌ای که اسنپ‌فود رقم زده، عملا میدان رقابت را به یک بازی از پیش‌باخته برای تازه‌واردان بدل کرده است. سیدحسینی در سخنانش تاکید کرده که ماهیت چنین قراردادهایی با قواعد تجارت آزاد و اصول رقابت سالم در تضاد است. او این رفتار را تهدیدی برای نوآوری و رشد اکوسیستم استارتاپی کشور دانسته و از نهادهای نظارتی خواسته با جدیت وارد بررسی این رویه‌ها شوند.

این نخستین بار نیست که انحصارطلبی اسنپ —چه در حوزه حمل‌ونقل و چه در بازار غذا— با واکنش جدی مواجه می‌شود. اما تفاوت این‌بار در آن است که اعتراض نه از سوی یک اتحادیه صنفی، بلکه از دل یک رقیب مستقیم مطرح شده؛ رقیبی که خود با پیچیدگی‌های فضای دیجیتال آشناست و دقیق می‌داند در بازارهای دیجیتال، تسلط بلندمدت یک بازیگر چه پیامدهایی در پی دارد. اضافه شدن صدای تپسی به صف منتقدان، زنگ هشداری دیگر برای اسنپ‌فود است تا بیش از پیش، رفتارهای قراردادی خود را با اصول رقابت عادلانه منطبق کند. چراکه انحصار، اگرچه در کوتاه‌مدت سودآور است اما در بلندمدت، بزرگ‌ترین تهدید برای پایداری و مشروعیت هر برند محسوب می‌شود.

سفارش آخر... اما هنوز سرو نشده

اسنپ‌فود، در میانه میدان رقابت، همچنان یکه‌تاز است. پلتفرمی که از آشپزخانه‌های کوچک تا برندهای زنجیره‌ای غذا را به مدار دیجیتال کشانده، حالا خود با موجی از پرسش‌ها، نقدها و شکایت‌ها روبه‌رو شده است. از رستوران‌هایی که فشار کمیسیون و قراردادهای انحصاری را تاب نمی‌آورند، تا رقبا و اتحادیه‌هایی که سهم خود از بازار را نه در فضای رقابتی، بلکه در سایه سنگین یک بازیگر غالب جست‌وجو می‌کنند. تفاوت قیمت آنلاین و حضوری، عملکرد رستوران‌های کم‌کیفیت، شیوه تسویه‌حساب و واکنش‌های گاه مبهم اسنپ‌فود به اعتراض‌ها، همه نشان می‌دهد که این پلتفرم، هرچند گسترده و محبوب، از درون بی‌حاشیه نیست. در بازاری که غذا نه فقط یک وعده، بلکه یک انتخاب است، انحصار می‌تواند طعم رقابت را تلخ کند.

ادامه این مسیر، چه با اصلاحات در مدل کمیسیون، چه با بازنگری در نوع قراردادها، نیازمند گفت‌وگوی صریح میان بازیگر اصلی و ذی‌نفعان مختلف است. سکوت، شاید در لحظه یک استراتژی باشد اما در بلندمدت، جای خود را به بی‌اعتمادی می‌دهد.

اگر اسنپ‌فود می‌خواهد همچنان در صدر بماند، باید نشان دهد که نه‌فقط در تعداد سفارش‌ها، بلکه در شفافیت، انصاف و پاسخگویی هم پیشرو است. بازی در زمین دیجیتال، قواعد خاص خودش را دارد؛ این بار نه با پختن غذا، که با پختن راه‌حل.

یادداشت

وقتی سیستم آموزشی از دنیای واقعی جا می‌ماند

توقف در ایستگاه «شهاب»

بیش از ۴۴درصد بیکاران کشور، فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند

اعظم پویان
روزنامه‌نگار

در زمان نه‌چندان دور، دغدغه‌مندان حوزه آموزش و پرورش از دیپلمه‌های سرگردان به عنوان خروجی نظام آموزشی انتقاد می‌کردند و حالا این نظام آموزشی، به جای اصلاح جدی همچنان در ایستگاه تاریخ متوقف مانده و حتی عقبگرد کرده است. این روزها آموزش و پرورش ما چنان به قهقرا رفته که در ۱۰ استان کشور، ۳۰ درصد جمعیت ۱۸ تا ۲۴ ساله حتی نتوانسته‌اند مدرک دیپلم دریافت کنند. (محاسبه شده براساس داده‌های هزینه-درآمد خانوار ۱۴۰۲ -عطیه وحیدمنش و همکاران). در شرایطی که دنیا با سرعت رشد فناوری‌ها مواجه شده است و به سمت تغییر و تحولات شغلی می‌رود، نهاد به گِل نشسته آموزش و پرورش از سال ۹۱ در طرحی به نام «شهاب» یا همان «شناسایی و هدایت استعدادهای برتر» دست و پا می‌زند تا شاید برای مسیر تحصیلی و شغلی نیروهای انسانی آینده این سرزمین تکلیفی دیکته کند.

دنیای کار امروز به شدت تحت تاثیر انقلاب صنعتی چهارم و فناوری‌های پیشرفته قرار دارد. هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء، رباتیک و فناوری‌های دیجیتال، مشاغل سنتی را به چالش کشیده و فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرده‌اند. بر اساس گزارش‌های جهانی، بیش از ۵۰ درصد مشاغل فعلی تا سال ۲۰۳۰ ممکن است تغییر کنند یا به کلی از بین بروند. این تحولات نیازمند برنامه‌ریزی دقیق در حوزه آموزش و پرورش است تا نیروی انسانی آینده بتواند با تغییرات سازگار شود و به بازار کار وصل شود.

اما در ایران، نظام آموزشی به این تحولات واکنش نشان نداده و حتی از آن غافل مانده است. این بی‌توجهی به تحولات شغلی و فناوری‌های روز، باعث شده است که نسل جوان کشور، به جای آمادگی برای آینده، در گودال بیکاری و ناامیدی فرو رود.

پیش از اینکه غوغای نتایج آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمز و پرلز نشان دهد که نزدیک به ۷۰ درصد دانش‌آموزان ایرانی عملکردی پایین‌تر از حد متوسط جهانی دارند و تنها یک درصد دانش‌آموزان عملکرد عالی از خود به‌جا گذاشته‌اند. آمار افزایشی بیکاری تحصیل‌کرده‌ها در سال‌های اخیر خبر از خالی شدن بازار کار از نیروی انسانی متخصص می‌داد. در تابستان ۱۴۰۳، سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران حدود ۴۴ درصد بوده است که این رقم نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱،۱ درصد افزایش داشته است.

این آمارها نشان می‌دهد که نظام آموزشی ما در سطوح مختلف، قادر به تربیت نیروی انسانی ماهر نیست و نمی‌تواند به حداقل استانداردهای جهانی دست یابد. در حالی که دنیا با سرعتی شگفت‌آور به سمت تخصص‌های فناورانه و مهارت‌های دیجیتال حرکت می‌کند، آموزش و پرورش ایران همچنان در قالب‌های قدیمی و سنتی گیر کرده است.

یکی از طرح‌هایی که آموزش و پرورش از سال ۹۱ برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر ارائه کرده، طرح «شهاب» است. اما این طرح، به جای حل مشکلات ساختاری نظام آموزشی، تنها یک اقدام سطحی و نمایشی بوده است. «شهاب» به جای تمرکز بر شناسایی استعدادها متناسب با نیاز بازار کار و هدایت تحصیلی و در نهایت شغلی دانش‌آموزان، صرفا دستاویز تبلیغی وزرای مختلف و ابزاری برای تصویرسازی شده است.

در حالی که دنیا به سمت تربیت نیروی انسانی با توانایی‌های چندبعدی حرکت می‌کند، طرح شهاب تنها به شناسایی استعدادهای برتر محدود شده و از مسائل عمیق‌تر مانند توسعه مهارت‌های دیجیتال، تفکر انتقادی و خلاقیت غافل مانده است. این رویکرد که به دلیل جنبه نمایشی آن بی‌اثر بوده، باعث ایجاد شکاف بیشتر بین دانش‌آموزان و نیازهای بازار کار شده است.

نظام آموزش و پرورش ایران با نقص‌های ساختاری متعددی مواجه است که مهم‌ترین آنها عدم برنامه‌ریزی برای آینده است. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، با توجه به تحولات فناوری و نیازهای بازار کار، برنامه‌های درسی خود را به‌روز می‌کنند، آموزش و پرورش ایران همچنان به برنامه‌های قدیمی و منسوخ پایبند است.

برای مثال، درس‌هایی مانند هوش مصنوعی، برنامه‌نویسی و مهارت‌های دیجیتال که امروزه در بسیاری از کشورها بخشی از برنامه درسی دانش‌آموزان هستند، در ایران به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این بی‌توجهی باعث شده است که نسل جوان کشور از نظر مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، عقب بماند.

جای خالی به‌روزرسانی برنامه‌های درسی و اضافه کردن درس‌های مرتبط با فناوری‌های روز مانند هوش مصنوعی، برنامه‌نویسی و مهارت‌های دیجیتال به برنامه‌های درسی و همچنین توسعه مدارس فنی و حرفه‌ای و ایجاد فرصت‌های آموزشی برای دانش‌آموزانی که تمایل به ورود مستقیم به بازار کار دارند، بیش از گذشته در نظام آموزش و پرورش ایران خودنمایی می‌کند.

گزارش

بررسی وضعیت درآمد شاعران در عصر دیجیتال

خوراک شاعران نون و پنیر است

شعر اگرچه بی‌قیمت، اما پرهزینه است

بیشتر شاعران امروز برای تامین هزینه زندگی، به شغل‌های جانبی روی آورده‌اند

روزی روزگاری، شاعران را پیامبران بی‌کتاب می‌دانستند؛ صدای وجدان جمعی، راویان عشق و مرگ و زندگی. از دربار پادشاهان تا مجالس درویشان، از محافل اهل ذوق تا میدان نبرد، شعر حضوری فعال و موثر در زیست جمعی داشت. شاعر صرفا سخنور نبود، بلکه یک شخصیت بود؛ کسی که کلامش مسیر فکر جامعه را می‌ساخت.

اما در روزگار ما که تکنولوژی بر همه‌چیز چیره شده و الگوریتم‌ها انتخاب می‌کنند چه بخوانیم و چه نخوانیم و سرعت، جای تامل را گرفته، آیا شاعری هنوز می‌تواند یک شغل باشد؟ آیا می‌شود از شعر، نان خورد؟ یا این هنر، همچون پرنده‌ای خوش‌آواز، تنها برای نغمه‌سرایی زاده شده، نه برای تامین معیشت؟

از الهام تا قبض برق

در گذشته، شاعران گاهی از حمایت درباریان، گاه از نذورات اهل فرهنگ و گاه از احترام و جایگاه اجتماعی خود بهره‌مند می‌شدند. اما دنیای مدرن، به‌خصوص پس از سلطه بازار آزاد و فرهنگ مصرف، معیار ارزش‌گذاری‌اش را عوض کرده است. حالا «ارزش» نه به زیبایی که به قابلیت فروش گره خورده.

فروش کتاب‌های شعر، دست‌کم در بازار فارسی، اغلب ارقام نگران‌کننده‌ای دارد. تیراژها پایین، سود خالص ناچیز و مخاطب محدود است. شاعری که کتابی منتشر می‌کند، در اغلب موارد، سودی نمی‌برد که هیچ، هزینه چاپ را هم باید از جیب خود بپردازد.

بسیاری از شاعران، برای پرداخت اجاره خانه یا شهریه فرزند، باید به تدریس، ترجمه، نویسندگی تبلیغاتی یا مشاغل کاملا بی‌ربط روی بیاورند. و اینجا جایی‌ست که واقعیت سخت اقتصادی، با خیال شاعرانه، در تضاد قرار می‌گیرد.

رویای شغل یا افسانه‌ای شیرین؟

پرسشی که پیش می‌آید این است: آیا اصلا می‌توان شاعری را به‌عنوان یک شغل در نظر گرفت؟ آیا شعر، به‌خودی‌خود می‌تواند درآمدزا باشد؟

پاسخ، با تلخی آمیخته است. برای بخش بسیار کوچکی از شاعران- آن‌ها که به شهرت گسترده رسیده‌اند یا در کنار شعر، توانسته‌اند جایگاه رسانه‌ای یا نهادی پیدا کنند- ممکن است این رویا رنگ واقعیت بگیرد. اما برای اکثریت، شعر بیشتر یک «عشق» است تا «شغل».

پلتفرم‌های آنلاین مانند اینستاگرام، تلگرام یا وب‌سایت‌های انتشار شعر، از یک‌سو به شاعران این امکان را داده‌اند که بدون سانسور یا واسطه، آثارشان را منتشر کنند؛ اما از سوی دیگر، فرهنگ «مصرف رایگان» محتوا باعث شده که شعر به یک دارایی بی‌قیمت تبدیل شود: همه می‌خوانند، لذت می‌برند، نقل می‌کنند اما کمتر کسی بهایش را می‌پردازد.

میان بی‌پناهی و بی‌برنامگی

دغدغه اقتصادی شاعران اما فقط مسئله درآمد نیست؛ مسئله نبودِ ساختار حمایت است. شاعری که بیمار می‌شود، بازنشسته می‌شود یا حتی مشهور می‌شود، هیچ تکیه‌گاهی ندارد. نه صندوق حمایتی پایدار، نه بیمه تخصصی، نه نهاد صنفی موثر.

در برخی کشورهای اروپایی، شاعرانی که به جایگاه رسمی رسیده‌اند، می‌توانند از کمک‌هزینه‌های دولتی یا بورسیه‌های هنری بهره‌مند شوند. اما در بسیاری از نقاط جهان، از جمله ایران، چنین حمایت‌هایی یا وجود ندارد یا آنقدر محدود است که نمی‌تواند پاسخگوی هزینه‌های زندگی باشد. در نتیجه، شاعر به جبر زمانه، ناگزیر است میان «شعر گفتن» و «زنده ماندن» یکی را انتخاب کند و اغلب، ترجیح می‌دهد زنده بماند.

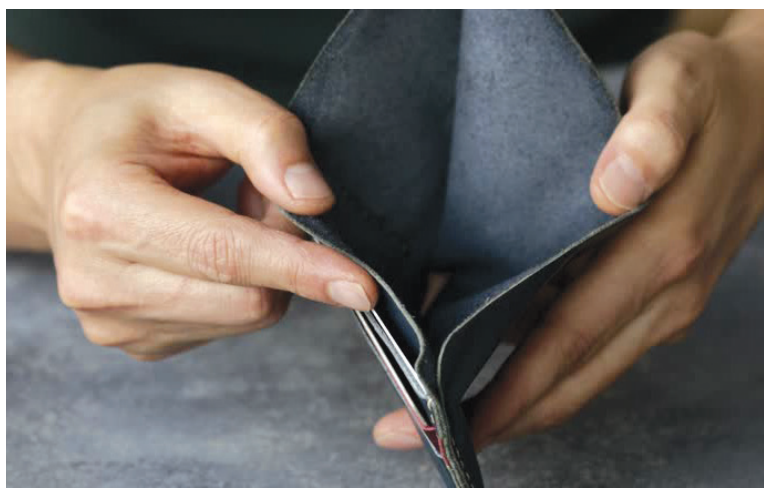

آیا امیدی هست؟

با همه این چالش‌ها، باید پرسید: آیا می‌توان راهی یافت که شاعری، در دنیای مدرن، دوباره به یک حرفه پایدار تبدیل شود؟

شاید پاسخ در نوآوری، فناوری و پیوند با رسانه‌های نوین باشد. برخی شاعران امروز، با استفاده از پادکست‌ها، ویدئوهای کوتاه، جلسات آنلاین شعرخوانی یا حتی مدل‌هایی مثل NFT (توکن‌های غیرقابل معاوضه) توانسته‌اند راهی برای درآمدزایی از شعر بیابند.

اما این مدل‌ها همچنان محدود، پرریسک و ناپایدارند. اگر قرار باشد شعر به حیات حرفه‌ای خود ادامه دهد، نیاز به یک نگاه جدید از سوی جامعه، دولت و حتی خود شاعران دارد، نگاهی که به هنر، تنها به‌عنوان یک دغدغه درونی نگاه نمی‌کند و به‌عنوان بخشی از اقتصاد خلاق آن را در نظر دارد.

شعر؛ صدای بی‌قیمت اما نه بی‌هزینه

در نهایت، شاید مهم‌ترین نکته این باشد: شعر ممکن است در بازار امروز «قیمت» نداشته باشد، اما «ارزش» دارد. ارزش آن در شکل‌دهی به روح انسان، در بیان آنچه گفتنی نیست و در نگه‌داشتن رشته‌های نازک انسانیت است.

اما حتی زیباترین صداها هم، برای تداوم، به نان نیاز دارند. و تا زمانی که میان نان و نوا، این شکاف عمیق باقی بماند، شاعری در عصر مدرن، بیشتر شبیه راه رفتن بر لبه تیغ خواهد بود؛ میان شور و بی‌پولی، الهام و اضطراب، خلاقیت و قبض برق.

شاید پاسخ نهایی ساده باشد اما به عمل درنمی‌آید. اگر جامعه‌ای شعر را می‌خواهد، باید شاعرانش را زنده نگه دارد.

عیش مدام نوشتن

مروری بر ترجمه‌های ماریو بارگاس یوسا در ایران

زینب کاظم‌خواه
هفت صبح

برای بارگاس یوسا، نوشتن رمان، شیوه‌ای برای خوشگذرانی در جهان بود. او می‌نوشت و جهان ذهنی‌اش را برای مای مخاطب به تصویر می‌کشید. بارگاس یوسا که بعد از جایزه نوبل ادبیات، آثارش به شکل چشمگیری به زبان‌های مختلف ترجمه شد. اما اولین کتابی که در ایران به فارسی منتشر شد سال‌ها قبل از جایزه نوبل این نویسنده پرویی بود و یوسا هنوز در کشور ما چندان شناخته شده نبود. نخستین رمان او «شهر و سگ‌ها» که سال ۱۹۶۲ به زبان اسپانیایی نوشته بود و در انگلیسی به نام «عصر قهرمان» ترجمه شد؛ نشان از قلم تند و تیزش داشت. او با نوشتن این کتاب به همه گفت که قرار است موی دماغ خیلی‌ها شود.

«شهر و سگ‌ها» ماجرای دخالت نظامیان در عرصه سیاست و تبعات شوم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن است که در میان منتقدان گل کرد و با استقبال خوب خوانندگان روبه‌رو شد. یوسای جوان با این اولین رمان، میخ‌اش را چنان در دنیای ادبیات محکم کوبید که نامش به‌عنوان یک منتقد رادیکال مطرح شد. کتاب سروصدای زیادی راه انداخت. ارتش پرو آن را با نام پروپاگاندای اکوادور علیه پرو محکوم و نسخه‌هایی از آن را با عنوان کتاب ضاله طی مراسمی به آتش کشید.

این کتاب تقریبا سی سال بعد در ایران منتشر شد. هوشنگ اسدی این اثر را با همان عنوان انگلیسی‌اش یعنی «عصر قهرمان» ترجمه کرد و در سال ۱۳۶۹ توسط انتشارات مهناز منتشر کرد. سال‌ها بعد احمد گلشیری این کتاب را با نام «سال‌های سگی» دوباره ترجمه کرد و ۱۳۸۲ توسط نشر کاروان منتشر شد، اما بعد از انحلال این نشر این اثر توسط نشر نگاه تجدید چاپ شد. با وجود ترجمه‌های زیادی که از آثار یوسا وجود دارد عبدالله اسکندری بیش از بقیه، آثار این نویسنده را به فارسی ترجمه کرده است. کوثری که بسیاری از نویسندگان ادبیات آمریکای لاتین را به ایرانی‌ها معرفی کرده است، رمان حجیم «گفت‌وگو در کاتدرال» یوسا را در اواخر دهه شصت ترجمه کرد و نشر نما در مشهد آن را در سال ۱۳۷۰ منتشر کرد؛ بعدتر این کتاب برای انتشار دوباره به انتشارات لوح فکر داده شد. داستان این سومین رمان یوسا، در شهر لیما می‌گذرد. یوسا از قدرت، فساد و جست‌وجو برای یافتن هویت می‌گوید و دست‌اندرکاران قدرت را تجزیه و تحلیل می‌کند. «گفت‌وگو در کاتدرال» یکی از مهم‌ترین رمان‌های یوسا است. او درباره این کتاب گفته: «اگر مجبور شوم روزی از میان شعله‌های آتش یکی از کتاب‌هایم را نجات دهم آن کتاب گفت‌وگو در کاتدرال است.»

عبدالله کوثری در اوایل ۱۳۸۰ کتاب دیگری از این نویسنده نامدار به فارسی ترجمه کرد. کتاب «سور بز». داستان این کتاب روایت پایان یک حکومت و تولد دموکراسی تحریف شده است. در این‌جا هم یوسا دوباره از فساد دولت‌مردان نوشته است، از رافائل ترخیو دیکتاتوری فاسد صحبت کرده که مردمش به او لقب بز داده بودند و دوران حکومت او را به‌عنوان خشن‌ترین دوره در تاریخ جمهوری دومینیکن می‌دانند.

کوثری همچنین «جنگ آخرالزمان» یکی دیگر از رمان‌های مطرح این نویسنده پرویی را به فارسی برگردانده است. این رمان هم روایت داستان شورش و جنگ است و اولین رمانی است که رویدادهای آن در کشوری غیر از پرو یعنی برزیل روایت می‌شود. این اثر در سال ۱۳۸۲ توسط نشر آگاه منتشر شده است. «عیش مدام»، «چرا ادبیات»، «چه کسی پالومینو مولرو را کشت» و «مرگ در آند» از دیگر آثار این نویسنده است که کوثری به فارسی ترجمه کرده است.

اسدالله امرایی دیگر مترجمی است که سال ۱۳۸۷ «چه کسی پالومینو مولرو را کشت» را با نام «راز قتل پالومینو مولرو» ترجمه کرد و از سوی نشر علم منتشر شد. البته این مترجم «زن وسطی» یوسا را هم به فارسی برگردانده است.

خجسته کیهان هم چند کتاب از این نویسنده، «ماهی در آب»، «قهرمان عصر ما»، «دختری از پرو»، «ماهی در آب» و «تازه‌کارها» را به فارسی برگردانده است. قاسم صنعوی هم «مردی که حرف می‌زند» یوسا را به فارسی برگردانده است. کاوه میرعباسی نیز یکی دیگر از مترجمانی است که چند اثر از این نویسنده پرویی را به فارسی برگردانده است. «تصاویر زیبا»، «وسو، سه ناممکن» و «رویای سلت» کتاب‌هایی است که او از یوسا به فارسی ترجمه کرده. مهدی غبرایی هم دو کتاب «واقعیت نویسنده» و «موج آفرینی» را به فارسی برگردانده است.

آخرین کتاب یوسا «سکوتم تقدیم به شما» نام دارد. داستان کتاب روایت مردی پرویی به نام تونی اسپیلکوئتا است که رویای کشوری را در سر دارد که موسیقی باعث اتحاد مردم آن می‌شود و همین موجب سرگردانی او شده است. تونی در دورانی در پرو زندگی می‌کند که خشونت و تعصبات نژادی کشور را به ویرانه‌ای تبدیل کرده است. مجدالدین ارسنجانی این کتاب را به فارسی ترجمه کرده که توسط لگا منتشر شده است. البته این کتاب با ترجمه سعید متین با عنوان «سکوتم را به شما تقدیم می‌کنم» توسط نشر برج منتشر شده است.

کیوان شعبانی مقدم، رامین مولایی، علیرضا شفیعی‌نسب، سعید متین، لیلا حسین رشیدی، فریبا گورگین، شهین وکیلی تهامی، حمید یزدان‌پناه، مهدی سرائی، پرنیان رجب‌زاده، منوچهر یزدانی، آرش سرکوهی، یحیی خویی، زهرا رهبانی از دیگر مترجمانی هستند که آثار یوسا را به فارسی ترجمه کرده‌اند.

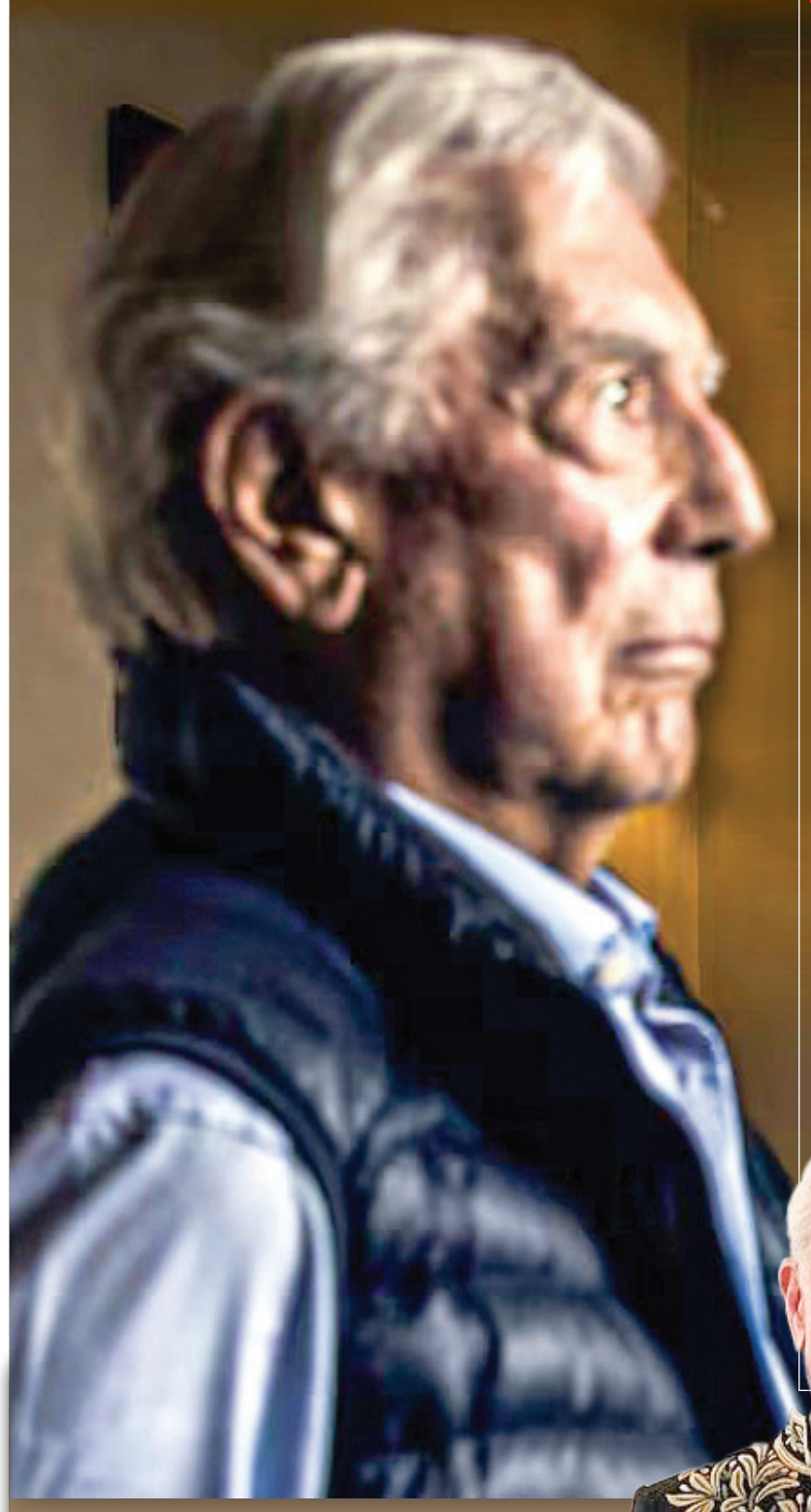

۷

یوسا پس از «سور بز» افت کرد. بسیاری از منتقدانش بر این تصور بودند که او با پایان راه رسیده است. بازگشت او در سال ۲۰۱۹ و در سن ۸۴ سالگی به عرصه ادبیات به نوعی اثبات حرف خودش بود: «هنوز آخرین رمانم را ننوشته‌ام.» اگر نمی‌نوشتم، بدون هیچ تردیدی مغزم را منفجر می‌کردم. شعار بارگاس یوسا در خصوص حرفه نویسندگی، بیان مفهوم بزرگ‌تری به مخاطب بوده است. نوشتن رمانی برآمده از وقایع داستانی با واقعیات تاریخی نمونه تحقق بخشیدن به این شعار بوده است.

۷

یوسا علاوه بر کارزار انتخاباتی، با مقالاتش در روزنامه ال پایس و مجموعه‌هایی چون «شمشیرها و آرمان‌شهرها» بر افکار عمومی تاثیر گذاشت و به نقد ملی‌گرایی، فساد و پوپولیسم روی آورد، همچنین از دموکراسی لیبرال مبتنی بر حاکمیت قانون، آزادی بیان و اقتصاد آزاد دفاع کرد. برخی او را مدافع بی‌چون و چرای نئولیبرالیسم خواندند که به نابرابری‌های ساختاری بی‌توجه است. نقش یوسا نمونه‌ای از قدرت نرم روشنفکران است که می‌توانند گفتمان نخبگان را شکل دهند، اما در میدان سیاست، به‌ویژه برابر احساسات پوپولیستی شکننده‌اند.

پایان قصه‌نویسی برای سیاست

یوسا؛ روشنفکری که می‌خواست رئیس جمهوری باشد

محسن عسگری
عضو هیات علمی دانشگاه

درگذشت ماریو بارگاس یوسا، نویسنده پرویی و برنده نوبل ادبیات، فرصتی دوباره برای بازخوانی این پرسش قدیمی است: آیا ادبا می‌توانند سیاست‌مدار باشند؟ سیر تطور یوسا، از سوسیالیسم به لیبرالیسم و از ناکامی در انتخابات ریاست‌جمهوری تا نقد پرشور پوپولیسم، پاسخی پیچیده به این پرسش می‌دهد؛ پاسخی که برای جامعه ما نیز آشناست.

ماریو بارگاس یوسا: ندای ادبیات در سیاست

ماریو بارگاس یوسا فراتر از چهره‌ای ادبی، کنشگری سیاسی بود که با تحول فکری از مارکسیسم به لیبرالیسم، بر گفتمان سیاسی آمریکای لاتین تاثیر گذاشت. یوسا سال ۱۹۹۰ نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد و به صحنه‌ای پا گذاشت که نه با واژه‌ها، که با سازوکارهای پیچیده قدرت اداره می‌شد. تجربه یوسا، همچون بسیاری از روشنفکران پیش از او، نشان داد که خیال ادبی هرچند قدرتی تاثیرگذار بر گفتمان دارد، اما در برخورد با واقعیت سرد و بی‌رحم سیاست، اغلب در دام ساده‌سازی‌های رمانتیک گرفتار می‌آید.

از منظر علوم سیاسی، این تحول بازتابی از چالش بزرگ‌تر در آمریکای لاتین پس از جنگ سرد است؛ جایی که روشنفکران ناچار شدند با واقعیت‌های عملی ایدئولوژی‌ها مواجه شوند. یوسا با رد جزم‌اندیشی چپ و راست، به منتقدی جهانی تبدیل شد که هم‌زمان با اقتدارگرایی و با پوپولیسم مبارزه می‌کرد.

بارزترین اقدام سیاسی یوسا، نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۹۰ پرو بود. او در قالب ائتلاف راست میانه و در بحبوحه تورم افسارگسیخته و خشونت‌های گروه «راه درخشان»، کارزاری بر پایه اصلاحات نئولیبرال به راه انداخت و وعده داد که آزادی اقتصادی می‌تواند ثبات و پیشرفت به ارمغان آورد، اما برابر جذابیت پوپولیستی آلبرتو فوجیموری شکست خورد که این شکست را در «کتاب ماهی در آب» روایت کرده است. پیروزی فوجیموری، که بعدها به اقتدارگرایی گرایید، نشان داد که لیبرالیسم آرمانی یوسا با نیازهای عاجل جامعه‌ای بحران‌زده هم‌خوانی نداشت.

شکست او فقط از فوجیموری نبود، بلکه از واقعیتی بود که روشنفکران اغلب نمی‌بینند: سیاست عرصه داستان‌سرایی نیست و صندوق رای با بی‌رحمی قضاوت می‌کند.

یوسا علاوه بر کارزار انتخاباتی، با مقالاتش در روزنامه ال پایس و مجموعه‌هایی چون «شمشیرها و آرمان‌شهرها» بر افکار عمومی تاثیر گذاشت و به نقد ملی‌گرایی، فساد و پوپولیسم روی آورد، همچنین از دموکراسی لیبرال مبتنی بر حاکمیت قانون، آزادی بیان و اقتصاد آزاد دفاع کرد. با این حال، حمایت او از چهره‌هایی همچون کِیکو فوجیموری در انتخابات ۲۰۲۱ پرو، برای دفع خطر چپ‌گرایی، انتقاداتی را برانگیخت. برخی او را مدافع بی‌چون و چرای نئولیبرالیسم خواندند که به نابرابری‌های ساختاری بی‌توجه است. از منظر یک معلم سیاست، نقش یوسا نمونه‌ای از قدرت نرم روشنفکران است که می‌توانند گفتمان نخبگان را شکل دهند، اما در میدان سیاست، به‌ویژه برابر احساسات پوپولیستی شکننده‌اند.

۷

یوسا در کتاب «یادداشت‌هایی درباره مرگ فرهنگ»، سوگوارانه درباره آنچه در دوران جوانی‌اش به نام فرهنگ می‌شناخت و می‌ستود، نوشته: شاید امروز زیر سایه سنگین و فراگیر صنعت سرگرمی مرده باشد.

امروز بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ بشر، مقاله و نظریه و تحلیل درباره فرهنگ داریم و با وجود این، شگفت‌آور است که فرهنگ در زمانه ما چنین بر لبه سقوط و زوال قرار گرفته است. فرهنگ امروزی به جای بسط افراد، آن‌ها را خفه می‌کند، از روشن‌بینی و اراده محروم می‌نماید و وادارشان می‌کند که با ذهنیتی شرطی شده و گله‌وار به فرهنگ غالب واکنش نشان دهند.

لیبرالیسم متعادل او، که از آرمان‌گرایی و اقتدارگرایی پرهیز داشت، چارچوبی برای تحلیل نزاع‌های ایدئولوژیک در دموکراسی‌های در حال گذار فراهم می‌کند. درگذشت یوسا فرصتی برای بازاندیشی در میراث او به‌عنوان پلی میان ادبیات و سیاست است. تحول او از مارکسیسم به لیبرالیسم، سنت‌های فکری آمریکای لاتین را به‌چالش کشید و مقالات و کنشگری او نقش روشنفکران در شکل‌دهی به گفتمان عمومی را برجسته کرد. برای دانشمندان علوم سیاسی، زندگی یوسا پرسش‌هایی کلیدی درباره چگونگی تبدیل ایده‌ها به قدرت و پایداری اصول لیبرال در برابر پوپولیسم مطرح می‌کند. آثار او، از «ندای قبیله» تا نقدهایش بر رژیم‌های اقتدارگرا، منبعی ارزشمند برای مطالعه چالش‌های دموکراسی و پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان میان آزادی فردی و نیازهای جمعی توازن برقرار کرد؟ و از آن فراتر آیا ورود روشنفکران و ادبا به قدرت مطلوب است؟ و اگر وارد شدند، آیا همچنان روشنفکر باقی می‌مانند یا به بخشی از همان ساختاری بدل می‌شوند که آن را نقد می‌کردند؟ پرسشی که نه فقط برای پرو، بلکه برای نظام‌های سیاسی ایدئولوژیک همچنان زنده و دردناک است.

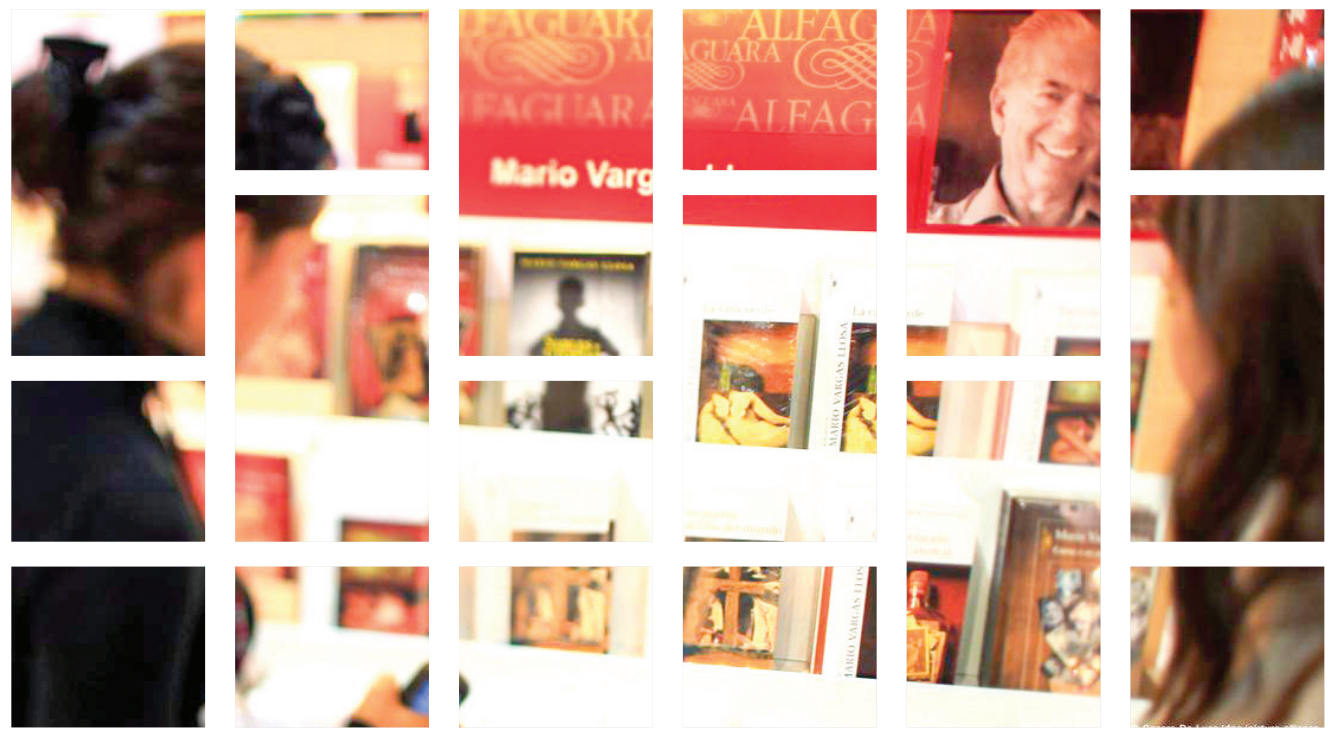

ورطه خیال‌انگیز سلاح ناامیدی

کیارش وفائی
خبرنگار

نوشتن، مسئله این است. نوشتن واکنشی است عملگرایانه که براساس ساختاری منظم یا غیرمنظم به چیزهایی اشاره دارد که داده‌های درون و ذهن نویسنده را به جهان بیرون متبادر می‌کند. حال این رویکرد درباره آن دسته از نویسندگانی که می‌توانند ضربان نبض خواننده را با خلق آثارشان به دست بگیرند شکل و شمایلی متفاوت دارد. آنچنان که بعد از مراسم آشنایی نویسنده و خواننده دیگر مرزی وجود ندارد و هر دوی آنها شانه به شانه یکدیگر در میان کلمات، جملات، پاراگراف‌ها هم مسیر می‌شوند و از خلق تا پایان پیش می‌روند.

البته که هر نویسنده‌ای برای خودش آداب و قانون‌هایی برای نوشتن دارد. آدابی که با رعایت آن‌ها مختصات و مشخصات هر یک از شخصیت‌هایی که در آثارشان خلق می‌کند دچار همان تعریف می‌شوند. «ماریو بارگاس یوسا» جزو آن دسته از نویسندگان معاصر بود که در طول پنجاه و پنج سال از عمرش که به نوشتن گذشت و پنجاه و نه اثر خلق کرد، صبح‌ها را بیشتر از هر زمان دیگری برای خلق آثارش مهم قلمداد می‌کرد. در واقع این نویسنده اهل پرو که نوشتن را سلاحی در برابر ناامیدی می‌دانست، از ساختارهای روایی و شکل تکنیک‌های قصه‌گویی متفاوتی برای نوشته‌هایش بهره می‌گرفت. او بر این باور بود که زمان نوشتن، خودش را در جهان آثارش به عمد تکثیر می‌کند.

در واقع یوسا که نویسنده‌ای واقع‌گرا بود با استفاده از راوی‌های متعدد در نوشته‌هایش از پیچیدگی‌های ساختاری، بررسی لایه‌های اجتماعی، سیاسی و دغدغه‌های فلسفی سخن می‌گفت و با زبان روایی خاص خود فرم و محتوایی نوآور را رقم می‌زد، زیرا که توصیف‌هایش عمیق و دیالوگ‌هایش حاصل تجربه زیست و برداشت جهان درونی او بود که نمی‌توان آن را تنها یک مکالمه دانست به دلیل آنکه گاهی تکنیک‌هایی از تئاتر یا سینما را در بدنه درام خود به کار می‌گرفت. در واقع این نویسنده چندوجهی فارغ از رمان‌هایش که سر و صدای زیادی در بین خوانندگان خودش برپا کرده بود در نمایشنامه‌هایش نیز از شگردهای خاص و ناب خود بهره‌مند بود. البته که او در ساختار متن‌هایش که روی صحنه نمایش به شخصیت‌هایش جان می‌بخشید، از تاریخ و سرنوشت‌های تحت تاثیر آن نیز جهت پیشبرد روایتش استفاده می‌کرد.

این نویسنده اهل پرو که نوشتن را سلاحی در برابر ناامیدی می‌دانست، از ساختارهای روایی و شکل تکنیک‌های قصه‌گویی متفاوتی برای نوشته‌هایش بهره می‌گرفت. او بر این باور بود که زمان نوشتن، خودش را در جهان آثارش به عمد تکثیر می‌کند

نمایشنامه «اودوسئوس و پنلوپه» روایتی از شخصیت مشهور حماسه یونانی ادیسه است که در آن شاهد روایت او از جنگ تروا و بازگشت شکوهمندانه‌اش به ایتاکا هستیم. اثری که در آن یوسا براساس خاستگاه خود تاریخ و وقایع را به شکلی قابل توجه دستمایه کُنشی اثرگذار قرار می‌دهد. یا در اثر دیگرش به نام «بانویی از تاکنا» درباره فرآیند خلق داستان توسط نویسنده می‌گوید که به شکل ملموسی از میل انسان به قصه‌گویی و شرح گذران عمر که ریشه‌هایی از درد و رنج انسان به هنگام مواجهه با مرگ، شکست، غرور و پیامدهای سرنوشت دارد پرده برمی‌دارد. حال این نگاه نویسنده پرویی تنها به نوشتن ختم نمی‌شود. او با ذوق خلق کردن شخصیت‌هایش به تقلای آن می‌افتد که نقشی از آنچه خود خلق کرده را به عنوان بازیگر روی صحنه تجربه کند که این امر در نمایشنامه دیگرش به نام «هزار و یک شب» در سال ۲۰۱۱ در مکزیک به وقوع پیوست و او در نقش «شهریار» مقابل دیدگان مخاطب روی صحنه رفت. همچنین این نویسنده مکاشفه‌گر که جهان پیرامونش را محرکی برای خلق می‌دانست در نمایشنامه دیگرش با عنوان «احمق‌ها رو بالکن» برای خلق شخصیتی به نام «آلدو برونلی» در فضایی ایده‌آلیستی و آرمان‌شهری از شخصیت استاد هنر ایتالیایی خود استفاده کرده بود.

حال با چنین شرح کوتاه و موجزی از «ماریو بارگاس یوسا» نویسنده چیره‌دست اهل پرو می‌توان چنین قلمداد کرد که آوازه رمان‌هایی چون «گفت‌وگو در کاتدرال»، «سور بُز»، «رویای سلت»، «سال‌های سگی» و باقی آثاری که او خلق کرده و به چاپ رسیده است عنوانی مهم‌تر از ذوق نوشتن وجود ندارد.

مهدی سرائی، مترجم کتاب «روزگار سخت»

رمان‌نویسی از قلب پرو، دنیای آشنای ایرانی

مهدی سرائی
مترجم

از آشنایی تا شیفتگی

اواخر دهه ۸۰ شمسی و در پی سرخوردگی از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، به ادبیات پناه بردم. در آن ایام با کتابی آشنا شدم که زندگی من را به قبل و بعد تقسیم کرد. این کتاب «جنگ آخر زمان» مرحوم فقید ماریو بارگاس یوسا بود. امتزاج تاریخ و ایدئولوژی در این کتاب آنقدر جذاب و گیرا بود که بلافاصله دیگر آثار بارگاس یوسا را بلعیدم. البته از این غافل نشویم که استاد عبدالله کوثری با ترجمه‌های درخشان از ادبیات آمریکای لاتین نقش بسیار مهمی در این علاقه‌مندی ایفا کرد.

پس از این رویارویی اولیه تصمیم گرفتم اسپانیایی یاد بگیرم. فرآیند بسیار پیچیده و سختی بود. از اوایل دهه ۹۰ شمسی از این موسسه به آن موسسه سرگردان بودم، از سوی دیگر فشار زندگی و معاش و... بر گردنم بود که مسیر را ناهموار می‌کرد. اما عشق به ادبیات آمریکای لاتین همچنان در من می‌جوشید.

سال ۱۳۹۶ وارد دانشگاه شدم و خیلی زود روند آموزش اسپانیایی را به صورت آکادمیک طی کردم. سال ۱۳۹۸ خبر انتشار کتاب «روزگار سخت» بارگاس یوسا را شنیدم و پس از خواندن فصل اول کتاب تصمیم گرفتم این اثر را ترجمه کنم. بارگاس یوسا بار دیگر شاهکاری خلق کرده بود، شاهکاری همتراز با «سور بز». دانشگاه را رها کردم و سراغ ترجمه آمدم.

جدال مترجم با روزگار سخت

«روزگار سخت» در ده فصل ابتدایی، شرحی از تاریخ و اوضاع کشور گواتمالاست. ترجمه این فصل‌ها که گزارش سیاسی بودند، سخت نبود. از فصل ده که شکل رمان پررنگ‌تر می‌شود، جدال اصلی مترجم با متن هم آغاز می‌شود. ترجمه جملات محاوره‌ای از بخش‌های سخت کتاب بود. تمام تلاش من این بود که متن، ضرباهنگ نوشته‌های یوسا را منعکس کند.

تقاطع تاریخ و داستان، نقطه قوت یوسا

ترکیب تاریخ با وقایع داستانی به دور از شعارزدگی، یکی از دستاوردهای نویسندگان آمریکای لاتین است. کارلوس فوئنتس در پاسخ به این سوال که چرا آثار تو حجیم هستند، می‌گوید: «ما لاتین تبارها ۴۰۰ سال است صحبت نکرده‌ایم. پس از چهار قرن حرف‌های‌مان را به زبان می‌آوریم». این پاسخ فوئنتس روایت تاریخ در بستر داستان، ویژگی اصلی جذب مخاطب است. «دکتر ژیواگو» یک شاهکار ادبی است، چرا که ستم‌های ملت در دوران قدرت بلشویک‌ها را در قالب داستان روایت می‌کند. «روزگار سخت» هم ترکیبی از داستان و تاریخ است. همین ویژگی که نقطه قوت کتاب است باعث شده بعد از گذشت سال‌ها از ترجمه، اثر یوسا برایم جذاب باشد.

ریشه‌های آشنای روایتی آمریکاستیزی

در کتاب به اسم مرحوم دکتر محمد مصدق اشاره شده است. راوی کتاب بر این باور است که در زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آمریکا زیر نفوذ برادران دالس، کمونیست‌ستیزی را سرلوحه فعالیت‌هایش کرده بود. جز این اشاره مستقیم، تعقیب و گریز شخصیت‌های سیاسی کتاب که از قضا کمونیست نیستند اما انگ کمونیست بودن بر پیشانی داشتند، همچون رئیس جمهور گواتمالا، خاکوبو آربنز و اطرافیانش، یادآور برخی از حوادث تاریخی معاصر ایران می‌شود. این باعث آشنایی‌زدایی مخاطب ایرانی با داستان «روزگار سخت» می‌شود. یکی از نقاط مشترک کشورهای آمریکای لاتین و ایران، زخم‌خوردگی‌ای از دخالت‌های آمریکا است. همین شباهت تاریخی آمریکاستیزی دو کشور به خوبی در این رمان منعکس شده است.

پروپاگاندای سرمایه‌داری جان‌مایه کتاب

نکته قابل تأمل دیگری که این کتاب را به شاهکاری از بارگاس یوسا تبدیل می‌کند، اشاره دقیقی است که نویسنده با اطلاع از نقش مهم پروپاگاندا در کشورهای سرمایه‌داری و کمونیستی برای پیشبرد اهداف، انجام داده است.

ایده‌هایی که در جریان زندگی روزمره جرقه خوردند

یوسا ایده داستانش را در یک مهمانی دورهمی شنیده بود. حرف از «تروخیو» و «جانی آبس گارسیا» او را سر وجد می‌آورد. پیش‌تر ایده اولیه کتاب «سور بز» را بین سال‌های ۱۹۷۷ یا ۱۹۷۸ حین ساخت فیلم «سروان پانتوخا و خدمات ویژه» در کشور دومینیکن شنیده بود و با بیش از دو دهه تحقیق درباره دیکتاتور دومینیکن این کتاب را منتشر کند.

یوسا، از عبدالله کوثری تا مهدی سرائی

اگر عبدالله کوثری و تلاش‌هایش نبود امروز ما این آثار فاخر ادبیات آمریکای لاتین را نداشتیم. در همان ایامی که درگیر یافتن ناشر بودم، دل به دریا زدم و با آقای کوثری تماس گرفتم. می‌دانستم باید در ابتدای صحبت نامی را بر زبان آورم که با آن آشنایی داشته باشد و قلابی برای ادامه بحث باشد. اسم «روزگار سخت» را آوردم و توضیح دادم دنباله «سور بز» است و شخصیت‌های «تروخیو» و «جانی آبس گارسیا» در این رمان هم حضور دارند؛ مشتاق ادامه صحبت شد. توضیحات دیگری درباره کتاب دادم و در پایان درخواست کردم بخشی از ترجمه‌ام را بخواند و راهنمایی‌ام کند. ایشان در کمال بزرگواری چند فصل از کتاب را خواند و حاشیه‌هایی بسیار سودمند برایم نوشت. روحی در اثرم دمیده شد و تصمیم گرفتم تمام کتاب را بر این سیاق دوباره بازبینی کنم.

ارکستر ملی در گرامیداشت مردی از تبار نغمه‌ها می‌نوازد

به احترام دیپلمات موسیقیدان راوی خاطرات جاودانگی

سمابابایی | نخستین کنسرت ارکستر موسیقی ملی ایران با عنوان «خاطره‌ای با من هست» اول اردیبهشت به رهبری همایون رحیمیان در حالی برگزار می‌شود که گرامیداشتی برای محمد سریر (آهنگساز پیشکسوت موسیقی ایران) است. در این کنسرت آثاری از این موسیقیدان چون «جان مریم»، «به خاطر پرنده»، «دلاویزترین»، «ای ایران»، «ایران»، «باران»، «آواز با عشق»، «شیرین و فرهاد»، «سخن عشق» و «خزان عمر» با خوانندگی علی تفرشی اجرا می‌شود.

همایون رحیمیان، چهارمین رهبر دائم ارکستر ملی پس از فرهاد فخرالدینی، بردیا کیارس و زنده‌یاد فریدون شهبازیان است. او پیش از آن که سکان رهبری این ارکستر را در دست بگیرد، سال‌ها به عنوانِ رهبر میهمان و کنسرت‌ماستر با این ارکستر همکاری داشته است و علاوه بر آن ارکسترهای دیگری را نیز رهبری کرده است.

رحیمیان را می‌توان از چهره‌های برجسته آهنگسازی در موسیقی کلاسیک و از پیشگامان به کارگیری سازهای بادی برنجی در موسیقی ملی دانست. او به عنوان یک ویولنیستِ کلاسیک، سابقه بسیاری در اجرای موسیقی دستگاهی دارد و به فواصل موسیقی ایرانی آگاه است.

به احترامِ دیپلماتِ موسیقیدان

محمد سریر یکی از آهنگسازانِ مورد علاقه همایون رحیمیان است. او می‌گوید که همواره آثار ایشان را دوست داشته است؛ اگرچه کامبیز روشن‌روان، هوشنگ کامکار و ارسلان کامکار نیز از دیگر آهنگسازانِ مورد علاقه اوست. محمد سریر، آهنگسازی هفت آلبوم موسیقی و تصنیف بیش از ۱۰۰ اثر آوازی و موسیقی متن فیلم و سریال‌های تلویزیونی را بر عهده داشته است؛ اگرچه عمده آثارِ او توسط زنده‌نام «محمد نوری» خوانده شده است.

«کامبیز روشن‌روان» درباره شخصیتِ هنری این موسیقیدان در مراسمی چنین گفته است: «محمد سریر یک هنرمند، یک دیپلمات و مدرسی بی‌حاشیه است. او از نظر عملکردش یک نفر نیست. یک دیپلمات است که به عنوان رایزن فرهنگی در کشورهای اروپایی بسیار مفید بوده و به خصوص در موسیقی کمک‌های ویژه‌ای کرده است. در کنار آن یک مدیر لایق است که ثمره آن را می‌توان در خانه سینما، خانه موسیقی، دانشگاه‌ها و... مشاهده کرد. نگاه دیپلماتیک ایشان موجب شده است که کج‌روی‌های ممکن در جامعه هنری را برطرف کند. علاوه بر این آثاری که ایشان آهنگسازی کرده، جاودانه شده‌اند. او سیاستمداری است که کمک کرد هنر از مسیر حقیقی خود خارج نشود.»

از نوازندگی تا آهنگسازی

سازِ تخصصی «همایون رحیمیان» ویولن است. او از کلاس چهارم دبستان در کنسرواتوار تهران (هنرستان موسیقی) آموختنِ موسیقی را فراگرفته و شاگردی استادانِ بزرگی چون مرحوم حشمت سنجری، هراچ مانوکیان، و ابراهیم روحی‌فر را کرده است: «بعد از هنرستان عالی موسیقی و سپس دانشگاه تهران، برای پیشرفت در نوازندگی ویلن، سفرهایی به ایتالیا و اتریش و وین داشتم و در کلاس‌های تابستانی اروپا، به‌ویژه در شهر سینا در ایتالیا، شرکت کردم. این کلاس‌ها با حضور اساتیدی از سراسر دنیا برگزار می‌شدند و برای ورود به آن‌ها آزمون برگزار می‌شد. برای مثال، من با اجرای کنسرتو شماره ۵ موتسارت پذیرفته شدم. در آن دوره، سه ماه نزد استاد بزرگ، سالواتوره آکاردو، کار کردم و علاوه بر آن در کلاس‌های گروه‌نوازی نیز شرکت داشتم.»

او اما همواره علاقه بسیاری به آهنگسازی نیز داشته است. خودش در این‌باره می‌گوید: «علاقه من به آهنگسازی از همان سال‌های اول بسیار جدی بود. حتی زمانی که به طور رسمی در این زمینه تحصیل نمی‌کردم، سر کلاس‌های اساتیدی چون هوشنگ استوار، مرتضی حنانه، حسین ناصحی، فریدون ناصری و یوسف یوسف‌زاده می‌رفتم.»

او آهنگسازی را به شکلِ جدی ادامه داده است که حاصلِ آن چندین کوارتت است و تعدادِ زیادی قطعه سمفونیک و هم‌چنین تصنیف و ترانه، اگرچه خود مهم‌ترین هدفِ خویش را چنین برمی‌شمرد: «یکی از اهدافِ من در آهنگسازی همواره این بوده است که موسیقی ایرانی را از چهارچوب سنتی‌اش فراتر ببرم و آن را به فضای ارکسترال نزدیک کنم برای مثال قطعه سمفونیک من با عنوان «چهارگاه» یک قطعه هارمونیزه شده برای ارکستر بزرگ است که مرحوم سنجری آن را با ارکستر سمفونیک اجرا کرد. فکر می‌کنم این اثر، یکی از نخستین نمونه‌های اجرا شده بعد از انقلاب باشد.»

ماندن یا رفتن؟

پس از انقلاب که تقریبا موسیقی به محاق رفت و فعالیتِ بسیاری از ارکسترها متوقف شد، تعداد زیادی از نوازندگان و آهنگسازان مجبور به مهاجرت شدند. رحیمیان نیز قرار بود به هلند مهاجرت کند و حتی در ارکستر سمفونیکِ آن‌جا نیز پذیرفته شد، او اما ماندن را برگزید و در این‌باره می‌گوید: «به هلند رفتم و مدتی هم ماندم؛ اما برگشتم؛ چون دلم نیامد. فکر کردم حیف است. ما در شرایط انقلاب و جنگ کار کردیم و مارش‌های جنگی ساختیم؛ از عمق وجودمان هم ساختیم، به هر حال کشور درگیر جنگ بود و فضای ما هم متأثر از همان دوران و می‌خواستیم در کشورِ خودمان حضور داشته باشیم.»

البته بعد از جنگ و آن هنگام که فضای موسیقی متعادل‌تر شد، او نیز به جای مارش‌های نظامی، ترانه و تصنیف ساخت و آثاری که خوانندگانی چون علیرضا افتخاری، بهرام حصیری و حسام‌الدین سراج خواندند و بسیاری تک‌قطعه که تعدادی از آنان توسط ارکستر سمفونیک تهران و تعدادی دیگر با خوانندگانِ مختلف به اجرا درآمدند.

راه‌اندازی ارکستر تلویزیون

در آن سال‌هایی که ارکسترها تعطیل شده بودند و بسیاری از نوازندگان از ایران رفتند، تعدادی از نوازندگان سعی در احیای ارکسترها کردند. «مجید انتظامی» و تعدادی دیگر از نوازندگان به دیدار آیت‌الله بهشتی رفتند و جوازِ فعالیتِ ارکستر سمفونیک را گرفتند و در این سو، همایون رحمیان به همراه نادر مرتضی‌پور، ارکستر تلویزیون را احیا کردند. خود درباره آن دوران چنین توضیح داده است: «پیش از انقلاب من برای ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون امتحان دادم و پذیرفته شدم. این ارکستر در آن زمان یکی از حرفه‌ای‌ترین گروه‌های موسیقی کشور بود که نوازندگان بسیار سطح بالایی در آن فعالیت می‌کردند. این ارکستر مرتبا در داخل و خارج از کشور اجرا داشت و سولیست‌ها و رهبرانی از سراسر دنیا با آن همکاری می‌کردند.

آخرین تور ما به رهبری لوریس چکناواریان و در دوران شوروی سابق برگزار شد. در این سفر، در شهرهایی مانند مسکو و دوشنبه کنسرت داشتیم. بعد از انقلاب فعالیتِ این ارکستر متوقف شد تا اینکه تعدادی از ما که ایران مانده بودیم، ارکستر تلویزیون را جمع و جور کردیم و برای آن ارکستر سمفونیک تشکیل دادیم که نوازندگان بزرگی هم در آن حضور داشتند. آقای مرتضی‌پور که نوازنده کنترباس بود و تحصیل کرده آمریکا، رهبری ارکستر را به عهده گرفت. ایشان به احیای ارکستر خیلی کمک کرد و ارکستر هم مارش‌های بسیاری نواخت.»

و حالا رهبری

همایون رحیمیان اگر چه رهبری ارکستر را به صورت آکادمیک نگذرانده است، اما در این سال‌ها تجربه عملی زیادی به دست آورده است و به خصوص «نادر مرتضی‌پور» در این راه به او کمکِ زیادی کرده است؛ به‌طوری که می‌گوید: «در ارکستر صدا و سیما، زمانی که ایشان حضور نداشتند، من ارکستر را تمرین و رهبری می‌کردم و به دلیل سابقه آهنگسازی و سال‌ها نوازندگی در ارکستر، از عهده انجام این کار برآمدم.»

به هر روی باید گفت همایون رحیمیان، نوازنده چیره‌دست ویولن و آهنگسازی خوش‌ذوق است که پس از انقلاب، حضوری درخشان در عرصه موسیقی ارکسترال ایران داشت و به همراهِ تعدادی دیگر این موسیقی را زنده نگاه داشت. او را می‌توان از مهم‌ترین چهره‌های سبک موسوم به ارکستر ملی دانست؛ سبکی که تلفیقی سنجیده از سازهای ایرانی با ساختار ارکستر سمفونیک غربی را دنبال می‌کند.

گزارش «هفت‌صبح» از هجوم گردوغبار به خوزستان و اعلام شرایط اضطراری در استان‌های غربی

اینجا هوا مزه خاک گرفته است

- غلظت گردوغبار در شهرهای اهواز و حمیدیه ۶۶ برابر حد مجاز آلودگی هواست
- مدیر کل محیط‌زیست خوزستان: کانون گردوغبار خارجی است، نمی‌توانیم کاری کنیم

لیلا مهداد
هفت صبح

آسمان رنگ خاک گرفته. نه ابری هست و نه بارانی، فقط خاک است که همه شهر را تسخیر کرده. شهر هم تسلیم شده و می‌توان این اندوه را در جای‌جای شهر دید. خوزستان از حرکت ایستاده چون ریه‌هایش تاب گردوغبار را ندارد. خیابان‌ها خالی‌اند از همشهری‌هایشان. دیگر صدای قدم شهروندان در گوش خیابان‌ها و کوچه‌ها نمی‌پیچد. اینجا همه‌چیز بوی خاک می‌دهد. شهر نظارگر هجوم گردوغباری است که زندگی را مختل کرده.

تعطیلی چهار استان

خوزستان نفس ندارد. گردوغبار، عراق و عربستان را بلعید تا جایی که ریاض، آلوده‌ترین شرایط آب‌وهوایی در میان پایتخت‌های دنیا تجربه کرد. گردوغباری که بی‌اذن و اجازه خودش را به مرز ایران رسانده تا نفس‌های خوزستان را به شماره بیندازد. در این میان ذرات معلق، منبع آلودگی غرب ایران معرفی شده‌اند؛ ذراتی که بنابر گفته کارشناسان جهت باد گردوغبار را به نوار ساحلی کشور خواهد کشاند. سوغات عراق و عربستان حالا ادارات، مدارس و دانشگاه‌های برخی استان‌های غربی را تعطیل کرده. لرستان یکی از این استان‌هاست و به گفته مدیرکل مدیریت بحران استانداری تمامی ادارات، بانک‌ها، دستگاه‌های اجرایی، مدارس و دانشگاه‌های استان ۲۶فروردین تعطیل شدند؛ تعطیلی به دلیل وضعیت اضطراری و هشدار سازمان هواشناسی. بعد از خوزستان و لرستان شرایط ایلام و بوشهر هم چندان خوشایند نیست.

خاک، زبان اعتراض زمین است

علی تمیمی، از اهالی رسانه و از مردمان خوزستان معتقد است تعطیلی شهر ادامه یک روند است، روندی که خوزستان را از باغستان سرسبز دیروز به صحرای خاموش امروز بدل کرده. براساس داده‌های رسمی شاخص آلودگی اهواز و ۱۳ شهر دیگر خوزستان از مرز ۵۰۰ گذشته. وضع خطرناکی که نه تنها نفس بیماران را به شماره می‌اندازد بلکه خطری است در کمین آدم‌های سالم. منشا این خاک‌ها و گردوغبارها گاه محلی است؛ بیابان‌هایی که روزگاری نیزار بودند و امروز به جرم بی‌آبی خاک به شهرها می‌پراکنند. زمانی هم خاک و گردوغبار از آن سوی مرزها همچون مهمانی ناخوانده به شهر حمله‌ور می‌شود. خوزستان در خاک و گردوغبار خلاصه نمی‌شود این سرزمین معدن طلای سیاه است. از خاک این دیار هم نان می‌روید هم نفت. خاکی که هر بار به بهانه‌ای، آسمان شهر را می‌پوشاند زبان اعتراض زمین است. خوزستان چشم‌انتظار آبی است که جان تازه به تالابش بدهد، پس همه همت کنیم برای نجات این دیار از گردوغبار.

روز شلوغ مراکز درمانی

گردوغبار مجنون‌وار در آسمان شهرهای استان‌های غربی می‌چرخد و قدرت‌نمایی می‌کند. رقصی که تا همین لحظه ۸۰۰نفر را راهی مراکز درمانی کرده. شهروندانی که به واسطه خاکی که در هوا موج می‌زند تنشان به لطف طبیب محتاج شده است. آمار ۸۰۰ بیمار را میثم معزی، معاون درمان دانشگاه علوم‌پزشکی جندی‌شاپور اهواز هم تایید می‌کند. به گفته معزی این تعداد شهروند با عارضه قلبی و تنفسی راهی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شده‌اند: «از این تعداد در تمام رده‌های سنی ۲۰ نفر بستری و بقیه با حال عمومی مناسب ترخیص شده‌اند.»

کانون گردوغبار خارجی است

توده گردوغبار از دوشنبه‌شب وارد خوزستان و دو استان همجوارش لرستان و ایلام شدند. محمدجواد اشرفی، مدیرکل محیط‌زیست خوزستان به «هفت‌صبح» می‌گوید: «کانون این گردوغبار خارجی است.» بنابرنظر اشرفی، از آنجایی که کانون برخی گردوغبارها خارجی هستند ما عملا نمی‌توانیم اقدام عملی برای مدیریت آنها داشته باشیم. این کانون‌ها اغلب با گستردگی بالا در بیرون از مرزها وجود دارند. مدیرکل محیط‌زیست خوزستان اظهار می‌کند: «درخصوص کانون‌های گردوغبار خود خوزستان خوشبختانه طی چندسال گذشته و حدودا از سال ۹۸ شاهد وقوع گردوغبارهای قابل توجه با منشا کانون‌های داخلی نبودیم.»

دستگاه‌ها به وظایف‌شان عمل کنند

به گفته مدیرکل محیط‌زیست استان خوزستان طی این سال‌ها چند گردوغبار با منشا خارجی داشتیم اما واقعیت امر این است که از سال ۹۹-۹۸ به بعد این شکلی که شب دوشنبه استان را درگیر کرد ما شاهد وقوع گردوغبار نبودیم. اشرفی امیدوار است کانون‌های داخلی امسال هم فعالیت خاصی نداشته باشند ولی به عنوان مدیرکل استان خوزستان تاکید دارد دستگاه‌های اجرایی وزارت جهادکشاورزی، وزارت نیرو اقدامات عملی که ستاد ملی گردوغبار برای آنها مشخص و تعیین کرده را عملیاتی کنند تا شاهد وقوع گردوغبار و فعال شدن کانون‌های داخلی نباشیم.

تا چهارشنبه شرایط نرمال می‌شود

بنابرنظر او مدیریت و کنترل مراکز خیزش گردوغبار و تامین حقابه خاصه تالاب شادگان و هورالعظیم از وظایف دستگاه‌های اجرایی است. او بیان می‌کند: «اگر این اقدامات از سوی آنها صورت نگیرد دور از انتظار نیست در سال‌های نزدیک شاهد فعال شدن کانون‌های داخلی باشیم.» اشرفی معتقد است این توده به تهران نمی‌رسد. او برای این ادعا به عکس‌های ماهواره‌ای اتکا می‌کند و می‌گوید: «در عکس‌های ماهواره‌ای نشانی از اینکه توده به تهران برسد وجود ندارد. براساس همین عکس‌ها می‌توان گفت میزان غلظت آلودگی در شهرهای مرکزی و غربی استان روند کاهشی‌شان را از صبح سه‌شنبه شروع کرده‌اند.» او ادامه می‌دهد: «انتظار داریم با این روند کاهش شهرهای مرکزی و غربی پایان شب سه‌شنبه به شرایط نرمال برسند. انتظار بر این است در مناطق شرقی و شمال شرقی استان هم روند کاهش را شروع و تا نیمه روز چهارشنبه به شرایط نرمال برسند، البته شرایط جوی و میزان باد در این رویه دخیل هستند.»

غلظت گردوغبار ۶۶برابر حد مجاز آلودگی هوا

نکته

غلظت گردوغبار در شهرهای اهواز و حمیدیه ۶۶برابر حد مجاز آلودگی هواست. بنابر اعلام هواشناسی غلظت گردوغبار در شهرهای اهواز و حمیدیه به ۱۰هزار میکروگرم بر مترمکعب رسیده. ۲۶فروردین شوش و شوشتر با ۹۹۸۵میکروگرم بر مترمکعب (۶۶.۶برابر حد مجاز)، آبادان با ۹۳۹۸ (۶۲.۷برابر)، امیدیه با ۶۵۲۶ (۴۳.۵ برابر)، بهبهان با ۶۸۷۷ (۴۵.۸ برابر)، هندیجان با ۶۰۷۵ (۴۰.۵ برابر)، سوسنگرد با ۵۹۲۹ (۳۹.۵ برابر)، گتوند با ۵۴۰۹ (۳۶.۱ برابر)، هویزه با ۵۲۳۲ (۳۴.۹ برابر)، ماهشهر با ۴۳۴۲ (۲۸.۹ بر ابر)، اندیمشک با ۴۳۳۴ (۲۸.۹ برابر)، دزفول با ۴۰۸۶ (۲۷.۲ برابر) و خرمشهر با ۲۶۵۴ میکروگرم بر مترمکعب (۱۷.۷ برابر حد مجاز) درگیر این پدیده هستند.

هوا بوی خاک می‌دهد

مرزهای غربی کشور از ۲۵فروردین به روی مهمان ناخوانده باز شدند تا خاک به کوچه و خیابان‌ها حمله کند و زندگی محلی‌ها را تحت‌الشعاع قرار بدهد. اهواز یکی از این شهرها بود که با وجود تجربه‌های متعدد از هجوم گردوغبار و آلودگی‌ها این‌بار دوباره غافلگیر شد. اسماعیلی یکی از اهالی اهواز است که خانه‌نشین شده تا جولان گردوغبار دست از سرکشی بردارد و آرام بگیرد. او به «هفت‌صبح» می‌گوید: «از ۲۵فروردین حوالی ساعت ۱۸:۳۰ شاید هم ۱۹ بود که هوا پر از خاک شد.» هوا که رو به تاریکی رفت برخی از اهالی داخل چهاردیواری خانه‌هایشان هم با ماسک خوابیدند تا گردوغبار کمتری را مهمان ریه‌هایشان کنند: «هوا بوی خاک می‌دهد. کف حیاط خانه‌ها و خیابان‌ها پوشیده از خاک است.» اهالی اما هنوز از تعطیلی فردا بی‌خبرند و چشم دوخته‌اند به اطلاعیه‌ای که باید ستاد بحران استان اعلام کند: «متاسفانه ستاد بحران استان همیشه دیر اقدام می‌کند و این از ضعف‌های این ستاد است.» با اینکه بارها و بارها خوزستان را خاک برداشته و خیلی از آدم‌ها مهمان بیمارستان‌ها شده‌اند تصمیم‌گیری‌های این ستاد صدای اعتراض اهالی را درآورده: «تعطیلی روز بعد از اغلب ساعت ۸-۷ شب و گاهی اوقات ۱۱-۱۰ شب اعلام می‌کنند.»

منبع شرب شهر به خاک آلوده است

نوبخت هم در یکی از کوچه‌های اهواز خانه دارد. مردی که از همان دیشب با اعلام احتمال وقوع طوفان گردوغبار خانه‌نشین شده. او به «هفت صبح» می‌گوید: «همه در و پنجره‌ها بسته‌اند اما داخل خانه بوی خاک می‌دهد.» به اعتقاد او خوزستان یعنی چرخیدن چرخ اقتصاد؛ پس تعطیلی هر روز آن یعنی کند شدن این چرخه: «به همین خاطر اغلب اوقات تمام تلاش‌ها بر این است که شهر تعطیل نشود اما با طوفان گردوغبار استانداری مجبور به اعلام تعطیلی شهر شد.» همه چشم‌ها در خوزستان به آسمان خاک گرفته است تا ببینند تعطیلی شهر ادامه دارد یا نه: «غلظت آلودگی کمی کاهش بیابد شهر از تعطیلی خارج می‌شود.» نوبخت نگران آب آشامیدنی است؛ آبی که منبعش کارون است و چند سدی که در اطراف شهر جا خوش کرده‌اند: «منبع شرب شهر همین‌ها هستند و با وجود این حجم از گردوغبار بی‌شک آنها هم آلوده می‌شوند.»

یادداشت

فالگیران؛ فروشندگان بی‌مجوز رویا و سرنوشت

پکیج کامل تقدیر

حدیث ملاحسینی
هفت‌صبح

روز دیگری آغاز شده است و شما طبق معمول به محض چشم باز کردن به سراغ فضای بی‌انتهای مجازی می‌روید. اتفاقی با کانال تلگرامی یک فالگیر مواجه می‌شوید و فارغ از اینکه به این مسائل اعتقاد دارید یا خیر، از سر کنجکاوی چند دقیقه‌ای مطالب را بالا و پایین می‌کنید. چشم‌تان به لیست نسبتا بلند بالایی می‌خورد که در آن انواع فال‌ها به همراه قیمت‌شان نوشته شده است. فال ازدواج و همسرشناسی، فال کاری و مسائل اقتصادی، فال راه تحصیلی و مهاجرت، فال احساسی کراش، فال مثلثی فرا زناشویی، فال بارداری و تعیین جنسیت، فال پکیج کامل و... که با ابزار مختلفی از جمله کارت‌های تاروت، ورق، قهوه، چای، نمک، شمع و... انجام می‌شود. بامشاهده چنین چیزی که این روزها به شدت در فضای مجازی فراگیر شده و هر کانال تلگرامی و صفحه اینستاگرامی قابلیت آن را پیدا کرده است که به یک دکان فالگیری تبدیل شود، با خود فکر می‌کنید که این لیست شباهت بسیار زیادی به منوی یک کافه یا رستوران دارد.

این مسائل حاکی از این است که ما در دوره و زمانه‌ای به‌سر می‌بریم که همه پدیده‌ها به سرنوشت واحدی دچار می‌شوند که گویی هیچ گریزی از آن نیست و این همان کالایی شدن است. حال، چه کسی تصورش را می‌کرد که خود مفهوم «سرنوشت» به چنین سرنوشتی دچار شود؟ به نظر می‌رسد این ادعای پیشگویانه «کارل مارکس» فیلسوف و جامعه‌شناس مشهور آلمانی قرن نوزدهم که درنهایت همه چیز کالایی خواهد شد، درست از آب درآمده است.

درباب کالایی شدن هنر، آموزش، فرهنگ، نیروی کار، عشق و... افراد زیادی داد سخن داده‌اند و قلم زده‌اند. اکنون باید دید که کالایی شدن مفهوم انتزاعی و غامضی همچون تقدیر و سرنوشت که از دیرباز جزو دغدغه‌های اساسی بشر بوده است، چگونه صورت گرفته است.

واقعیتی که وجود دارد، این است که با فعالیت فالگیران و پیشگویان که کار فالگیری و پیشگویی برایشان جنبه درآمدزایی و امرار معاش دارد، پدیده تقدیر و سرنوشت از آن حالت ماورایی، قدسی و ملکوتی‌اش خارج شده و بیش از پیش تبدیل به امری زمینی و مادی شده است که قابلیت خرید و فروش دارد. به عبارت دقیق‌تر، اگر زمانی اعتقاد بر این بود که تنها مشیت الهی در سرنوشت انسان نقش دارد و کسی جز خدا نمی‌داند که چه چیزی در انتظار آدمیزاد است و آینده او به چه سمت و سویی می‌رود، اکنون با مراجعه به فالگیر و هزینه کردن در این راه می‌تواند به درکی از آینده‌اش برسد. در این رابطه، فالگیران در نقش فروشنده و مراجعه‌کنندگان در نقش خریدار ظاهر می‌شوند. چیزی که در این فرایند در حال رخ دادن است، این است که اگر روزگاری افراد باید منتظر می‌ماندند تا شاهد آینده و سرنوشتی باشند که برای آنان رقم خورده است، اکنون به مدد فالگیر و با صرف یک هزینه مشخص، راه رسیدن به آینده و سرنوشت آسان و سهل‌الوصول شده است. به بیانی دیگر، افراد از قبل می‌دانند که چه چیزی را پیش روی خود دارند.

بدین شکل است که افراد پول می‌دهند و با ویژگی‌های همسر آینده خود آشنا می‌شوند، پول می‌دهند و از سرانجام معامله خود آگاه می‌شوند، پول می‌دهند و از آینده تحصیلی خود مطلع می‌شوند و....

نکته جالب توجه دیگری که وجود دارد، این است که هرچقدر در این راه پول بیشتری هزینه کنید، ابعاد و جزئیات بیشتری از آینده‌تان برایتان روشن می‌شود و به فهم جامع‌تری از سرنوشت‌تان نائل می‌شوید. مصداق این مسئله را می‌توان در فال‌هایی دید که به مشتریان در قالب «فال پکیج کامل» ارائه می‌شود و به صورت دقیق‌تر و جامع‌تر آینده افراد را پیشگویی می‌کند. تذکر این مطلب لازم است که اگر هم شخصی دیدگاه جبرگرایانه و الهی نسبت به تقدیر و سرنوشت نداشته باشد و آینده را تماما مقهور اراده و اختیار خود بداند، باز هم می‌تواند برخورد کالایی با سرنوشت داشته باشد. چراکه با رجوع به فالگیر، فرد جبرگرا اگر آینده از پیش تعیین شده خود را به صورت یک کالا دریافت می‌کند، فرد اختیارگرا هم با هزینه کردن در این راه از سرنوشتی آگاه می‌شود که می‌تواند با دخل و تصرف کردن در آن همه چیز را به نفع خود تغییر دهد. به عبارت دیگر، فرد جبرگرا سرنوشت محتوم و صُلب خود را در دستانش دارد و به احتمال قوی بر این باور است که باید همچون کالایی که نمی‌توان بر آن دست برد با آن رفتار کرد اما فرد اختیارگرا صاحب کالایی می‌شود که همچون خمیر می‌تواند آن را به هر شکلی که می‌خواهد ورز دهد و شرایط نامطلوبی که ممکن است برای او رخ دهد را با درایتی که دارد به کام خود تغییر دهد.

در آخر، حتی اگر ما فالگیری و پیشگویی را سراسر باطل و دروغ بدانیم، نمی‌توان منکر وجود چنین فعالیت‌هایی که بر کالایی شدن هرچه بیشتر مفهوم تقدیر و سرنوشت دامن می‌زنند، شد. حال، اگر روزی دیدیم که حتی مفهومی بس انتزاعی‌تر از تقدیر و سرنوشت کالایی شد، نباید چندان دچار حیرت شویم. به این دلیل که ما مدت‌هاست در عصری به سر می‌بریم که کالایی شدن چیزهایی که شاید نباید کالایی می‌شدند مشخصه آن است.

شناسه آگهی: ۱۹۱۰۹۷۷ نوبت اول

شرکت گاز استان گلستان (سهامی خاص)

تجدید آگهی مناقصه – یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده

موضوع مناقصه: یک مرحله ای با ارزیابی ساده تجدید مناقصه تعمیر و پرو ۱۴۱۶۰ عدد کنتور دیافراگمی در سطح استان گلستان
۱- (شماره مناقصه – N-۰۳۱۲۱۹) کد فراخوان در پایگاه ملی مناقصات ۵۳۱۸۷۷۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
۲- **نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار :** شرکت گاز استان گلستان به آدرس : گرگان – میدان بسیج – سایت ادارات - کد پستی ۳۶۹۴۸ – ۴۹۱۸۹
۳- **زمان دریافت اسناد :** کلیه اسناد مناقصه پس از چاپ آگهی دوم و حتی الامکان در تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ در سامانه ستاد بارگذاری و به مدت ۶ روز تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.SetadIRAN.ir قابل دریافت (دانلود) میباشد .
۴- **نحوه دریافت اسناد مناقصه و مهلت ارائه مدارک:** پیمانکاران و داوطلبان شرکت در مناقصه و واجد شرایط (گواهی صلاحیت شرکت ملی گاز ایران ، دارای توانایی مالی ، ظرفیت آزاد کاری، تخصص و سابقه کاری مرتبط و گواهینامه صلاحیت ایمنی) میبایست ضمن ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW. Setadiran.ir و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (در صورت عدم عضویت قبلی) جهت شرکت در مناقصه از طریق سامانه ستاد اقدام نمایند . ضمنا لازم است مناقصه‌گران کلیه مدارک خواسته شده براساس دعوتنامه ارسالی که در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) WWW. Setadiran.ir ، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir درج گردیده پس از تهیه و تکمیل مستندات و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ از طریق سامانه ستاد بارگذاری نمایند .
(در این مرحله مناقصه گران علاوه بر بارگذاری مستندات ارزیابی کیفی ، **همزمان با آن ملزم به ارسال نسخه کاغذی اسناد ارزیابی ساده وپاکت ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار** به آدرس شرکت گاز استان گلستان امور قراردادها می باشند. بدیهی است کلیه مناقصه گران در صورت بارگذاری اسناد و تکمیل مستندات در موعد تعیین شده ، قابلیت مشارکت در فرآیند مناقصه را خواهد داشت . همچنین شرکتهایی که دارای عضو هیئت مدیره مشترک میباشند مجاز به شرکت همزمان در مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت بصورت توامان نخواهند بود و در هر مرحله از مناقصه که این موضوع ثابت شود مناقصه گذار نسبت به حذف مناقصه گران مربوطه از روند مناقصه اقدام خواهد نمود .
۵- **نوع و میزان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** مطابق با بند الف ماده ۶ آئین نامه تضمین معاملات دولتی جهت مناقصه به مبلغ ۱/۷۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و هفتصد و بیست و پنج میلیون ریال) میباشد . ضمناً مبالغ اعلامی تقریبی بوده و میزان نهایی تضامین براساس برآورد اولیه در اسناد مناقصه قید می گردد.
۶- **مبلغ برآورد اولیه : مناقصه :** ۳۴/۴۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی و چهار میلیاردو چهارصد و نود میلیون ریال) میباشد . ضمناً مبالغ اعلامی تقریبی بوده و برآورد اولیه دقیق در اسناد مناقصه قید می‌گردد .
۷- کمیسیون مناقصات(بازگشایی پاکات): روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱
شماره مرکز تلفن : کد شهری (۰۱۷) ۵ – ۳۲۴۸۰۳۷۲ داخلی ۲۰۵۷
کارشناس مربوطه : خانم نعمتی فاکس : ۳۲۴۸۰۲۹۸ (۰۱۷)

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۱/۳۱
شرکت گاز استان گلستان
۳۷

شناسه آگهی : ۱۹۱۰۹۹۷ نوبت دوم

شرکت گاز استان اصفهان

فراخوان آگهی تجدید مناقصه عمومی از طریق ارزیابی کیفی فشرده

شرکت گازاستان اصفهان ، درنظر دارد جهت موضوع زیر :
موضوع :اجرای عملیات خطوط تغذیه فولادی ۴ الی ۱۶اینچ جمعاً به متراژ ۵۲۸۰ متر و جمع آوری ایستگاه تقلیل فشار به ظرفیت ۵۰۰۰ و نصب و راه اندازی ایستگاه تقلیل فشار جدید به ظرفیت ۱۰۰۰۰ مترمکعب بر ساعت در شهرستان تیران و کرون به شماره فراخوان (۲۰۰۳۰۹۱۱۳۸۰۰۰۰۰۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir از طریق ارزیابی کیفی فشرده برگزار نماید . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه اسناد ارزیابی کیفی و پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت)ستاد (انجام خواهد شد .
تذکر: با توجه به ارزیابی کیفی فشرده (یکپارچه) در این مناقصه ، لازم است مناقصه گران نسبت به دریافت ، تکمیل ، مهر و امضاء الکترونیک و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی اقدام نمایند و همزمان مدارک لازم برای بارگذاری در پاکتهای الف ، ب و ج را نیز مطابق دعوتنامه صادره مهر و امضای الکترونیک نموده و حداکثر تا تاریخ مشخص شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند.
- **کد فراخوان پایگاه ملی مناقصات:** ۵۳۱۹۰۷۹۷
- **مهلت زمان دریافت اسناد از سایت:** تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
- **مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی و ارائه مدارک و پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد:** تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۲
- **بازگشایی و ارجاع به کمیته فنی بازرگانی:** ساعت ۱۰:۱۰ صبح ۱۴۰۴/۰۲/۲۳
- **مبلغ برآورد مناقصه:** ۱۲۷،۲۲۵،۲۱۸،۷۲۵ ریال
- **مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** ۶،۳۶۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال
* **به منظور شرکت در این مناقصه ، داشتن رتبه معتبر حداقل ۵ نفت وگاز الزامی می باشد .**
آدرس : شرکت گاز استان اصفهان واقع در خیابان چهارباغ بالا - روبروی مجتمع پارک - امور پیمانها
جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۸۱۳۳۷۵۹ - ۰۳۱ تماس حاصل نمایید .
شماره فکس ۳۸۱۳۳۹۱۴ – ۰۳۱
جهت دریافت اطلاعات مرتبط با دفترچه ارزیابی کیفی با شماره تلفن ۳۸۱۳۳۳۳۷ - ۰۳۱ تماس حاصل نمایید.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس ۴۱۹۱۴۰۲۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۱/۲۷
۳۱

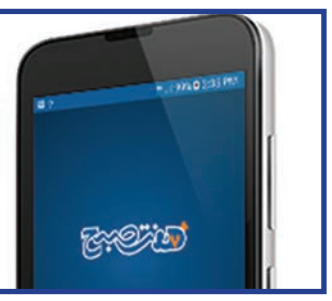

7SOBH.COM
همراه با تحریریه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید

شناسه آگهی : ۱۹۱۱۶۲۴ نوبت دوم

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی امیرآباد

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) شماره ۱۴۰۴/۲

۱- اداره کل بنادر و دریانوردی و منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد در نظر دارد فراخوان تجدیدمناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) راهبری ، تعمیر و نگهداری تجهیزات و بارج مقابله و پاکسازی آلودگی آب دریا (۱۴۰۴/۲) با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۳۶۳۵۰۰۰۰۰۲ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری معامله از دریافت و تحویل اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها ، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد .
۲- مهلت زمانی دریافت اسناد : از ساعت ۹ صبح مورخ۱۴۰۴/۱/۲۶ الی ساعت ۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱/۳۰
۳- مهلت زمانی ارسال پیشنهاد : ساعت ۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۲/۱۳
۴- زمان بازگشایی پاکتها : ساعت ۹:۳۰تاریخ ۱۴۰۴/۲/۱۳
۵- اطلاعات مربوط به نشانی و تماس مناقصه گزار :مازندران- بهشهر-اداره کل بنادر و دریانوردی امیرآبادتلفن: ۳۴۵۱۲۲۰۸ – ۳۴۵۱۲۲۲۶- ۰۱۱ کد پستی: ۵۱۳۱۳-۴۸۵۴۱
شناسه ملی: ۱۴۰۰۰۱۸۰۶۱۴ کد اقتصادی: ۴۱۱۳۱۹۵۷۷۹۸۶
۶- سپرده شرکت در فرآیند ارجاع کار: مناقصه گران باید اصل ضمانتنامه ی بانکی بدون قید و شرط و قابل تمدید به دفعات (مطابق مفاد آیین نامه تضمین معاملات دولتی) به مبلغ ۱۳،۰۳۳،۷۵۱،۷۲۶ریال یا اصل فیش واریزی وجه به حساب سپرده ی بندر امیرآباد تحت شماره IR۶۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۶۴۵۷۱۲۱۲۳۸۶ نزد بانک مرکزی را علاوه بر بارگذاری تصویر آن در سامانه ستاد ، به صورت فیزیکی در پاکت لاک و مهر شده،طی نامه رسمی تا ساعت ۹:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۳ به دبیرخانه بندر امیرآباد تحویل نمایند.
۷- مبلغ برآورد اولیه مناقصه : ۲۶۰،۶۷۵،۰۳۴،۵۱۳ ریال

روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی امیر آباد
۳۶

شناسه آگهی : ۱۹۰۷۱۳۴ نوبت دوم

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه۹عملیات انتقال گاز

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی شماره مناقصه: ۸۸۷۴۰۰۰۲

منطقه ۹ عملیات انتقال گاز در نظر دارد مناقصه با مشخصات زیر را به تأمین کننده ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید.
۱ - **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۹عملیات انتقال گاز) ساری-بلوار طالقانی، نرسیده به میدان هلال احمر
۲- **موضوع و محل اجرای پروژه:** خرید چکش وبره هیدرولیکی سربیلی
۳-**مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:** ۳،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (سه میلیارد و دویست و پنجاه میلیون ریال) به صورت یکی از تضامین مذکور در جدول شماره ۱ آیین نامه تضمین در معاملات دولتی
۴-**برآورد اولیه مناقصه و مبانی آن:** ۶۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (شصت و پنج میلیارد ریال) بر اساس قیمت بازار
۵-**محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۸ الی ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ صرفا از طریق سامانه ستاد امکان دانلود (دریافت) اسناد مناقصه امکان پذیر است.
۶-**تحویل پیشنهادات و اسناد مناقصه:** تا مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ صرفا از طریق سامانه ستاد بارگذاری اسناد امکان پذیر است.
۷- **محل و زمان گشایش پیشنهادات :** ساری - بلوار طالقانی- نرسیده به میدان هلال احمر - سالن کنفرانس ساختمان مرکزی منطقه ۹ عملیات انتقال گاز – تاریخ گشایش پیشنهادات مالی ساعت ۱۰ صبح روز ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ می باشد.
۸- **مدت اعتبار پیشنهادات:** با توجه به اینکه مناقصه گران می توانند تا آخرین روز مهلت ارائه پیشنهاد اعلام شده در سامانه ستاد، نسبت به جایگزینی و اصلاح قیمتهای خود اقدام نمایند لذا قیمت پیشنهادی مناقصه گر بمدت ۶ ماه از زمان بازگشایی پاکات مالی معتبر میباشد.
۹-**فرایند مناقصه:** یک مرحله ای با ارزیابی ساده
۱۰-**شرایط شرکت در مناقصه:**
الف) ارائه گواهی نامه ساخت یا تولید از وزارت صنعت، معدن و تجارت و یا سازمانهای صنفی مربوطه یا ارائه مجوز بازرگانی از سازمانها و نهادهای مربوطه
ب) دارا بودن روزنامه رسمی و آخرین تغییرات شرکت
تذکر: قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت، ارائه گردد.

تاریخ آگهی نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ تاریخ آگهی نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷
روابط عمومی منطقه ۹ عملیات انتقال گاز
۲۹

گزارش

افشای جنایت خونین بندرعباس با رژ قرمز

مردی ۴۰ ساله در بندرعباس، پس از آگاهی از رابطه همسرش با یک تعمیرکار، در اقدامی جنون‌آمیز و مقابل چشمان فرزند ۷ ساله‌شان، همسر خود را به طرز فجیعی به قتل رساند.

او پس از این اقدام هولناک، روی در سرویس بهداشتی یادداشتی بر جا گذاشت که در آن نوشته بود: چون زنم با تعمیرکار رابطه نامشروع داشت، کشتمش و همه اینها تقصیر پدرزن و مادرزنمه! مأموران هنگام ورود به صحنه، با کودک بی‌پناهی روبه‌رو شدند که بالای سر پیکر بی‌جان مادرش گریه می‌کرد. به گزارش منابع محلی، این حادثه واکنش‌های گسترده‌ای در فضای مجازی به دنبال داشته و کاربران زیادی نسبت به نقش نادیده‌گرفته‌شده سلامت روان، بحران‌های خانوادگی و بی‌پناهی کودکان در این گونه فجایع هشدار داده‌اند.

ماجرا از زبان پلیس

سرهنگ موسی عرب، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی استان هرمزگان در خصوص وقوع حادثه‌ای تلخ در بندرعباس توضیحاتی ارائه داد.

سرهنگ عرب اظهار داشت: در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۴۰۴ و ساعت ۱۹:۰۰، به پلیس گزارشی درباره وقوع یک قتل در محله آزادشهر بندرعباس ارائه شد. تیم بررسی صحنه جرم و کارآگاهان آگاهی پلیس پس از حضور در محل، دریافتند که مردی ۴۲ ساله ابتدا همسر خود را به قتل رسانده و سپس با وارد کردن جراحاتی به خود، اقدام به پرتاب از طبقه دوم ساختمان کرده و جان باخته است.

بررسی اجساد در محل حادثه

سرهنگ عرب اشاره کرد که مأموران هنگام بررسی صحنه حادثه با جسد زنی ۳۰ ساله در حالی که آثار جراحات بر بدن او مشخص بود و بر روی تخت‌خواب افتاده بود، مواجه شدند. این زن،همسر مردی بود که خودکشی کرده بود و پلیس آگاهی به سرعت تحقیقات خود را در زمینه بررسی ابعاد مختلف حادثه و گفت‌وگو با اطرافیان، بستگان و همسایگان آغاز کرد.

اختلافات خانوادگی

بررسی‌های اولیه نشان‌دهنده وجود اختلافات خانوادگی میان این زوج بوده است. معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی هرمزگان تأکید کرد که علل و انگیزه اصلی این قتل همچنان در دست بررسی است و نتایج جدید به زودی اعلام خواهد شد.

شایعات در فضای مجازی و تکذیب آن‌ها

سرهنگ عرب با اشاره به برخی شایعات منتشر شده در فضای مجازی تصریح کرد: ادعاهایی مبنی بر حضور کودک خردسال خانواده در صحنه قتل و مشاهده این حادثه توسط وی کاملاً تکذیب می‌شود. وی توضیح داد که پیش از وقوع این درگیری تلخ، پدر خانواده کودک را به منزل مادربزرگ و پدربزرگ منتقل کرده و در زمان حضور مأموران پلیس، فرزند خانواده در محل حادثه حضور نداشته است. وی افزود که سایر گمانه‌زنی‌ها در خصوص انگیزه این قتل نیز فاقد مدارک کافی و غیرقابل تایید است.

معمای قتل مرد بنکدار بعد از ۲۰ سال هنوز فاش نشده است

راز کهنه شلیک خونین در رباط کریم

عکس زن جوان در صندوقچه خاطرات مقتول، سند متهم شدن او به قتل عمدی بود

زهرا بهزادی
خبرنگار

تیر ماه سال ۸۴ مرد جوانی با مراجعه به پلیس آگاهی مفقود شدن ناگهانی برادر خود به نام ناصر را گزارش کرد. در حالی که اقدامات پلیسی برای یافتن ردی از ناصر آغاز شده بود جسد او در کنار نهری در نزدیکی محل زندگی‌اش واقع در رباط کریم کشف شد. ناصر به ضرب شلیک گلوله از اسلحه کلت به قتل رسیده بود. به این ترتیب تحقیقات جنایی برای رازگشایی از جنایت آغاز شد.

رد زنی تلفن مقتول

در تحقیقات ابتدایی مشخص شد ناصر در یکی از محله‌های رباط کریم بنکداری داشته و به گفته دوستانش او با اینکه همسر و یک دختر خردسال داشت اما قصد ازدواج مجدد با زنی به نام ستاره را داشت. اهالی محل می‌گفتند ناصر با خانم‌های زیادی در ارتباط بود و از بین مشتریان خانم که به مغازه‌اش رفت و آمد می‌کردند با تعدادی رابطه دوستانه برقرار کرده بود.حتی درست شب قبل از حادثه به چند نفر از دوستانش گفته بود زنی که عاشقش هستم به نام ستاره، امشب از کانادا به ایران می‌آید و من مشتاق دیدارش هستم. همین اظهارات کافی بود که آخرین تماس‌های تلفنی مقتول تحت بررسی پلیس قرار بگیرد اما به رغم تصور ماموران، سرنخ به دست آمده آنها را به فردی غیر از ستاره متصل کرد.

اولین سرنخ

در بررسی تماس‌ها مشخص شد که ناصر اخیرا تماس‌های زیادی با مردی به نام احمد داشته است.

به این ترتیب احمد احضار شد و گفت: «مدتی قبل وقتی قبض تلفن خانه آمد خیلی تعجب کردم چون خیلی بیشتر از همیشه بود.از آنجایی که همسر برادرم به نام مهوش با من و مادرم زندگی می‌کند موضوع را از او جویا شدم. اما او گفت علت را نمی‌داند.»

احمد ادامه داد: «برادر من یعنی شوهر مهوش مدتی قبل برای کار به ژاپن رفت و از آن پس مهوش و پسرش در خانه ما با من و مادرم زندگی می‌کردند. حالا که من تنها مرد خانه بودم احساس وظیفه کردم که هر طور شده ماجرا را مشخص کنم برای همین به مخابرات رفتم و متوجه شدم تماس‌های زیادی از خانه ما با مرد بنکداری به نام ناصر گرفته شده است. حالا دیگر مهوش لب باز کرد و به من گفت که مدتی قبل ناصر عکس بی‌حجابم را به دست آورد و از طریق آن از من اخاذی می‌کند. ناصر تا حالا ۷۵۰ هزار تومان از زن برادرم پول گرفته و گفته بود اگر به او پول ندهد، عکسش را منتشر کرده و آبرویش را می‌برد.»

احمد در ادامه گفت:«من وقتی که این موضوع را فهمیدم چندین بار با ناصر تماس گرفتم و از او خواستم که دست از سر مهوش بردارد.»

بازداشت مهوش

در همین حال خانواده مقتول با ارائه ادله‌ای اظهار داشتند که زن جوانی به نام مهوش چک‌های ناصر را نقد می‌کرده.

به این ترتیب مهوش به عنوان یکی از مظنونین پرونده بازداشت شد اما با رد اتهام خود گفت:«زنی که ناصر منتظرش بوده ستاره نام داشته و قرار بوده از کانادا بیاید اما من تا به حال پایم را از کشور بیرون نگذاشته‌ام.از طرفی در شب وقوع حادثه من در یک جشن عروسی خارج از تهران بودم.»

متهم در ادامه گفت:«این ماجرا برای من دردسر زیادی درست کرد چون وقتی شوهرم از ماجرا با خبر شد با من تماس گرفت و گفت دیگر نباید در خانه مادرش زندگی کنم.من هم نمی‌توانستم خارج از کشور بروم و همین عامل جدایی ما شد.حالا پسرم هم به همراه عمویش به خارج از کشور رفته و با همسرم زندگی می‌کنند.»

در حالی که ادله کافی برای تفهیم اتهام به مهوش وجود نداشت؛ برای او قرار منع تعقیب صادر شد.

اما شوهر و برادرشوهر مهوش با توجه به اینکه انگیزه انتقام از ناصر را داشتند به عنوان مظنونین دیگر پرونده شناخته شدند.اما با توجه به اینکه بیش از ۱۵ سال از جنایت گذشته بود و امکان استرداد مظنونین از خارج کشور وجود نداشت و همچنین با توجه به دایره وسیع ارتباطات مقتول که امکان وجود مظنونین زیادی را فراهم می‌کرد؛ قضات رای پرداخت دیه از صندوق ستاد دیه را صادر کردند. رای صادر شده از سوی ولی دم مورد اعتراض قرار گرفت.

راز عکس در صندوقچه

چند سال از قتل ناصر می‌گذشت که خانواده‌اش در صندوقچه خاطرات او که در زیرزمین خانه پدری‌اش بود عکس مهوش را پیدا کردند که به عنوان مدرکی برای متهم شدن مهوش ارائه دادند.

به این ترتیب سال گذشته زن جوان بار دیگر به اتهام قتل بازداشت شد.

با طی روال قانونی، متهم هفته قبل در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد و گفت:«بعد از مهاجرت شوهرم فرزندم ترس از دست دادن من را داشت و به شدت به من وابسته شده بود. حاضر نبود از من جدا شود و من برای اینکه او را قانع کنم که به مهد کودک برود عکس خودم را به او دادم و گفتم هر وقت دلتنگ من شدی نگاهش کن.»

متهم ادامه داد:«یک روز مادرشوهرم به من گفت برنجی که از بنکداری ناصر خریدی مرغوب نیست و من بعد از اینکه دنبال پسرم رفتم، با او برای پس دادن برنج به مغازه ناصر رفتیم.نمی‌دانم ناصر چطور وقتی حواسم نبود عکس من را که در دست پسرم بود از او گرفت و بعد از آن از من اخاذی کرد اما همانطور که سال‌ها قبل هم گفتم من در قتل او نقشی ندارم و در زمان وقوع قتل در عروسی بودم.»

رسیدگی به این ادعای متهم در حالی است که قبلا داماد همان عروسی تحت تحقیقات گفته که مهوش در عروسی او حضور نداشته است.

در ادامه وکیل متهم گفت:«در صحنه جنایت خونی کشف شده که متعلق به مهوش نیست.از سویی شوهر سابق مهوش و برادرش انگیزه قتل داشتند و همچنین در دایره افرادی که با مقتول در ارتباط بودند نیز ممکن است دشمنان زیادی وجود داشته باشد.به همین جهت تقاضای تبرئه موکل را دارم.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل او برای صدور رای وارد شور شدند.قضات دادگاه بعد از مشورت مهوش را از مباشرت در قتل عمدی تبرئه کردند.

شرورهای جوان،خون‌به‌پاکردند

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری یک شرور قاتل خبر داد و گفت: این پسر شرور در یک درگیری خیابانی شرور جوان دیگری را با کلت کمری به قتل رسانده بود.

سردار علی ولیپور گودرزی در تشریح این خبر اظهار کرد: فروردین‌ماه سال ۱۴۰۴، کارکنان انتظامات بیمارستان شهدای هفتم تیر، مرگ مشکوک مرد جوانی را روی تخت بخش اورژانس به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، گزارش کردند. این مقام انتظامی عنوان داشت: با اعلام این خبر، تیمی زبده از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ راهی سردخانه بیمارستان شدند و جسد مرد جوانی را مشاهده کردند که بر اثر شلیک گلوله به قتل رسیده بود؛ بررسی‌های اولیه نیز نشان می‌داد مقتول یکی از اشرار جنوب تهران بوده و در جریان یک درگیری خیابانی قربانی جنایت شده است.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ متذکر شد: بدین ترتیب، تیم جنایی وارد صحنه جرم شدند و در جریان تحقیقات مشخص شد قاتل پس از مشاهده مقتول در خیابان، ابتدا با او وارد مشاجره لفظی شده است، این مشاجره به‌سرعت به درگیری فیزیکی کشید و در جریان آن، هر دو طرف از چاقو و کلت کمری استفاده کردند، در نهایت، در این نزاع، یکی از آنها کشته شده و عامل جنایت نیز به‌شدت زخمی شده است.

سردار گودرزی افزود: کارآگاهان پس از کشف این سرنخ مهم، اقدامات اطلاعاتی را کلید زدند و دریافتند قاتل پس از این درگیری برای درمان جراحات وارده به یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران رفته است که همین سرنخ کافی بود شرور جنایتکار در یک‌قدمی بازداشت قرار بگیرد.این مقام ارشد انتظامی گفت: کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ به‌دنبال اعلام دریافت این اطلاعات مهم، بی‌درنگ راهی بیمارستان موردنظر شدند و خیلی زود شرور جنایتکار را دستگیر کردند.

وی افزود: متهم در همان تحقیقات ابتدایی صراحتاً به ارتکاب جنایت اعتراف کرد و ماجرا را این‌طور توضیح داد، مقتول را از گذشته می‌شناختم و با یکدیگر کری‌خوانی داشتیم که از چندی قبل به‌خاطر یک زن اختلاف‌ها بیشتر شد، روز حادثه خیلی اتفاقی او را در خیابان دیدم که با یکدیگر مشاجره پیدا کردیم.در ادامه درگیری هولناکی میان ما رخ داد و مقتول من را با چاقو زخمی کرد که در یک لحظه با اسلحه‌ای که همراه خودم داشتم او را به قتل رساندم و سپس برای درمان زخم‌هایم به نزدیکترین بیمارستان مراجعه کردم اما بازداشت شدم. رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت:پس از این اعترافات، کارآگاهان جنایی مأموریت یافتند تا با اقدامات اطلاعاتی، تحقیقات خود را در رابطه با این پرونده ادامه دهند. سردار گودرزی افزود: جسد مقتول برای معاینات دقیق‌تر به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم جهت روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

۲	۶	۷	۹	۳	۴	۸	۱	۵
۵	۱	۹	۲	۷	۸	۳	۶	۴
۸	۳	۴	۶	۵	۱	۲	۹	۷
۴	۸	۶	۷	۱	۵	۹	۲	۳
۱	۷	۲	۳	۶	۹	۴	۵	۸
۹	۵	۳	۸	۴	۲	۱	۷	۶

۵	۱	۹	۲	۴	۳	۶	۸	۷
۴	۳	۶	۷	۸	۵	۲	۹	۱
۲	۷	۸	۹	۶	۱	۵	۳	۴
۹	۸	۲	۶	۵	۷	۴	۱	۳
۷	۵	۱	۴	۳	۸	۹	۶	۲
۶	۴	۳	۱	۲	۹	۷	۵	۸

۳	۴	۵	۱	۹	۶	۷	۸	۲
۷	۲	۱	۵	۸	۳	۶	۴	۹
۶	۹	۸	۴	۲	۷	۵	۳	۱

۵	۳	۹	۱	۶	۴	۳	۹	۲
۸	۱	۷	۳	۲	۵	۸	۷	۶
۴	۲	۶	۸	۹	۷	۵	۱	۴

۸	۷	۵	۳	۱	۶	۹	۲	۴
۳	۶	۴	۲	۱	۹	۸	۵	۷
۲	۵	۷	۶	۴	۱	۹	۳	۸
۹	۱	۸	۷	۵	۳	۶	۴	۲
۳	۶	۴	۹	۸	۲	۷	۵	۱

۱	۸	۵	۳	۹	۷	۴	۲	۶
۳	۹	۶	۱	۴	۲	۸	۷	۵
۷	۴	۲	۵	۶	۸	۱	۹	۳
۹	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۶	۸
۲	۳	۸	۶	۷	۱	۹	۵	۴
۴	۶	۷	۹	۸	۵	۲	۳	۱
۶	۷	۳	۸	۱	۹	۵	۴	۲
۵	۱	۹	۴	۲	۳	۶	۸	۷
۸	۲	۴	۷	۵	۶	۳	۱	۹

۴	۶	۲	۱	۹	۸	۵	۷	۳
۱	۹	۸	۴	۲	۷	۶	۳	۵
۶	۲	۵	۳	۹	۱	۷	۴	۸
۸	۶	۴	۹	۲	۷	۵	۳	۱
۳	۹	۲	۵	۱	۸	۶	۴	۷
۱	۵	۷	۶	۴	۳	۸	۲	۹
۷	۳	۵	۴	۸	۶	۱	۹	۲
۹	۴	۱	۲	۷	۵	۳	۶	۸
۶	۲	۸	۳	۹	۱	۴	۷	۵

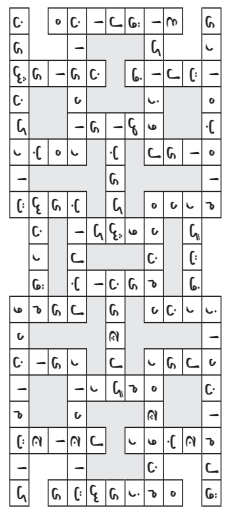

لغت‌یابی

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: املش، بارز، پارت، رسمی، سیار، کیلو، نیلی، وامی

۵ حرفی: اتابک، اندکس، تمدید، داماد، دشنام، ریختن، سادگی، شستشو، شفاعت

۶ حرفی: مامان، متجلی، مفتول، واکمن، واگیر، ارشاسب، پنهانی، هوادار، یونیسف

۷ حرفی: آهنگساز، افت و خیز

۸ حرفی: تلمبه زنی، صومعه سرا، کهورستان، یکتاپرست

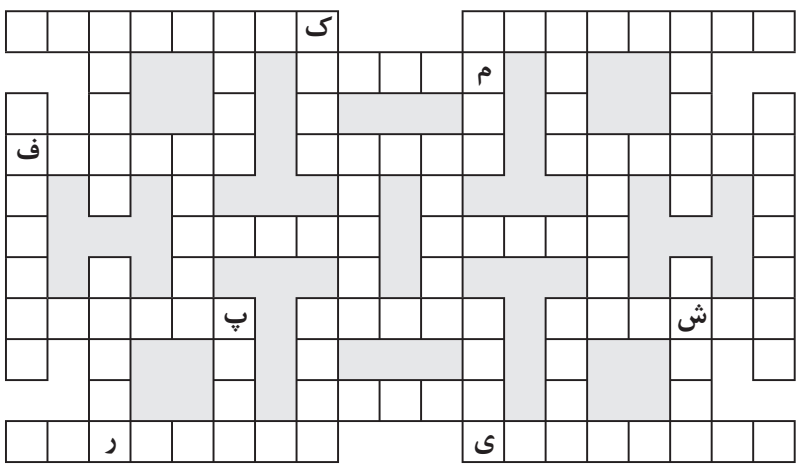

جدول شرح درمتن

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

۱	۵						۹	۴
۷		۲				۳		۱
	۶	۹				۷	۲	
			۹		۲			
				۱				
			۴		۷			
	۹	۸				۲	۱	
۵		۴				۹		۷
۲	۳						۵	۸
۲	۷						۴	۵
۳		۵				۶		۱
	۹	۶				۷	۸	
			۸		۴			
				۲				
			۱		۵			
	۱	۷				۹	۲	
۴		۹				۵		۶
۶	۸						۷	۴

۳	۶						۹	۱
۸		۲				۷		۴
	۹	۴				۸	۳	
			۱		۷			
				۴				
			۵		۲			
	۴	۶				۲	۷	
۵		۱				۶		۳
۷	۲						۱	۵
۱	۷						۴	۶
۲		۸				۷		۹
	۵	۴				۸	۳	
			۹		۵			
				۱				
			۲		۴			
	۹	۵				۴	۶	
۴		۶				۵		۳
۳	۸						۲	۷

جدول کلمات متقاطع

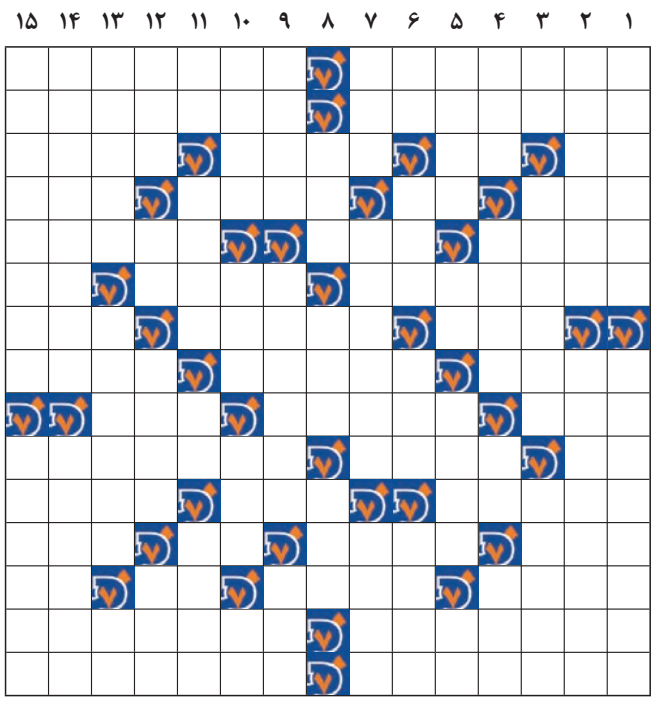

افقی

۱-مخترع رادیو-لاجوردی
۲- هر چیز آمیخته شده با طلا- علم تشریح
۳- نام ترکی- یار گندم- یار بیل- مرکز استان مرکزی
۴- خشک مزاج- محل ورود- جانشین- درخت تسبیح
۵- ستون خیمه- مبهوت و متحیر- فعال و کاری
۶- آسمان پرستاره- واحد اندازه گیری طول در کشور انگلستان- ساز ضربی
۷- پرنده سیاه رنگ- از مواد مخدر- راه فاضلاب
۸- نجیب- راضی و خوشحال- عروس آذری
۹- دفعه و مرتبه- فرکانس- لرزانک
۱۰- قلب- چراگاه- علف گربه را گویند
۱۱- گروه ها- پیر و سالخورده- از لبنیات که در صبحانه می خورند
۱۲- دیبای نازک و لطیف- مردان- نماد شیمیایی گوگرد- دیوار بلند
۱۳- گرز آهنی- امانتدار- خربزه هندی - شمای بیگانه
۱۴-از توابع جلفا در استان آذربایجان شرقی- معادل فارسی پروژکتور
۱۵-طبقه بندی - مسجدی در مشهد

عمودی

۱- فروش به قیمت بالا- جاویدان و همیشه
۲-غربال- نام سابق اندیمشک
۳-علامت مفعولی- رو به پایین- پاک شده
۴-گوشه- نوعی شنا- شما و من- سلطان میوه‌ها
۵-بسیار مهربان- روحانی زرتشتی- قوم وحشی- سنگریزه
۶-جدید و تازه-از عناصر فلزی- خسیس بودن- کوشش کننده
۷-وسیله احتیاطی اضافی- پدید آوردن چیز جدید- جمله دستوری
۸-نوعی قایق- قاعده و سنت- مردمی
۹-مثل و شبیه- نام دیگر رودخانه سند- عیب و عار
۱۰-جدید ترکی- ذهن و خاطر- مادر ترکی- ضمیر فرانسوی
۱۱-رمق آخر- از موسسات مالی- روغن مو- مائده
۱۲-پدر آذری- نوعی کشتی- زیباروی- گرم و سوزان
۱۳-اضطرار- علم شناخت خداوند و ادیان به ویژه ادیان آسمانی- کاکل اسب
۱۴-تورم- قاره سه تکه
۱۵-بلندگو- شهری در استان همدان

یک پاکسازی آلمانی به سبک بنز

تغییر و تحولات اساسی در تمام محصولات مرسدس

متین شیری | مرسدس بنز این روزها در مسیر حذف مدل‌هایی گام برمی‌دارد که احتمالاً بسیاری از علاقه‌مندان حتی نام‌شان را هم به خاطر نمی‌آورند. این دو مدل که عملاً نسخه‌های نشان‌دار رنو بودند، به‌زودی برای همیشه از خط تولید کنار خواهند رفت.

پایان کار برای T-Class و Citan؛ وداع با ون‌های بی‌سر و صدا

در میان محصولات مرسدس، T-Class و Citan هرگز نتوانستند جایگاهی مثل دیگر مدل‌های این برند پیدا کنند؛ ون‌هایی که در اصل بر پایه رنو Kangoo ساخته شدند و حالا با تصمیم رنو، تولیدشان در کارخانه مشترک در شمال فرانسه به پایان خواهد رسید. همان کارخانه‌ای که نیسان Townstar نیز در آن تولید می‌شود. نکته جالب اینجاست که با وجود توقف تولید نسخه‌های مرسدس، نیسان Townstar همچنان روی خط مونتاژ باقی خواهد ماند.

نسخه‌های برقی این دو مدل، یعنی EQT و eCitan، هم قرار است تا اواسط سال ۲۰۲۶ از صحنه کنار بروند. این تصمیم بخشی از برنامه مرسدس برای تمرکز بر ون‌های بزرگ‌تر و البته سودآورتر است؛ محصولاتی که براساس پلتفرم‌های جدید و انحصاری مرسدس ساخته خواهند شد و با اشتراک‌گذاری بیش از ۷۰ درصدی قطعات، هزینه‌های تولید را به شکل محسوسی کاهش می‌دهند.

خداحافظی تدریجی با کلاس‌های کوچک

مرسدس در سال‌های اخیر در حال خانه‌تکانی اساسی در سبد محصولات خود است؛ از کنار گذاشتن SLC و AMG GT Convertible گرفته تا حذف نسخه‌های کوپه و کانورتیبل کلاس C و E و جایگزینی آنها با CLE جدید. روند بازنشستگی در این برند اما به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ مدل‌های هاچ‌بک و سدان کلاس A و مینی‌ون کلاس B نیز قرار است به زودی صحنه را ترک کنند.

همکاری‌هایی که به بن‌بست رسیدند

این نخستین بار نیست که همکاری مرسدس با رنو یا دیگر برندها به سرنوشت تلخی ختم می‌شود. همکاری‌هایی که با Smart ForFour و رنو Twingo آغاز شد، در پروژه پیکاپ X-Class با نیسان نیز تکرار شد؛ مدلی که هرگز نتوانست در بازار جای پای محکمی پیدا کند و تنها پس از سه سال، تولیدش متوقف شد. با این حال، مرسدس با نگاهی به آینده، در حال برنامه‌ریزی برای تغییرات بیشتری است. شنیده‌ها حاکی از آن است که شاید به زودی مدل‌های GLC Coupe و GLE Coupe نیز از خط تولید کنار بروند یا در قالب یک مدل مشترک و جدید ادغام شوند.

آینده متفاوت؛ از G کوچک‌شده تا AMG برقی

با تمام این‌ها، مسیر مرسدس تنها حذف مدل‌ها نیست. این برند در حال توسعه نسل جدیدی از محصولات است؛ از جمله یک نسخه کوچک‌تر از G-Class که به‌شدت مورد توجه طرفداران این برند قرار گرفته و همچنین عرضه نسخه تمام‌برقی C-Class در آینده نزدیک.

از سوی دیگر، مرسدس قصد دارد با معرفی نسل جدید CLA و ارائه نسخه Shooting Brake، بار دیگر شانس خود را در بازاری امتحان کند که بسیاری از رقبا مدتی است آن را رها کرده‌اند.

در بخش پرچمداران و مدل‌های عملکردمحور نیز بخش AMG بیکار ننشسته است. این زیرشاخه در حال توسعه سدان برقی جانشین GT 4-Door Coupe و یک SUV تمام‌برقی جدید است. افزون بر این، اخیراً خبرهایی از ثبت نام تجاری برای یک مدل خاص در سری Mythos به گوش می‌رسد؛ خودرویی که احتمالاً در کنار رودستر بدون سقف AMG PureSpeed که بر پایه SL توسعه یافته، به سبد محصولات لوکس مرسدس اضافه خواهد شد.

استراتژی جدید مرسدس؛ تمرکز بر سود، کاهش تنوع

در دو سال گذشته، مرسدس روند مشخصی را در پیش گرفته؛ حذف مدل‌هایی با سودآوری پایین و تمرکز روی محصولاتی که با حاشیه سود بالاتر بتوانند جایگاه این برند را در بازار تثبیت کنند. تنها در سال گذشته، مرسدس تولید پنج مدل را متوقف کرد و حالا در نظر دارد سری‌های A-Class و B-Class را نیز تا پایان سال ۲۰۲۵ کنار بگذارد.

از ادغام تا نوسازی؛ صنعت خودرو در مسیر تحول

از دهه ۹۰ میلادی و با ورود برندهایی نظیر لکسوس به بازار آمریکا، صنعت خودرو وارد فاز جدیدی از رقابت و تحول شد؛ فازی که امروز با قدرت‌نمایی چین به نقطه‌ای حساس‌تر رسیده است. شرکت‌های بزرگ برای بقا و کاهش هزینه‌ها، به سمت ادغام و همکاری‌های استراتژیک حرکت کرده‌اند. برندهای کوچک‌تر برای نجات خود به غول‌ها ملحق شده‌اند و بازیگران متوسط، با ایجاد اتحادهای جدید به فکر بقا افتاده‌اند. مرسدس بنز نیز، به عنوان یکی از نمادهای خودروسازی اروپا، طی سال‌های اخیر بارها طعم فشار رقبا و تغییرات سلیقه بازار جهانی را چشیده است. علی‌رغم تلاش‌های مختلف، این برند طی یک دهه گذشته در بسیاری از بازارها نتوانسته سهم خود را حفظ کند و حتی در برخی کشورها عقب‌نشینی داشته است. در نهایت، استراتژی جدید مرسدس‌بنز حذف مدل‌های کم‌سود و تمرکز بر محصولات خاص‌تر و سودآورتر، نه‌تنها یک تصمیم مدیریتی، بلکه واکنشی اجتناب‌ناپذیر به تغییرات پیچیده بازار جهانی خودرو و به‌ویژه چین است که شاید روزی تنها یک رقیب آسیایی ساده بود اما امروز به یک هیولا تبدیل شده است که هر شرکتی باید موضع خود را در برابر آن مشخص کند.

چراغ چک

رشد خیره‌کننده بازار خودروهای الکتریکی در آمریکا

جنرال موتورز در صدر، تسلا با افت فروش

بازار خودروهای الکتریکی در آمریکا در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۵ شاهد رشدی شگفت‌انگیز بوده است. از ژانویه تا مارس، حدود ۲۹۶.۲۲۷ دستگاه خودروی برقی در سراسر ایالات متحده به فروش رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشدی ۱۱.۴ درصدی را تجربه کرده است. این جهش قابل توجه نشان‌دهنده تغییرات بزرگ در صنعت خودرو و تحولات جدید در میان برندهای پیشرو است.

جنرال موتورز در این دوران، با عملکردی فوق‌العاده، به یکی از برندگان اصلی بازار تبدیل شده است. این کمپانی موفق شده بیش از ۳۰.۰۰۰ دستگاه خودروی برقی در سه ماهه اول سال جاری بفروشد، رقمی که دو برابر فروش مدت مشابه سال گذشته است. شورولت، برند کلیدی این گروه، با فروش ۱۹.۱۸۶ دستگاه، رشد خیره‌کننده ۱۱۴.۲ درصدی را ثبت کرده است. مدل‌های اکوئیناکس و بلیزر برقی، هر دو با رشدی فوق‌العاده، پرفروش‌ترین مدل‌ها در بین برندهای جنرال موتورز بوده‌اند. بلیزر برقی به تنهایی با رشد ۹۳۱ درصدی ۶.۱۸۷ مشتری را جذب کرده است!

اما در حالی که جنرال موتورز در اوج است، تسلا که زمانی در صدر بازار بود، با کاهش فروش مواجه شده است. این غول خودروسازی در سه ماهه نخست ۲۰۲۵ تنها ۱۲۸.۱۰۰ دستگاه خودرو به فروش رسانده که نسبت به سال گذشته، کاهش ۹ درصدی را نشان می‌دهد. با وجود این کاهش، تسلا همچنان با در اختیار داشتن ۴۳.۵ درصد از سهم بازار خودروهای برقی در آمریکا، نقش اصلی را در این میدان ایفا می‌کند. داستان تنها به تسلا محدود نمی‌شود. برندهای دیگر مانند مرسدس بنز، ریوین و کیا نیز شاهد افت فروش بوده‌اند. مرسدس بنز با کاهش ۵۸ درصدی در فروش، در صدر فهرست بازندگان قرار دارد، در حالی که ریوین و کیا به ترتیب افت ۳۷ و ۲۴ درصدی را تجربه کرده‌اند.

به گفته کارشناسان، بازار خودروهای الکتریکی در آمریکا در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. مشوق‌های مالی و مدل‌های جدید ممکن است تقاضا را تقویت کنند، اما تنش‌های تجاری و تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم می‌توانند به مانعی جدی برای ادامه رشد این بازار تبدیل شوند. این تغییرات، آینده‌ای پرنوسان را برای صنعت خودروهای برقی در آمریکا رقم خواهد زد.

تعمیرگاه

هر شش ماه برای روغن ترمز، یک ترمز بزنید

روغن ترمز یکی از مهم‌ترین اجزای سیستم ترمز خودرو است که نقش حیاتی در عملکرد صحیح آن دارد. این روغن به مرور زمان تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد که می‌تواند عملکرد ترمزها را کاهش دهد. یکی از مهم‌ترین عواملی که بر کیفیت روغن ترمز تاثیر می‌گذارد، جذب رطوبت توسط روغن است. رطوبت موجود در روغن ترمز باعث می‌شود که نقطه جوش روغن کاهش یابد و این امر می‌تواند منجر به از دست دادن قدرت ترمزگیری و عملکرد ضعیف سیستم ترمز شود.

در شرایطی که روغن ترمز رطوبت زیادی جذب کند، هنگام استفاده از ترمزها، گرمای تولید شده باعث تبخیر این رطوبت می‌شود و نتیجه این امر، ایجاد هوای فشرده در سیستم ترمز است. هوای فشرده باعث می‌شود که ترمزها به درستی عمل نکرده و فشار کافی برای توقف خودرو ایجاد نشود. این وضعیت می‌تواند به خطرات جدی برای ایمنی خودرو و سرنشینان آن منجر شود.

شیوه مصرف، این زمان را تغییر می‌دهد!

اگر دائما در ترافیک هستید یا به طور کلی بیش از حد نرمال از خودروی خود استفاده می‌کنید یا از مهم‌تر در مناطق مرطوب و شرجی زندگی می‌کنید، حتما این زمان را برای بازرسی روغن ترمز خودروی خود کاهش دهید، چراکه این بازه زمانی به صورت میانگین بیان شده و در چنین شرایطی قطعا شما باید زودتر از زمان اعلامی خودروی خود را بازدید کنید. برای حفظ عملکرد بهینه سیستم ترمز و تضمین ایمنی خودروی شما، پیشنهاد می‌شود که هر شش ماه یک بار روغن ترمز خودرو را بررسی کرده و در صورت نیاز، آن را تعویض کنید. تعویض به موقع روغن ترمز باعث افزایش عمر سیستم ترمز، بهبود عملکرد آن و در نهایت حفظ امنیت راننده و سرنشینان می‌شود. بنابراین، عدم توجه به این نکته می‌تواند مشکلات جدی ایجاد کرده و هزینه‌های سنگینی به دنبال داشته باشد.

کلاس خودرو

تعریف مفهوم پرتیراژترین سگمنت تاریخ خودروسازی؛ سدان!

سدان یکی از کلاس‌های اصلی بدنه در صنعت خودرو است که به خودروهایی با ساختار سه‌قسمتی یا همان Three-box design اطلاق می‌شود. این ساختار شامل سه بخش مجزا می‌شود: محفظه موتور در جلو، فضای کابین برای سرنشینان در وسط و صندوق بار جداگانه در عقب. این طراحی باعث تمایز سدان از سایر سگمنت‌ها مانند هاچ‌بک یا کراس‌اوور می‌شود و یکی از دلایل محبوبیت آن در بین خانواده‌ها و رانندگان روزمره است. ویژگی بارز سدان‌ها، چهاردرِ مستقل برای ورود و خروج سرنشینان است که راحتی و دسترسی آسان‌تری نسبت به خودروهای کوپه یا دو در فراهم می‌کند. همچنین، برخلاف هاچ‌بک‌ها که صندوق بار آنها به فضای کابین متصل است، سدان‌ها دارای صندوق عقب کاملاً مجزا هستند که از لحاظ ایزولاسیون صدا و بو و امنیت بار، مزایای قابل توجهی دارد.

سدان‌ها معمولاً ظرفیت نشستن برای چهار تا پنج نفر را دارند و در ابعادی بین متوسط تا بزرگ طراحی می‌شوند. تمرکز طراحی آنها بر راحتی سواری، پایداری در سرعت‌های معمولی و مصرف سوخت بهینه است. این خودروها نه به اندازه خودروهای اسپرت تند و تیز هستند و نه مانند شاسی‌بلندها بزرگ و سنگین. به همین دلیل، سدان‌ها انتخابی متعادل و کاربردی برای استفاده شهری، جاده‌ای و خانوادگی محسوب می‌شوند.

بزرگ‌ترین مزیت سدان‌ها

شاید در دنیای امروز کراس‌اوورها در صدر جدول تولید و استقبال مردم باشند اما واقعیت این است که قهرمان تعادل و هندلینگ در بین سگمنت‌های خودرویی متعلق به سدان‌هاست، چراکه طراحی این خودروها به گونه‌ای است که مرکز ثقل آن‌ها پایین‌تر و همچنین توزیع وزن آن‌ها متوازن‌تر است.

چهار چرخ

آئودی S3 مدل ۲۰۲۵؛ حلقه جدید ارباب حلقه‌ها

فرمول همیشگی با کمی تغییر

آئودی در مدل ۲۰۲۵، با حفظ فرمول موفق S3، چند تغییر مهم زیرپوستی اعمال کرده تا این سدان اسپرت جذاب‌تر و سرگرم‌کننده‌تر از همیشه شود. این تغییرات شامل بهبود سیستم ترمز و افزایش دقت فرمان است که باعث شده ترمزهای این مدل یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن شوند. پیش از این، آئودی هیچ‌کدام از این بخش‌ها را ضعیف طراحی نکرده بود اما در این نسخه به‌طور چشمگیری بهبود یافته‌اند. در بخش فنی، آئودی با استفاده از فناوری RS3 در بدنه S3، یک دیفرانسیل عقب جدید با نام Torque Splitter را معرفی کرده که به تقسیم هوشمند گشتاور کمک می‌کند. این سیستم پیش‌تر در مدل RS3 استفاده شده بود و حالا به S3 آمده است. این دیفرانسیل قابلیت انتقال ۵۰ درصد از قدرت موتور به محور عقب را دارد و با کلاچ‌های دوگانه‌ای که بسته به شرایط، گشتاور را بین چرخ‌های عقب تقسیم می‌کنند، باعث افزایش چسبندگی و بهبود دقت فرمان‌پذیری خودرو می‌شود. در حالت Dynamic Plus، این تکنولوژی رفتار خودرو در پیچ‌ها را جذاب‌تر کرده و از ایجاد بیش‌فرمانی در شرایط بحرانی جلوگیری می‌کند. پیشرانه S3 همچنان از موتور چهار سیلندر ۲ لیتری توربوشارژر EA888 بهره می‌برد که قدرت آن نسبت به گذشته از ۳۰۶ اسب‌بخار به ۳۲۸ اسب‌بخار افزایش یافته است. گشتاور این موتور نیز بدون تغییر، همچنان ۲۹۵ پوند-فوت باقی مانده است. نیروی تولیدی این موتور توسط گیربکس هفت سرعته دوکلاچه به چرخ‌ها منتقل می‌شود. این گیربکس در تعویض دنده‌ها سرعت و دقت بالایی دارد و در سرعت‌های بالا، شتاب‌گیری خطی و صدای جذاب پیشرانه تا نزدیکی ردلاین ۷۰۰۰ دور در دقیقه، حس اعتماد را به راننده می‌دهد.

سیستم تعلیق، همانند همیشه در اوج

سیستم تعلیق آئودی S3 با رینگ‌های ۱۹ اینچی و کمک‌فنرهای تطبیق‌پذیر، تجربه رانندگی دقیقی را در مسیرهای پرپیچ‌وخم فراهم می‌آورد. با وجود اینکه تفاوت‌های میان حالت‌های مختلف رانندگی در رفتار سیستم تعلیق چندان ملموس نیست، کیفیت جذب ضربات در همه حالت‌ها همچنان عالی است. این ویژگی‌ها به خوبی نشان‌دهنده مهندسی دقیق آئودی در ترکیب راحتی و پویایی در این مدل هستند.

عطر کیفیت کلاسیک، در تمام کابین

کابین S3 مثل همیشه با کیفیت متریال بالا و مونتاژ دقیق، حس لوکس بودن را القا می‌کند. همه اجزا در جای درست قرار گرفته‌اند؛ از دکمه‌های خوش‌ساخت تا سیستم اطلاعات سرگرمی که هرچند کمی قدیمی است اما همچنان روان و کاربردی عمل می‌کند. نمایشگر Virtual Cockpit در سطحی عالی قرار دارد و کنترل‌های فیزیکی سیستم تهویه نیز حفظ شده‌اند. صندلی‌های اسپرت با دوخت زیبا، راحتی و پایداری خوبی در پیچ‌ها فراهم می‌کنند، هرچند فضای صندلی عقب برای سرنشینان بزرگسال چندان جادار نیست.

جمع‌بندی؛ یک سدان اسپرت برای هر روز

آئودی S3 مدل ۲۰۲۵ با ترکیب مهندسی دقیق و شخصیت دوست‌داشتنی، تجربه‌ای لذت‌بخش در مسیرهای روزمره و رانندگی هیجان‌انگیز ارائه می‌دهد. شاید با خواندن مشخصاتی مشابه یا حتی اندکی بهتر این خودرو روی کاغذ از یک برند نه‌چندان محبوب باقیمت ارزان، از خود بپرسید چرا آئودی بخرم؟ اما تنها باید با این خودرو رانندگی کنید یا آن را بشناسید تا لذت واقعی حس راندن آئودی را درک کنید.

دنده عقب

جیپ واگونیر؛ جادوی ابهت در کالبد یک کلاسیک بی‌زمان

در دنیایی که خودروهای مدرن با تکنولوژی‌های عجیب و غریب و نمایشگرهای بی‌انتها برای جلب توجه رقابت می‌کنند، گاهی دل، هوای اصالت و ساده‌دلی می‌کند. درست همین‌جا، «جیپ واگونیر کلاسیک» وارد صحنه می‌شود؛ شاسی‌بلندی که بیش از آنکه یک وسیله حمل‌ونقل باشد، رویاتگر یک سبک زندگی است. جیپ واگونیر، نخستین بار در سال ۱۹۶۲ پا به جاده‌ها گذاشت؛ زمانی که واژه SUV هنوز در دیکشنری خودرویی جا نیفتاده بود. این خودرو با ترکیب جسورانه‌ای از استایل خشن آمریکایی و رفاه آن سال‌ها، مرز میان آفرود و آسفالت را کمرنگ‌تر کرد. زیر کاپوت این غول کلاسیک، بسته به سال تولید، پیشرانه‌های متنوعی چون موتور ۳۶۰ اینچ مکعبی V8 یا گزینه‌های قدرتمند ۴۰۱ اینچ مکعبی AMC جا خوش کرده بودند؛ قلب‌هایی که غرش‌شان هنوز هم برای عاشقان دنیای موتور، حکم موسیقی دارد. توانایی‌های آفرودی جیپ واگونیر همان چیزی بود که این مدل را به یک نماد بی‌چون‌وچرا در مسیرهای ناهموار تبدیل کرد؛ استفاده از سیستم انتقال قدرت چهارچرخ متحرک (4WD) همراه با دیفرانسیل قفل‌شونده، در کنار فاصله مناسب از سطح زمین، باعث شده بود عبور از مسیرهای صعب‌العبور، تبدیل به بخشی از شخصیت این خودرو شود. در بخش کابین، واگونیر با ترکیب چوب طبیعی، چرم ضخیم آمریکایی و داشبوردی ساده اما کاربردی، تجربه‌ای فراتر از استانداردهای دهه ۶۰ ارائه می‌داد. صندلی‌های بزرگ، جادار و نرم، به خوبی با نیاز رانندگی طولانی هماهنگ بودند و در کنار سیستم تهویه و رادیوی کلاسیک AM/FM، فضایی دلنشین برای خانواده‌ها و سفرهای جاده‌ای رقم می‌زدند. در بخش انتقال قدرت، واگونیر در بسیاری از مدل‌ها از گیربکس ۳ سرعته خودکار بهره می‌برد که در زمان خود، رانندگی با یک شاسی‌بلند را به تجربه‌ای بی‌دردسر و روان تبدیل کرده بود. امروز، واگونیر در بازار کلکسیونی‌ها همچنان ستاره‌ای درخشان است. این خودرو نه فقط به‌خاطر سخت‌جانی و شخصیت آفرودش، بلکه به دلیل میراث فرهنگی‌اش در میان عاشقان خودرو جاودانه شده است؛ خودرویی که به خوبی ثابت کرد قدرت، راحتی و طراحی اصیل می‌توانند همزمان در یک قاب جا بگیرند. واگونیر، یادگاری از زمانی است که مهندسی خودرو با چکش و آچار نوشته می‌شد؛ نه با کد و الگوریتم.

آمپر

بیشترین افزایش داخلی

۱	تارا ۴v Ix	+۵۰	۱/۲۰۰میلیون‌تومان
۲	پژو پارس LX TU5 - ۱۴۰۳	+۵۵	۱/۰۵۰میلیون‌تومان
۳	پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU5P ۱۴۰۲	+۱۷	یک‌میلیاردتومان
۴	کوییک SR دنده‌ای ۱۴۰۲	+۱۵	۴۹۵میلیون‌تومان
۵	سمندسورن پلاس XU7P بنزینی ۱۴۰۲	+۵	۷۰۰میلیون‌تومان

بیشترین کاهش داخلی

۱	پژو ۲۰۶ تیپ ۳ پانوراما-۱۴۰۲	-۱۰	۷۵۰میلیون‌تومان
۲	شاهین G ۱۴۰۳	-۵	۹۵۰میلیون‌تومان
۳	سمندسورن پلاس EF7	-۶	۹۲۵میلیون‌تومان
۴	ساینا S دنده‌ای بنزینی ۱۴۰۴	-۵	۵۳۰میلیون‌تومان
۵	پژو ۲۰۷ دنده‌ای TU5	-۴	۸۴۰میلیون‌تومان

بیشترین افزایش خارجی

۱	کی ام سی ۲لیتر توربو	+۹۸	۲/۷۵۰میلیون‌تومان
۲	کی ام سی T8 - ۱۴۰۲	+۵۰	۱/۸۰۰میلیون‌تومان
۳	اموی‌ام X55 Pro IE ۱۴۰۲	+۱۱	۱/۶۲۰میلیون‌تومان
۴	اموی‌ام X55 - ۱۴۰۳	+۹	۱/۷۲۰میلیون‌تومان
۵	نیسان سانی - ۱۴۰۳	+۱۰	۱/۷۰۰میلیون‌تومان

بیشترین کاهش خارجی

۱	لاماری ایما هیبرید - ۱۴۰۳	-۸۷	۲/۶۶۰میلیون‌تومان
۲	دیگنیتی پرستیژ-۱۴۰۳	-۴۰	۲/۷۷۰میلیون‌تومان
۳	دیگنیتی پرایم - ۱۴۰۴	-۲۱	۲/۰۷۰میلیون‌تومان
۴	جک S3 اتوماتیک - ۱۴۰۳	-۲۰	۱/۳۰۰میلیون‌تومان
۵	جک J4 آپشنال - ۱۴۰۳	-۱۵	۱/۰۴۰میلیون‌تومان

گزارش «هفت صبح» از قلع و قمع درختان چیتگر پیش چشم شهروندان

سونامی درخت‌کُشی

قطع درختان بوستان جنگلی چیتگر از سه سال پیش تاکنون ادامه دارد

مهتاب جودکی
هفت صبح

پاک‌تراشی درختان چیتگر هنوز ادامه دارد. قرار بود طبق وعده شهردار منطقه ۲۲ تهران، همه درختان خشک و آفت‌زده را قبل از رسیدن سال نو از پارک خارج کنند تا درختان دیگر آلوده نشوند. مسئولان شهری حتی گفته بودند تا شب عید بالای ۲۰ هزار اصله درخت در چیتگر کاشته می‌شود اما آنچه اکنون به چشم ساکنان می‌آید، ادامه قطع درختان از سه سال پیش تا امروز است. بی‌توجهی به بحران بی‌آبی و رشد آفت‌ها چنان بوده که علاوه بر چیتگر، در سرخه‌حصار هم تکرار شده و به حذف درختان بیمار انجامیده است، آنطور که یکی از کارشناسان فضای سبز می‌گوید به‌زودی در لویزان هم گسترده خواهد شد.

در پارک چیتگر چه خبر است؟

پرپنچی، یکی از ساکنان این محله می‌گوید پیمانکاران قطع درخت، از روز یکشنبه مشغول تراشیدن جنگل‌اند. او که تصاویر این پاک‌تراشی را در اختیار «هفت صبح» گذاشته، می‌گوید: «قطع درختان در شمال غربی پارک چیتگر در جریان است. نمی‌دانیم به‌دست چه کسی اما به همسایه‌ها و ساکنان اطلاع‌رسانی کردم تا بعد از آن استشهادی جمع و به این وضع اعتراض کنیم. من از سال ۹۰ اینجا زندگی می‌کنم، خانه‌ام مقابل دریاچه و جنگل است. از سه سال پیش این درخت‌ها روز به روز سست و کمرنگ می‌شوند و بعد قطع‌شان می‌کنند. داخل جنگل هم برخی مسیرها را بسته‌اند و از چشم‌انداز خانه‌ها، قطعات منظمی دیده می‌شود که درختانش خشک شده. می‌گویند درختان بیمار بوده‌اند اما چطور درختان باغ راز هستی (باغ سمن‌ها)، در همسایگی این قطعات، هنوز سرسبز و زنده‌اند؟ اگر قطع کرده‌اید باید جایگزین کنید. مشکل این است که اصلاً آبیاری نمی‌کنند. پیرمرد باغبان اینجا می‌گوید فقط چهار نفر در پارک مشغول‌اند، دو نفر آبیاری می‌کنند و دو نفر زباله جمع می‌کنند. جنگل را رها کرده‌اند.»

اسفند ۱۴۰۳، وقتی تصاویر قلع‌وقمع درختان این جنگل دست به دست می‌شد «ایمان گودرزی»، معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ۲۲ در جمع خبرنگاران دلیل قطع درختان را «تنش‌های آبی سالیان گذشته» و «سرایت آفت سوسک پوست‌خوار به‌دلیل خشکیدگی درختان» عنوان کرد. طبق گفته او تا آن زمان ۷۷۰۰ درخت آفت‌زده در فاز شرقی و غربی چیتگر شناسایی شده و بنا بود به‌زودی از پارک خارج شوند. رئیس فضای سبز منطقه ۲۲ هم گفته بود: «۱۵ سال پیش فقط ۱۰۰ درخت بیمار بود که اگر قطع می‌شد، حالا مجبور نبودیم هزاران درخت را قطع کنیم.» اکنون بیش از یک ماه از موعد مقرر گذشته و قطع هزاران درخت هنوز ادامه دارد.

هم‌سرنوشتی چیتگر، سرخه‌حصار و لویزان

«هادی کاشانی»، مدیرعامل جمعیت داوطلبان سبز درباره وضعیت جنگل چیتگر و سرنوشت آن به «هفت صبح» می‌گوید: «نزدیک به یک دهه قبل، به‌دنبال تغییر شرایط اقلیمی و محدودیت منابع آبی، سه پارک جنگلی چیتگر، سرخه‌حصار و لویزان با گونه غالب کاج تهران، به‌تدریج به آفت سوسک پوست‌خوار مبتلا شدند. این بیماری بدواً به‌صورت نقطه‌ای بود اما کم‌کم طغیان کرد و طی سال‌های قبل، به‌ویژه در سرخه‌حصار و چیتگر، تبدیل به لکه و کلونی‌های گسترده این آفت شد. در نهایت هم تعداد قابل‌توجهی از درختان خشک شد و از بین رفت.»

مالکیت این سه بوستان جنگلی که جزو اراضی ملی است، در ید منابع طبیعی استان تهران است. شهرداری تهران در نقش بهره‌بردار، از این سه پارک نگهداری می‌کند اما پیگیری‌ها از این سازمان و مسئولان شهری بی‌نتیجه است.

این کارشناس فضای سبز شهری می‌گوید: «در سال ۱۴۰۰، شهرداری تهران با منابع طبیعی برای تعیین تکلیف درختان خشکیده مکاتبه کرده و پس از تشکیل کمیته کارشناسی تخصصی زیر نظر منابع طبیعی و چند نوبت بازدید کارشناسان دستورالعملی تهیه شد تا طبق آن درختان آلوده حذف و امحا و بقایای آن از پارک خارج شود، از تله‌های فرمونی (برای ردیابی و شکار آفات) استفاده شود، سموم خاصی به کار گرفته شود و تقویت و آبیاری مرتب باشد و غیره...»

به گفته او، منابع طبیعی برای حذف و امحای درختان، یک نوبت در زمستان ۱۴۰۰ آگهی مزایده گذاشت و قسمتی از درختان خشک چیتگر، سرخه‌حصار و تعداد محدودی در لویزان را قطع و جمع‌آوری کردند اما چون تعداد درختان خشکیده چیتگر و سرخه‌حصار زیاد بود، در نوبت اول مزایده نشد و بقایای درختان ماندند و همین کار باعث گستردگی بیشتر آفت و خشکیدگی شد.»

اینطور که کاشانی می‌گوید، بعد از دومین مزایده که سال گذشته انجام شد، پیمانکار بهره‌بردار از یک ماه و نیم قبل از عید، در همین دو پارک شروع به قطع و جمع‌آوری درختان کرد اما پس از سه چهار هفته، درباره حجم درخت خشکی که باید خارج کند، با منابع طبیعی به اختلاف خوردند و در مقاطعی از ادامه کارشان جلوگیری شد تااینکه بار دیگر با کارشناسی دوباره اجازه کار دادند.

نکته

مرگ تدریجی درختان چیتگر

خانه‌ام مقابل دریاچه و جنگل است. از سه سال پیش این درخت‌ها روز به روز سست و کمرنگ می‌شوند و بعد قطع‌شان می‌کنند. داخل جنگل هم برخی مسیرها را بسته‌اند و از چشم‌انداز خانه‌ها، قطعات منظمی دیده می‌شود که درختانش خشک شده. می‌گویند درختان بیمار بوده‌اند اما چطور درختان باغ راز هستی (باغ سمن‌ها)، در همسایگی این قطعات، هنوز سرسبز و زنده‌اند؟

مدیرعامل جمعیت داوطلبان سبز ادامه می‌دهد: «بهره‌بردار امسال، سلیقه بهره‌بردار سه سال قبل را ندارد و با شلختگی و بی‌نظمی این کار را انجام می‌دهد. درختی که قطع می‌کند را سریع خارج نمی‌کند، ادوات به اندازه کافی ندارد و کارش طول می‌کشد. جایی را قطع و درختان را رها می‌کند و می‌رود جای دیگر. این شکل کار در اذهان عمومی باعث شائبه شده و ابعاد رسانه‌ای پیدا کرده است.» باوجود ادامه روندی که کاشانی آن را شلختگی می‌خواند، پیداست که جای نظارت از سوی منابع طبیعی و شهرداری خالی است.

طبق برآورد مسئولان شهری، حذف ۷۷۰۰ درخت از چیتگر قطعی است و براساس طرح بهره‌وری اداره کل منابع طبیعی، ۲۰ هزار اصله درخت جایگزین درختان قدیمی خواهد شد. به گفته معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ۲۲، تا اسفند پارسال ۸ تا ۹ هزار درخت سه تا پنج‌ساله از نوع داغ‌داغان، زیتون تلخ و بلوط در چیتگر کاشته شده است.

اما این‌طور که هادی کاشانی می‌گوید، در چیتگر حدود ۱۵ هزار و در سرخه‌حصار حدود ۸ هزار درخت خشکیده موجود بوده و با اضافه کردن بیش از ۱۰۰ درخت خشکیده در لویزان، شمار درختانی که قرار است از عرصه‌های جنگلی تهران حذف شوند، در مجموع به بیش از ۲۳ هزار اصله می‌رسد. کاشانی تأکید می‌کند که باوجود پیگیری‌ها، درختان بیمار لویزان هنوز تعیین‌تکلیف نشده‌اند و «اگر به‌موقع چاره نشود، طغیان آفت مشابه آنچه در دو پارک دیگر رخ داده است، به‌زودی در لویزان تکرار می‌شود».

او با اشاره به اینکه در زمان احداث چیتگر، در اقدامی اشتباه، حدود ۸۰ درصد گونه غالب این پارک‌ها، کاج الدار یا کاج تهران، به‌صورت تک‌گونه‌ای کاشته شده است، ادامه می‌دهد: «امروزه در جنگل‌های دست‌کاشت شهری تکنولوژی کاشت تلفیقی توصیه می‌شود. یعنی نباید یک‌دست باشد. باید مخلوط و از گونه‌های مقاوم و کم‌آب‌بر باشد. اما می‌بینیم که در چیتگر با بدسلیقگی گونه زیتون تلخ یا گونه ملیا کاشته‌اند که نیاز آبی قابل‌توجهی دارد. یا در خوشبینانه‌ترین حالت، اقاقیا و زبان گنجشک. از طرف دیگر تصور کنید در لکه‌ای از پارک چیتگر هزار نهال واکاری شده باشد، در دنیا در چنین شرایطی دور نهال‌ها محصور می‌شود اما در ایران چنین نیست و تعداد قابل‌توجهی همان چند ماه اول از بین می‌رود. با این وضعیت مدیریتی نمی‌توانیم انتظار احیا داشته باشیم و دورنمایی که برای احیای این جنگل‌ها انتظار داریم، با این شکل کاشت گونه‌ها رخ نمی‌دهد.»

برای درختان هم آب نیست

نهال‌های جدید نیازمند آبیاری‌اند. اما نبود منابع آبی، بحران اصلی بوستان‌های جنگلی تهران است که در سال‌های گذشته چندین دوره تنش آبی را پشت سر گذاشته و به وضع امروز رسیده‌اند. بعد از اینکه قطع درختان چیتگر سروصدا کرد، مسئولان شهری از برنامه‌ریزی برای تأمین حقابه مورد نیاز این عرصه‌ها گفتند. در آخرین مورد نعمت‌الله نعمتی، رئیس فضای سبز منطقه ۲۲ از اقدامات پیش رو، چنین گفت: «برای جنگل چیتگر با حدود ۸۷۰ هکتاری مساحت، قرارداد لوله‌گذاری‌هایی در حدود ۳۰ کیلومتر منعقد شده است. ۵ مخزن ۲ هزار متر مکعبی در دو فاز داشتیم که فعال نبودند و با ۸۵۰۰ متر لوله به یکدیگر رینگ شدند تا انتقال آب در تمام پارسل‌های چیتگر انجام شود. ۸۰ درصد حفاری این لوله‌ها انجام شده است. آب این مخازن که توسط آب خام پر شده، از بالاترین نقطه به پایین‌ترین نقطه بدون استفاده از پمپ، بین دو فاز انتقال داده می‌شود. علاوه‌بر آن خط انتقال پساب هم داریم که ۵۰ تا ۷۰ لیتر بر ثانیه از تصفیه‌خانه شهید باقری منتقل و ۳۵۰۰ متر لوله‌کشی آن انجام و انتقال به مخازن پیگیری می‌شود.» نیاز آبی نهال تازه‌کاشت با درخت ۵۰ساله قطعاً متفاوت است و درختانی که قطع‌شده یا قرار است قطع شوند، نهال نورس نبوده‌اند. مدیرعامل جمعیت داوطلبان سبز می‌گوید: «درخت ۵۰ساله‌ای که قطع می‌شود، می‌توانست در تابستان با سه‌چهار نوبت آبیاری به سال بعد برسد. اما نهال تازه‌کاشت، حتی اگر مقاوم‌ترین گونه باشد، در چهار پنج سال اول، حداقل ۱۰ روزی یک بار آبیاری می‌خواهد.» آیا در نبود منابع آبی، آبیاری منظم نهال‌های نوکاشت ممکن است و بی‌نظمی سال‌های گذشته در آبیاری این درختان تکرار نخواهد شد؟ آیا منابع آبی بوستان‌های جنگلی، همان میزانی است که در زمان احداث‌شان بود؟ کاشانی در جواب می‌گوید: «وقتی در دوره پهلوی دوم، سه پارک تهران احداث شدند، برای چیتگر لوله آب خام از سد کرج و برای لویزان و سرخه‌حصار خط لوله اختصاصی آب خام از سد لتیان پیش‌بینی و طراحی شد. پارک جنگلی لویزان حدود ۴۰۰ لیتر بر ثانیه حقابه داشت اما با افزایش نیاز آب شرب شهر تهران از یک سو و خشکسالی و پدیده‌های کم‌آبی از سوی دیگر، اکنون این میزان حقابه به صفر رسیده است و به‌طور میانگین در اوج آبیاری در تابستان ۴۰ لیتر بر ثانیه پساب حاصل از تصفیه دریافت می‌کند. با این میزان ۸۷۰ هکتار پارک جنگلی لویزان را چطور باید آبیاری کنیم؟ بدیهی است که گونه‌های پهن‌برگ رو به زوال می‌روند، سوزنی‌برگ‌ها به‌اندازه کافی آب دریافت نمی‌کنند و در نتیجه کاشت دوباره در چیتگر یا پارک‌های دیگر باید به‌صورت تدریجی باشد که بتوان منبع آبی این نهال تازه‌کاشت را فراهم کرد و بعداز سه‌چهار سال، فاز بعدی را توسعه داد.» بر این اساس، به گفته او با وجود اصرار مدیریت شهری به کاشت سریع ۲۰ هزار اصله درخت، به یک‌باره امکان بازکاشت لکه‌های خسارت‌دیده وجود ندارد.

زیست بوم

آخرین فرصت برای نجات یوزپلنگ آسیایی

تنها و تنها ۱۷ یوز!

یوز ایرانی اکنون به شدت در خطر انقراض قرار دارد و این کاهش جمعیت در سال‌های اخیر حاصل هجوم هولناک دستگاه‌های متولی توسعه به زیستگاه‌های طبیعی، ضعف مدیریت در سازمان محیط زیست و کمبود بودجه و برنامه‌های موثر و کارآمد برای حفاظت از زیستگاه‌ها بوده است.

بسیاری از مناطق زیست یوز که در دهه هشتاد دارای جمعیت موثری از یوز بود، اکنون در استان یزد و کرمان و خراسان جنوبی و حتی خراسان شمالی خالی از یوز شده و یوزهای باقی‌مانده تنها محدود به چند زیستگاه شده‌اند.

مسئولیت بزرگ در وضعیت بحرانی

«حمید ظهرابی» معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه بعضی گونه‌های جانوری در آستانه انقراض هستند گفت: به‌عنوان نمونه، یوز آسیایی اکنون در وضعیتی بحرانی به سر می‌برد. ایران آخرین بازماندگان یوز آسیایی را در جهان دارد و مسئولیت بزرگی در حفظ آن بر عهده داریم.

وی افزود: ما باید به سمت ایمن‌سازی جاده‌ها برویم و مسیرهای عبور برای این گونه وحشی ایجاد کنیم چرا که این حیوان به‌طور طبیعی در حال جابه‌جایی است؛ بسته به شرایط تغذیه، اقلیم، فصل جفت‌گیری و... بنابراین باید جاده‌ها را ایمن کنیم. ما مطالعاتی با همکاری یکی از دانشگاه‌ها انجام داده‌ایم و اکنون دقیقاً می‌دانیم که در محور عباس‌آباد به میامی، همان مسیری که بیشترین تصادفات با یوز در آن رخ داده، تاکنون حدود ۱۳ یوز تلف شده‌اند. در کل طبیعت کشور، تنها ۱۷ یوز آسیایی را می‌شناسیم؛ ۱۰ توله و هفت یوز بالغ هستند.

ظهرابی در ادامه درباره خطرات جاده‌ای برای یوز آسیایی و اقدامات انجام‌شده با اشاره به اینکه در حال حاضر فقط ۱۷ یوز در طبیعت کشور شناسایی شده است، گفت: اگر این عدد تلفات را کنار موجودی فعلی بگذاریم، می‌بینیم که با یک اتفاق وحشتناک مواجه هستیم. ما با وزارت راه و سازمان برنامه و بودجه تعاملاتی داشته‌ایم و قرار شده وزارت راه ایمن‌سازی جاده‌ها را انجام دهد حتی برای جاده‌هایی که در آینده احداث خواهند شد، ما طرح‌ها و برنامه‌های خود را آماده کرده‌ایم و انتظار داریم وزارت راه در ایمن‌سازی جاده‌ها نقش بیشتری ایفا کند. پروژه‌ای که در حال اجراست، به‌صورت کلی در حال پیشرفت است.

وی افزود: ما ناچار شدیم با وجود محدود بودن منابع سازمان حفاظت محیط زیست، بخش عمده‌ای از بودجه حفاظت از یوزپلنگ را صرف فنس‌کشی و اقدامات حفاظتی در همان جاده کنیم البته اقدامات خوبی هم رخ داده؛ از جمله اعمال محدودیت سرعت، نصب دوربین و تابلو، حضور مردمی و روشن‌سازی نقاط پرخطر. این اقدامات طی سال‌های اخیر مؤثر بوده‌اند و در دو سال گذشته تقریباً تلفات نداشتیم.

۴۲۰ هزار هکتار تحت حفاظت

ظهرابی در ادامه با تاکید بر لزوم حفاظت از زیستگاه یوز آسیایی گفت: ما برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای انجام داده‌ایم تا با مشارکت مردم و بخش خصوصی، حفاظت را تقویت کنیم. سال‌ها از نقش این بخش‌ها غفلت شده بود. در حال حاضر، حدود ۴۲۰ هزار هکتار از زیستگاه‌های یوزپلنگ توسط انجمن قرق‌داران ایران، با استقرار نیرو و تجهیزات حفاظتی، تحت حفاظت قرار گرفته‌اند؛ دقیقاً در محدوده‌ای که یوزپلنگ‌ها بین توران، میاندشت و خوش ییلاق جابه‌جا می‌شوند.

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: در جنوب شرق منطقه نیز یک دامدار فعالیت می‌کند و در زمینه تکثیر طعمه‌های یوز و حفاظت از حیات‌وحش تلاش می‌کند. او موفق شده هم جمعیت را افزایش دهد و هم حضور یوز را در آن منطقه مشاهده کند.

اثرگذاری مشارکت‌های مردمی به نسبت روش‌های دولتی

ظهرابی در این‌باره تصریح کرد: تجربه شخصی من نشان می‌دهد که مشارکت مردمی بسیار مؤثر و سریع‌تر از بسیاری روش‌های دولتی عمل می‌کند. به همین دلیل ما در سازمان حفاظت محیط زیست بخش ویژه‌ای برای نظارت بر زاد و ولد یوزها اختصاص داده‌ایم.

معاون سازمان حفاظت محیط زیست در ادامه گفت: در کنار حفاظت در طبیعت، که همچنان اولویت اصلی ماست، ما یک مرکز تکثیر و پرورش یوزپلنگ هم راه‌اندازی کرده‌ایم. یوزهایی که امکان بازگشت به طبیعت را ندارند، در این مرکز نگهداری می‌شوند. در حال حاضر، یک متخصص دارای دکترای یوزپلنگ از آفریقا به‌صورت شبانه‌روزی در آن‌جا مستقر است و ما در حال استانداردسازی سایت و تجهیز آن به امکانات روز هستیم.

وی در ادامه توضیح داد: این مرکز، نمونه‌ای از مراکز تکثیر در اسارت است که تکثیر در یک محیط تحت کنترل انجام می‌شود. در کنار آن ما ذخیره‌گاه‌های نیمه‌طبیعی طراحی کرده‌ایم و یک برنامه پنج‌ساله برای آینده یوزپلنگ تدوین شده که نیازمند حمایت دولت و بخش خصوصی است؛ به‌ویژه معادنی که در زیستگاه‌های یوز مستقر بودند و متاسفانه بخشی از کاهش جمعیت یوز ناشی از همین فعالیت‌ها بوده است.

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، هشدار داد: در گذشته زیستگاه‌های یوز از استان‌های فارس و کرمان تا خراسان جنوبی، رضوی و شمالی امتداد داشتند اما اکنون فقط به سمنان و بخشی از خراسان شمالی به‌عنوان زیستگاه‌های فعال این گونه جانوری امید داریم.

ظهرابی در پایان تاکید کرد: این کاهش پراکنش یک زنگ خطر جدی است. ما شاید آخرین نسلی باشیم که فرصت داریم مانع انقراض این گونه شویم حتی این دولت، شاید آخرین دولتی باشد که می‌تواند در این زمینه اقدام موثر انجام دهد بنابراین انتظار داریم هم از نظر مالی و بودجه و بخش خصوصی نیز هم از نظر کنترل فعالیت‌های آسیب‌زا، از سازمان حفاظت محیط زیست حمایت شود.

آگهی اخطار

به‌استحضار می‌رساند در خصوص دادنامه شماره ۱۴۰۳۰۱۳۹۰۰۰۶۳۳۳۶۲۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ شعبه ۱۲ دادگاه خانواده مجتمع قضایی محمد شهر (ساختمان شهید بنی جمالی) یک برگ اخطار بنام آقای محمد رسول زنگنه فرزند علی رضا
خوانده جناب آقای محمد رسول زنگنه فرزند علی رضا به آدرس مجهول‌المکان
بموجب حکم شماره ۱۴۰۳۰۱۳۹۰۰۰۶۳۳۳۶۲۴ دادگاه خانواده شعبه ۱۲ محمد شهر همسر شما درخواست ثبت طلاق بائن خلع نموده است لذا به جنابعالی یک هفته از تاریخ رویت این اخطار مهلت داده می شود جهت ثبت طلاق به محل طلاق شماره ۶ شهریار مراجعه نمایید.
سردفتر ازدواج شماره ۱۴ شهریار و طلاق ۶ شهریار
محمدباقر احدی
نشانی شهریار امیریه ابتدای خیابان صاحب‌الزمان عج نبش بعثت تلفن: ۶۵۶۴۴۸۶۳
م الف ۱۲۱۸۱
۴۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیات موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی.
برابرای شماره۱۴۰۳/۱۳۷۳۵و۱۴۰۳/۱۳۷۳۹و۱۴۰۳/۱۳۷۳۴ همگی مورخه ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اردشیرکرمی فرزند نوروز به شماره شناسنامه ۴۳۸صادره از اسدآباد و میرزاحسین کرمی فرزندنوروزبشماره شناسنامه ۶۲ صادره ازاسدآباد و جهانشیرکرمی فرزند نوروز به شماره شناسنامه ۴۳۷ صادره از اسدآباد هرکدام نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۵۹۵/۲۶مترمربع پلاک شماره ۱فرعی از۱اصلی واقع در بخش ۶همدان حوزه ثبت ملک اسدابادراضی روستای خسروآبادخریداری ازمالک رسمی صفرعلی کوچک فرزندمحمود مقدار ۴۲۰۰مترمربع و علی داد رضایی فرزند داراب مقدار ۴۵۰۰مترمربع و عزیزعلی جانمحمدمقادیر۳۰۰۰مترو ۸۰۰۰مترو۴۴۰۰مترو ۳۰۰۰مترمربع و درویشعلی سبزه دلشاد فرزند حسینعلی مقدار ۱۱۰۰مترمربع محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف : ۹۴
محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد
نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۰۱۳۹۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم اکبر جدی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۰۰/۰۰ متر مربع پلاک ۱۶۶ فرعی از ۴۹ اصلی واقع در شهریار خریداری از مالک رسمی آقای / خانم اکبر جدی – مالک مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳
م الف ۱۲۱۸۰ مهدی ناصری – رئیس ثبت اسناد و املاک
۳۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیات موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی.
برابرای شماره۱۴۰۳/۱۳۷۴۹و۱۴۰۳/۱۳۷۴۸ و۱۴۰۳/۱۳۷۴۷ همگی مورخه۱۴۰۳/۱۲/۱۶هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اردشیرکرمی فرزند نوروز به شماره شناسنامه ۴۳۸صادره از اسدآباد و میرزاحسین کرمی فرزندنوروزبشماره شناسنامه ۶۲ صادره ازاسدآباد و جهانشیرکرمی فرزند نوروز به شماره شناسنامه ۴۳۷ صادره از اسدآباد هرکدام نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۹۷/۱۹مترمربع پلاک شماره ۱فرعی از۱اصلی واقع در بخش ۶همدان حوزه ثبت ملک اسدابادراضی روستای خسروآباد خریداری ازمالک رسمی صفرعلی کوچک فرزندمحمود مقدار ۴۲۰۰مترمربع و علی داد رضایی فرزند داراب مقدار ۴۵۰۰مترمربع و عزیزعلی جانمحمدمقادیر۳۰۰۰مترو ۸۰۰۰مترو۴۴۰۰مترو ۳۰۰۰مترمربع و درویشعلی سبزه دلشاد فرزند حسینعلی مقدار ۱۱۰۰مترمربع محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف : ۹۶
محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد
نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۶۰۰۱۰۱۰۶۲۶ مورخ ۰۵ / ۰۸ / ۱۴۰۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم حسینعلی رزلاسری فرزند علی محمد بشماره شناسنامه ۳۲۴ به شماره ملی ۲۳۵۳۰۲۶۲۲۱ صادره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به آدرس روستای رزلاسر به مساحت ۱۲۵۴۶/۵۳ متر مربع در قسمتی از پلاک ۳۱۳ اصلی روستای رزلاسر واقع در کرمانشاه بخش یک حومه خریداری از مالک رسمی آقای / خانم علی محمد رزلاسری به متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .۲۸۳
سجاد موبدی – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

آگهی فقدان سند

یکدستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۲۷۲۴۶ فرعی از ۴۶ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۶۶۸۶ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱ در واقع در کردزار حوزه ثبت ملک شهریار استان تهران به مساحت ۷۹/۲۶ متر مربع واقع در سمت شمالی طبقه اول که (۲/۵۱) دو متر و پنجاه و یک دسیمتر مربع آن بالکن است برابر سند انتقال ۲۴۹۶۲ تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۵ اندیشه از مالکیت اقای مرتضی هاشمی اسکوئی بالمناصفه در مالکیت خانم آزاده حق شناس محمد فرزند حسین شماره شناسنامه ۷۶۰۹ تاریخ تولد ۱۳۶۰/۰۶/۳۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۶۵۷۶۰۴۰۹ و شهریار توریانی فرزند محمد شماره شناسنامه ۱۵۴۷ تاریخ تولد ۱۳۴۸/۱۱/۱۵ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۲۸۴۳۸۲۳ قرار گرفته است و سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۲۸۸۱۹ سری ج سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۵۷۰۱۴۶۴۴ ۱۲۸۸۲۰ سری ج سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۵۷۰۱۴۶۴۵ ثبت و صادر گردیده ربوده است که نامبردگان به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۹ شهریار با شناسه یکتا ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۵۱۸۰۰۰۶۹۱ و ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۵۱۸۰۰۰۶۹۰ مدعی اند اسناد مالکیت فوق الذکر به علت اسباب کشی مفقود گردیده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار اگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
۱۲۱۸۳ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار – مهدی ناصری
۴۰

آگهی فقدان سند

خانم فریبا امجدی جانبهان بموجب وکالتنامه شماره ۱۲۵۷۳۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ دفترخانه ۲۷ کرج که بموجب نامه شماره ۱۴۰۳۸۵۶۵۳۴۴۳۰۰۲۳۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ به تائید دفترخانه رسیده است به وکالت از رامین امجدی جانبهان به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۷ شهریار با شناسه یکتا ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۵۱۷۰۰۱۵۳۶ و رمز تصدیق ۸۵۹۱۹۱ مدعی است سند مالکیت یک واحد تجاری قطعه هفتم تفکیکی مفروز و مجزی شده از شماره ۲۱۶۰ فرعی از ۴۸ اصلی به مساحت (۳۲/۲۲) سی و دو متر و سی و دو دسیمتر مربع واقع در سمت مرکزی طبقه همکف به انضمام بالکن تجاری منضم قطعه ۷ به مساحت ۱۴/۹۷ متر مربع واقع در حوزه ثبت ملک شهریار که به شماره چاپی ۶۴۰۴۹۸ سری ج سال ۹۸ ذیل دفتر الکترونیک شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۵۷۰۰۵۱۷۱ به نام رامین امجدی ج

تجارت جهانی کلیه؛ از کنیا تا اروپا

تجارت تن

شبکه بین‌المللی قاچاق اعضا با شرکت بیمارستان‌ها و پزشکان کنیایی و دلالان آلمانی و اسرائیلی، تجارت غیرقانونی کلیه را به صنعتی پرسود تبدیل کرده است

رامتین لطیفی
دبیر گروه بین‌الملل

تحقیقات مشترک رسانه‌های آلمانی «اشپیگل»، «زد دی اف» و «دویچه وله» پرده از شبکه‌ای پیچیده و غیرانسانی برمی‌دارد که با فریب جوانان فقیر کنیایی و بهره‌کشی از بیماران ناامید در اروپا، تجارت کلیه را در مقیاسی جهانی پیش می‌برد. این گزارش، سفری در هزارتوی تاریک این شبکه قاچاق است تا زوایای پنهان این تجارت غیرقانونی را روشن‌تر سازد.

فریب با وعده پول: داستان آمون و قربانیان فقر

آمون کیپروتو ملی، جوان ۲۲ ساله‌ای از روستایی در غرب کنیا، پس از بحران اقتصادی ناشی از همه‌گیری کرونا در تنگنای مالی بود. او که مدام از شغلی به شغل دیگر کوچ می‌کرد، هیچگاه درآمد ثابتی نداشت. روزی دوستی به او پیشنهاد داد که با فروش کلیه‌اش می‌تواند ۶ هزار دلار به دست آورد؛ مبلغی که برای آمون، رویایی برای شروع زندگی جدید بود. اما این پیشنهاد، او را به دام شبکه‌ای از بهره‌کشی و پشیمانی کشاند. آمون توسط یک دلال به بیمارستان مدیهیل در شهر الدورت، در غرب کنیا برده شد. در آنجا، پزشکان هندی اسنادی به زبان انگلیسی در مقابلش گذاشتند؛ زبانی که او نمی‌فهمید. به گفته آمون، هیچ توضیحی درباره خطرات جراحی به او داده نشد. دلال همراهش به افرادی در اطراف اشاره کرد و گفت: «ببین، همه اینها کلیه اهدا کرده‌اند و حالا به سر کارشان برگشته‌اند.» پس از عمل، آمون به جای ۶ هزار دلار وعده‌شده، ۴ هزار دلار دریافت کرد. او با این پول یک گوشی و یک ماشین دست‌دوم خرید که خیلی زود خراب شد. اما بدتر از همه، سلامتی‌اش رو به وخامت گذاشت. او دچار سرگیجه و ضعف شد و یک روز در خانه از حال رفت. مادرش، لیا متو، وقتی در بیمارستان فهمید پسرش کلیه‌اش را فروخته، شوکه شد. او با خشم می‌گوید: «آن‌ها با سوءاستفاده از فقر جوانانی مثل آمون پول درمی‌آورند.»

شبکه‌ای سازمان‌یافته: از کنیا تا بازار جهانی

تحقیقات نشان می‌دهد که داستان آمون تنها یکی از صدها مورد مشابه است. ویلیس اوکومو، پژوهشگر جرایم سازمان‌یافته در مؤسسه مطالعات امنیتی آفریقا در نایروبی، با چندین جوان در شهر اویوگیس، در ۱۸۰ کیلومتری جنوب غربی الدورت، صحبت کرده که همگی کلیه‌های‌شان را فروخته‌اند. او می‌گوید: «این اتفاق به طور قطع یک جرم سازمان‌یافته است.» اوکومو تخمین می‌زند که تنها در اویوگیس، تا ۱۰۰ جوان ممکن است قربانی این تجارت شده باشند. بسیاری از آن‌ها از عوارض جسمی، افسردگی و آسیب‌های روانی رنج می‌برند. او با تأسف می‌افزاید: «بعید است هیچ‌یک از این افراد به ۶۰ سالگی برسند.» دویچه وله با چهار جوان در اویوگیس گفت‌وگو کرد که گفته‌اند برای مبالغی بین ۲ تا ۴ هزار دلار کلیه‌های‌شان را در بیمارستان مدیهیل فروخته‌اند. آن‌ها فاش کردند که پس از جراحی، دلالان از آنها خواسته‌اند با معرفی اهداکنندگان جدید، برای هر نفر ۴۰۰ دلار هم حق کمیسیون دریافت کنند. این چرخه شوم، قربانیان را به استخدام‌کننده‌های جدید برای شبکه تبدیل می‌کند. یکی از کارمندان سابق بیمارستان مدیهیل فاش کرد که در سال‌های ابتدایی، گیرندگان به طور عمده از سومالی بودند و اهداکنندگان از کنیا. اما از سال ۲۰۲۲، گیرندگان از اسرائیل و از سال ۲۰۲۴ از آلمان به این چرخه اضافه شدند. اهداکنندگان نیز از کشورهای فقیر مانند آذربایجان، قزاقستان و پاکستان به کنیا آورده می‌شوند.

بازار پرسود و مشتریان متمول

از زمان تغییر بازار به سمت گیرندگان اسرائیلی و آلمانی، این تجارت به شکلی انفجاری رشد کرده است. منابع متعدد تأیید می‌کنند که هر گیرنده تا ۲۰۰ هزار دلار برای یک کلیه می‌پردازد. آژانسی به نام «مدلید» مسئول هماهنگی بین اهداکنندگان و گیرندگان معرفی شده است. وب‌سایت مدلید ادعا می‌کند که پیوندها را «طبق قوانین اهدای عضو» و با اهداکنندگان «۱۰۰ درصد داوطلب» انجام می‌دهد. در صفحه فیس‌بوک این آژانس، ویدئوهایی از گیرندگان، از جمله سابینه فیشر-کوگلر، زنی ۵۷ ساله از گونزنهاوزن آلمان، منتشر شده که از مدلید برای دریافت کلیه جدید تشکر می‌کند. سابینه که ۴۰ سال از بیماری کلیوی رنج می‌برد، پس از از کار افتادن کلیه پیوندی اولش، ناامیدانه به دنبال کلیه جدید بود. در آلمان، لیست انتظار برای دریافت کلیه از اهداکنندگان فوت‌شده می‌تواند ۸ تا ۱۰ سال طول بکشد و با کمبود اهداکننده، بیش از ۱۰ هزار نفر در انتظار کلیه هستند. بنابراین بسیاری به بازار سیاه روی می‌آورند. سابینه تنها برای مدت کوتاهی با اهداکننده‌اش، جوانی ۲۴ ساله از آذربایجان، ملاقات کرد. قرارداد ادعا می‌کرد که اهداکننده پولی دریافت نکرده اما سابینه اعتراف کرد که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار به مدلید پرداخته است.

گردانندگان شبکه: ردپای پول و قدرت

مرد پشت پرده مدلید، رابرت شپولانسکی، شهروند رژیم اسرائیل است که پیش‌تر در سال ۲۰۱۶ به اتهام انجام «تعداد زیادی پیوند غیرقانونی کلیه» در سریلانکا، ترکیه، فیلیپین و تایلند متهم شده بود. او با فردی به نام بوریس ولفمن همکاری می‌کرد که گفته می‌شود سرشاخه این شبکه جنایی بود. شپولانسکی هرگونه ارتباط با ولفمن را رد کرده و مدلید در پاسخ به رسانه‌ها ادعا کرده که شفاف و مطابق قانون عمل می‌کند. در سال ۲۰۲۳، وزارت بهداشت کنیا تحقیقی درباره بیمارستان مدیهیل انجام داد و دریافت که برخی پیوندها روی بیماران پرخطر مانند مبتلایان به سرطان یا افراد بسیار سالخورده انجام شده و همه پرداخت‌ها نقدی بوده است. این گزارش توصیه کرد که «اتهام قاچاق اعضای بدن باید توسط مقامات مربوطه بررسی شود»، اما این گزارش هرگز علنی نشد و هیچ اقدامی صورت نگرفت.

یک کارآگاه خصوصی در الدورت که تجارت غیرقانونی پیوند را رصد کرده، فاش کرد که دست‌کم دو بیمارستان دیگر نیز در این فعالیت‌ها دخیل‌اند. او هشدار داد که پیگیری این موارد می‌تواند جانش را به خطر بیندازد: «افراد بسیار پرنفوذ و قدرتمندی ممکن است درگیر این تجارت کثیف باشند.» وقتی از او درباره دخالت مقامات ارشد دولتی پرسیده شد، پاسخ داد: «بله.» گفتنی است، بنیانگذار و رئیس گروه مدیهیل، سواروپ میشرا، یک نماینده سابق پارلمان هند است که گفته می‌شود روابط نزدیکی با ویلیام روتو، رئیس‌جمهور کنیا، دارد.

چهره روز

کیت بلانشت می‌گوید در مورد تصمیمش برای کناره‌گیری از بازیگری «جدی» است و به زودی این تصمیم را محقق می‌کند. این خبری است که علاقه‌مندان به سینما را شوکه کرده است. بسیاری از منتقدان سینما بر این گزاره متفق‌القولند که او بهترین بازیگر زن حال حاضر سینمای جهان است. بلانشت در سال ۲۰۰۵ برای فیلم «هوانورد» (The Aviator)، ساخته مارتین اسکورسیزی، برنده اسکار بهترین بازیگر زن نقش مکمل شد و در سال ۲۰۱۴ برای فیلم «یاسمن آبی» (Blue Jasmine)، ساخته وودی آلن، اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد. او شش مرتبه دیگر نامزد دریافت این جایزه شده و در سال‌های اخیر در فیلم‌هایی چون «شایعات» (Rumours) به کارگردانی گای مدین، سریال «سلب مسئولیت» (Disclaimer) به کارگردانی آلفونسو کوارون، «سرزمین‌های مرزی» (Borderlands) به کارگردانی الی راث، و «کیف سیاه» (Black Bag) به کارگردانی استیون سودربرگ ظاهر شده است.

عکس روز

سودان زیر سایه جنگ و آوارگی

حملات شبه‌نظامیان در دارفور، صدها کشته و ۴۰۰ هزار آواره از اردوگاه زمزم برجای گذاشت

دو سال پیش، وقتی خارطوم در شعله‌های جنگ داخلی سوخت، کسی گمان نمی‌کرد سودان به بزرگ‌ترین بحران انسانی جهان بدل شود. پانزدهم آوریل ۲۰۲۳، روزی که ارتش سودان (SAF) و شبه‌نظامیان واکنش سریع (RSF) رودرروی هم ایستادند، آغاز فاجعه‌ای بود که هنوز پایانی ندارد. حالا، در آستانه سومین سال این نبرد خونین، دارفور، زخم‌خورده از نسل‌کشی‌های گذشته، دوباره زیر ضربات شبه‌نظامیان واکنش سریع می‌سوزد. اردوگاه زمزم، پناهگاه ۷۰۰ هزار آواره، به میدان جنگ بدل شده و ۴۰۰ هزار نفر را روانه جاده‌های ناامن کرده است. هفته گذشته، نیروهای واکنش سریع با حمله زمینی و هوایی به زمزم و ابوشوک در نزدیکی الفاشر، آخرین پایتخت ایالتی خارج از کنترل خود، فاجعه آفرید.

سازمان ملل مرگ دست‌کم ۱۴۸ نفر را بین پنجشنبه تا شنبه تأیید کرد اما منابع معتبر از کشته شدن بیش از ۴۰۰ نفر، از جمله ۹ امدادگر، خبر می‌دهند. شبه‌نظامیان واکنش سریع این حملات را «آزادسازی» خواندند و ارتش را به استفاده از غیرنظامیان به‌عنوان سپر انسانی متهم کردند. اما زمزم که ماه‌هاست در محاصره و قحطی بود، حالا خالی از سکنه است؛ خانواده‌هایی که از خشونت‌های پیشین گریخته بودند، دوباره آواره شده‌اند. این جنگ تاکنون بیش از ۱۳ میلیون نفر را بی‌سرپناه کرده؛ ۸.۶ میلیون نفر در داخل سودان و نزدیک به ۴ میلیون نفر در کشورهای همسایه. کودکان که نیازهای اولیه و اساسی و حیاتی‌شان در یک سال دو برابر شده، بیش از همه از این جنگ و خونریزی و آوارگی رنج می‌برند. قحطی، نبود دارو و خشونت‌های سیستماتیک، از تجاوز تا کشتارهای جمعی، آینده میلیون‌ها نفر را تاریک کرده است. ارتش سودان در مارس خارطوم را بازپس گرفت اما تلاش‌های صلح بارها ناکام مانده و هر دو طرف به جنایات جنگی متهم‌اند.

در این میان، داستان‌های انسانی پشت این آمارها دل را می‌لرزاند. مادری در زمزم که با سه فرزندش زیر آسمان بی‌رحم دارفور سرگردان است، یا امدادگری که جانش را برای رساندن یک بسته غذا به خطر انداخت، تنها گوشه‌ای از این تراژدی‌اند. سازمان ملل هشدار داده که بدون کمک فوری، قحطی می‌تواند جان میلیون‌ها نفر را بگیرد. سودان نه‌تنها با جنگ، بلکه با فراموشی جهانی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ جایی که فریادهایش در هیاهوی دنیا گم شده است. روز دوشنبه در لندن، نمایندگان ۲۰ کشور، از بریتانیا و آلمان تا اتحادیه آفریقا، برای نجات سودان گرد هم آمدند. آلمان ۱۲۵ میلیون یورو و بریتانیا ۱۲۰ میلیون پوند برای غذا و دارو وعده داده‌اند، اما این کمک‌ها در برابر نیاز ۳۰ میلیون سودانی قحطی‌زده ناچیز است. آنالنا بائربوک، وزیر خارجه آلمان، هشدار داد: «هیچ‌کس در سودان در امنیت نیست، نه کودکان، نه زنان و نه امدادگران.» کنفرانس لندن خواستار دسترسی آزاد بشردوستانه و پایان سیاسی بحران است اما در حالی که جهان تماشا می‌کند، سودان در سکوت فرو می‌رود. زمزم، نماد مقاومت آوارگان، به خاکستر بدل شده و الفاشر زیر محاصره می‌لرزد. آیا این نشست می‌تواند نوری در این تاریکی باشد، یا سودان همچنان در چرخه مرگ و آوارگی گرفتار خواهد ماند؟

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

خواب زیر سقف آهنی

قانونی بی‌سابقه در کالیفرنیا به دانشجویان بی‌سرپناه اجازه می‌دهد شب‌ها در خودروهای‌شان بخوابند

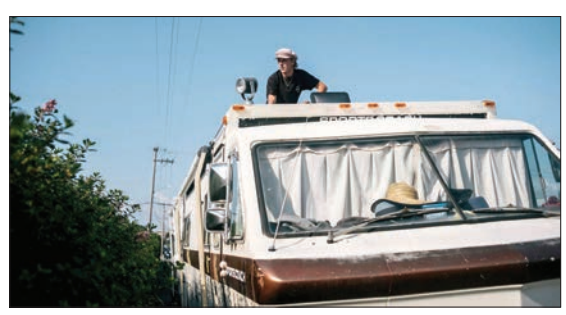

در کالیفرنیای پر زرق و برق، جایی که رویای هالیوود با واقعیت‌های تلخ درهم می‌آمیزد، داستانی از مبارزه و امید در جریان است. اینجا، در ایالتی که اجاره‌بها بیش از ۳۰ درصد بالاتر از میانگین آمریکاست، زندگی برای بسیاری از دانشجویان به تنگنایی نفسگیر بدل شده. یک‌چهارم دانشجویان کالج‌های محلی در سال گذشته طعم بی‌خانمانی را چشیده‌اند؛ برخی روی نیمکت‌های پارک، برخی در گوشه‌ای از خانه دوستان و عده‌ای در کنج خودروهای‌شان شب را به صبح رسانده‌اند. حالا، کوری جکسون، نماینده دموکرات جنوب کالیفرنیا با مدرک دکترا در مددکاری اجتماعی، پیشنهادی جسورانه روی میز گذاشته: اجازه دهید دانشجویان بی‌سرپناه، شب‌ها در پارکینگ‌های امن دانشگاه‌ها، زیر سقف آهنی خودروهای‌شان بخوابند. داستان از خیابان‌های پرهیاهوی جنوب کالیفرنیا آغاز می‌شود، جایی که جکسون، با نگاهی پر از دغدغه، از دانشجویانی می‌گوید که میان تکالیف دانشگاهی و جست‌وجوی سرپناه، گرفتار شده‌اند. او می‌خواهد کالج‌های محلی و دانشگاه‌های ایالتی کالیفرنیا برنامه‌ای برای پارکینگ شبانه راه‌اندازی کنند؛ فضایی با نظارت پلیس، مجهز به سرویس بهداشتی، دوش، وای‌فای و مهم‌تر از همه، حس امنیت اما این پیشنهاد، مانند فانوسی در طوفان، با موجی از مخالفت روبه‌رو شده است.

دانشگاه‌های ایالتی و کالج‌های محلی که خود زیر فشار کمبود بودجه کمر خم کرده‌اند، می‌گویند این طرح نه‌تنها راه‌حلی پایدار نیست، بلکه بار مالی و اداری سنگینی به دوششان می‌گذارد. آن‌ها استدلال می‌کنند که منابع باید صرف ساخت خوابگاه یا یارانه‌های بلندمدت شود، نه برنامه‌ای موقت که زخمی عمیق را با چسب زخم می‌پوشاند. جکسون اما کوتاه نمی‌آید. او در گفت‌وگویی، با لحنی که مصمم و کمی دلخور به نظر می‌رسید، گفت: «دانشگاه‌ها موضع اخلاقی درستی ندارند.» در این میان، داستان دیگری در لانگ‌بیچ، شهری بندری با آسمانی همیشه آفتابی، توجه‌ها را جلب کرده است. کالج محلی لانگ‌بیچ، با نزدیک به ۴۰ هزار دانشجو، سال ۲۰۲۱ با حقیقتی تکان‌دهنده روبه‌رو شد: بیش از ۷۰ دانشجو شب‌ها در خودروهایشان می‌خوابیدند. مایک مونیوز، رئیس کالج که خود روزگاری به‌عنوان پدری تنها، شب‌هایی را در ماشینش گذرانده بود، تصمیم گرفت کاری کند. او می‌گوید: «می‌دانم آن حس درماندگی چه طعمی دارد؛ وقتی نه سقفی داری و نه امیدی.» کالج با بودجه‌ای ۲۰۰ هزار دلاری، برنامه‌ای آزمایشی راه انداخت: پارکینگی امن در پردیس اصلی دانشگاه با دید مستقیم از مقر پلیس دانشگاه و البته مجهز به امکانات اولیه. در سال تحصیلی ۲۰۲۳-۲۴، ۳۴ دانشجو از این برنامه استفاده کردند؛ ۲۲ نفرشان تا پاییز ماندند، نیمی از آن‌ها واجد شرایط کمک‌هزینه بودند و جز چهار نفر، همگی بالای ۲۵ سال داشتند. مونیوز با لبخندی که از رضایت و تجربه می‌آمد، می‌گوید: «همه نگران امنیت بودند، فکر می‌کردند آسمان به زمین می‌آید. اما هیچ اتفاق بدی نیفتاد.» در ابتدا، نگهبانانی جداگانه برای نظارت گماشته شدند، اما حالا پلیس دانشگاه به‌تنهایی از پس کار برمی‌آید. او البته هشدار می‌دهد که تکرار این تجربه در همه دانشگاه‌ها ساده نیست و هر دانشگاهی شرایط خاص خودش را دارد. اما مسیر پیش روی این لایحه، پر از دست‌انداز است. ماه گذشته، طرح اولین کمیته آموزش عالی مجلس ایالتی را با رأی حزبی پشت سر گذاشت، اما تاریخ نشان می‌دهد چنین پیشنهادهایی اغلب به دفتر فرماندار جوان. جویای نام کالیفرنیا، گوین نیوسام نمی‌رسند. پارسال، طرح مشابهی از جکسون به دلیل هزینه تخمینی ده‌ها میلیون دلاری در کمیته تخصیص بودجه سنا متوقف شد. در سال ۲۰۱۹ هم پیشنهادی دیگر برای اجازه خوابیدن در پارکینگ‌ها، در میانه راه از نفس افتاد. حتی در میان دموکرات‌ها که اکثریت قاطع مجلس ایالتی را در دست دارند، تردیدهایی وجود دارد. دارشانا پاتل، نماینده دموکرات سن‌دیگو، در جلسه کمیته از نگرانی‌هایش گفت: «نظارت دائمی برای امنیت، حریم خصوصی دانشجویان را تهدید می‌کند. آیا آن‌ها باید برای این سرپناه هزینه‌ای هم بپردازند؟»

نونه گاریپیان، از اتحادیه کالج‌های محلی کالیفرنیا، به قانون‌گذاران هشدار داد که این طرح ممکن است منابع را از برنامه‌های موجود، مثل یارانه اجاره، کوپن هتل یا همکاری با خیریه‌ها، منحرف کند. اما ایوان هرناندز، رئیس سنا دانشجویی کالج‌های محلی که از نزدیک با دانشجویان بی‌سرپناه گفت‌وگو کرده، حرف دیگری دارد. او که از سفرهایش به گوشه‌وکنار ایالت، خاطراتی از دانشجویانی دارد که روی کاناپه‌های غریبه‌ها یا در خودروهای‌شان شب را سحر می‌کنند، می‌گوید: «ما مشکلی را خلق نکرده‌ایم؛ فقط می‌خواهیم به واقعیت تلخ و گزنده‌ای که همین حالا وجود دارد، پاسخی مناسب و درست دهیم.» اینجا، در کالیفرنیا، خودروها دیگر فقط وسیله‌ای برای رفت‌وآمد نیستند. برای برخی، آن‌ها دیوارهای یک خانه‌اند؛ سقفی آهنی که زیر آسمان پرستاره، پناهگاهی موقت می‌سازد. این لایحه شاید تنها مرهمی باشد بر زخمی که سال‌هاست عمیق‌تر می‌شود، اما برای دانشجویی که امشب در ماشینش به خواب می‌رود، همین هم می‌تواند تفاوتی بزرگ باشد. اینکه قانون‌گذاران و دانشگاه‌ها شهامت همراهی با این داستان را پیدا خواهند کرد یا این موضوع هم مانند بسیاری از رویاهای کالیفرنیا، در پیچ‌وخم سیاست گم خواهد شد را زمان قضاوت خواهد کرد.

کیوسک

نیویورک پست، تیتر و عکس اصلی خود را به درخواست تجارت‌ها و کسب و کارهای کوچک از ترامپ برای جلوگیری از نابودی سرمایه‌شان در چرخ دنده‌های جنگ تعرفه‌ها اختصاص داد.

وال استریت ژورنال، عکس و تیتر اصلی خود را به سفر ۱۰ دقیقه‌ای زنانه به فضا با سفینه ببو اوریجین که شامل کیتی پری و لورن سانچز می‌شد، اختصاص داد.

بلوزون

سفری در تاریکی: موج تازه سریال «آخرین بازمانده از ما»

شب افتتاحیه فصل دوم «آخرین بازمانده از ما» (The Last of Us) بود و ۵.۳ میلیون نفر در آمریکا پای صفحه‌ها نشستند تا دوباره به دنیای آخرالزمانی جوئل و الی قدم بگذارند. این رقم که رشدی ۱۳ درصدی نسبت به ۴.۷ میلیون بیننده شب اول فصل اول در ژانویه ۲۰۲۳ نشان می‌دهد؛ گواهی است بر محبوبیت روزافزون این سریال. پدرو پاسکال و بلا رمزی بار دیگر با بازی درخشان‌شان، قلب مخاطبان را تسخیر کرده‌اند. موسیقی گوستاوو سانتائولالا هم مثل همیشه، هر صحنه را به شعری بی‌کلام بدل می‌کند. آمارها خیره‌کننده‌اند. فصل اول به‌طور میانگین ۸.۲ میلیون بیننده برای هر قسمت داشت و پربیننده‌ترین سریال اچ‌بی‌او در اروپا و آمریکای لاتین شد. حالا، شروع طوفانی فصل دوم که از افتتاحیه «خانه اژدها» با ۴.۹ میلیون بیننده هم پیشی گرفته، نشان می‌دهد این سریال همچنان بی‌رقیب است. «آخرین بازمانده از ما» قصه‌ای است از عشق و بقا در تاریکی. این سریال نه‌فقط یک داستان، بلکه تجربه‌ای احساسی است که میلیون‌ها نفر را با خود همراه کرده. با این آغاز قدرتمند، فقط یک سوال می‌ماند: این سفر ما را به کجا خواهد برد؟ برای جواب، باید همراه میلیون‌ها بیننده، منتظر قسمت‌های بعدی ماند.

نکته بازی

پیشنهاد سخاوتمندانه عربستان به سیمونه اینزاگی
مربی طارمی گزینه جذاب الهلال

باشگاه الهلال عربستان، وعده‌ای سخاوتمندانه به سرمربی ایتالیایی، سیمونه اینزاگی داده تا او را برای پذیرفتن هدایت این تیم در آینده نزدیک متقاعد کند. الهلال وارد مذاکرات فشرده‌ای با اینزاگی، سرمربی کنونی تیم اینتر میلان شده تا از جام جهانی باشگاه‌ها ۲۰۲۵ که قرار است در ایالات متحده برگزار شود، هدایت تیم را برعهده بگیرد. این مذاکرات در شرایطی انجام می‌شود که احتمال جدایی خورخه ژسوس سرمربی پرتغالی کنونی الهلال وجود دارد؛ چراکه او پیشنهادی وسوسه‌انگیز برای هدایت تیم ملی برزیل دریافت کرده است.
منابع آگاه گزارش داده‌اند که جلسه‌ای در هفته گذشته میان نمایندگان الهلال و سیمونه اینزاگی برگزار شده است که در آن درباره جزئیات پیشنهاد ارائه‌شده گفت‌وگو شده؛ پیشنهادی که شامل وعده‌ای سخاوتمندانه مبنی بر جذب حداقل ۵ بازیکن خارجی جدید برای تقویت ترکیب تیم بود. هدف از این تقویت، پر کردن نقاط ضعف و ساختن تیمی است که بتواند در جام جهانی باشگاه‌ها با باشگاه‌های قدرتمند جهان رقابت کند. اینزاگی که در حال حاضر عملکرد موفقی با اینتر در سری A ایتالیا دارد، این پیشنهاد را با جدیت بررسی می‌کند و باشگاه الهلال منتظر پاسخ نهایی او در روزهای آینده است.

«سو» سریع‌ترین مرد آسیایی
شاید این آخرین ۱۰۰ متر زندگی‌ام باشد

دونده چینی، سو بینگ‌تیان، نخستین آسیایی که توانست رکورد ۱۰۰ متر را زیر ۱۰ ثانیه ثبت کند، اعلام کرد احتمالاً آخرین مسابقه ۱۰۰ متر دوران حرفه‌ای خود را پشت سر گذاشته است؛ این در حالی است که او در یک رقابت محلی عملکرد ضعیفی داشت. سو، که پسر یک خانواده کشاورز از استان گوانگ‌دونگ است، رکورد آسیایی ۹.۸۳ ثانیه را در بازی‌های المپیک توکیو ۲۰۲۰ به ثبت رساند و تبدیل به دومین آسیایی شد که به فینال ۱۰۰ متر المپیک راه می‌یابد؛ پس از ژاپنی «تاکایوشی یوشیوکا» در المپیک ۱۹۳۲ لس‌آنجلس. سو در ابتدا قصد داشت پس از بازی‌های ملی چین در نوامبر (آبان) از دنیای دوومیدانی خداحافظی کند اما اکنون می‌گوید خود را در سطح رقابتی نمی‌بیند؛ چراکه هفته گذشته در مرحله مقدماتی رقابت جایزه بزرگ در استان گوانگ‌دونگ، تنها زمان ۱۰.۴۹ ثانیه را ثبت کرده است. سو همچنین نقشی کلیدی در موفقیت تیم چین در رده‌بندی چهارم مسابقه ۴ در ۱۰۰ متر المپیک توکیو ایفا کرد؛ جایی که تیم چین پس از رد صلاحیت بریتانیا به دلیل استفاده از مواد ممنوعه و سلب مدال نقره، به مدال برنز رسید. او گفت هنوز امیدوار است بتواند در بازی‌های ملی چین به تیم استان گوانگ‌دونگ برای کسب عنوان در رقابت تتابع کمک کند.

کمیته انضباطی و حساس‌ترین هفته‌های لیگ
همه در انتظار رای شجاع

گروه ورزش | آرای کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در آستانه آغاز هفته بیست و هفتم لیگ‌برتر تبدیل به بحث اول رسانه‌ها شده است. در این بین تیم‌هایی که جریمه شده‌اند نه فقط به آرای خودشان که به آرای مربوط به تیم‌های رقیب اعتراض دارند. مهم‌ترین بخش این آرا مربوط به بازی چادرملو و تراکتور و به‌خصوص رفتار شجاع خلیل‌زاده کاپیتان با تجربه و ملی‌پوش این تیم است.

چند میلیارد تومان جریمه نقدی

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال هفته پرکاری را پشت سر گذاشت و تعداد زیادی از تیم‌ها را جریمه کرد. مجموع جرایم تیم‌ها تنها در هفته بیست و ششم، ۲۴ میلیارد و ۶۰۰میلیون ریال معادل دو میلیارد و ۴۶۰ میلیون تومان بوده است. بعداز جرایم نقدی ریالی، پرتکرارترین احکام این هفته کمیته انضباطی مربوط به محرومیت‌های تعلیقی است.

درباره یک اتفاق

جنجالی‌ترین بازی هفته در یزد رقم خورد. تراکتور که انتظار نداشت در این بازی حساس برابر تیم تازه لیگ‌برتری شده متوقف شود، روز سختی را سپری کرد. البته که فضای سکوها به‌شدت علیه ستاره‌های این تیم به‌خصوص علیرضا بیرانوند بود و از نظر روحی و روانی روی این تیم تاثیر گذاشت.
اما حرف‌های رئیس کمیته انضباطی در برنامه فوتبال برتر درباره حواشی و اتفاقات این بازی خیلی زود به بحث اول رسانه‌ای شد.
ابوالفضل حسن‌زاده که دوشنبه شب روی خط این برنامه آمده بود، درباره اتفاقات و حواشی این بازی گفت: «متاسفانه شاهد اتفاقات جالبی نبودیم. همان‌طور که در گزارش ناظر مسابقه آمده، روز سیاه فوتبال ایران بود. ما در اینجا برای اولین‌بار از ضمانت‌های مقررات انضباطی استفاده کردیم و تیم چادرملو علاوه بر محرومیتی که فصل بعد در یزد خواهد داشت که غیرقطعی است، به کسر یک امتیاز محروم شد.» رای چادرملو کسر یک امتیاز و یک میلیارد تومان جریمه نقدی است. این تیم یک رای تعلیقی هم داشت که اگر تکرار شود آن نیز اعمال می‌شود.
اما شاید جالب‌ترین بخش این رای به شجاع خلیل‌زاده مربوط می‌شود. او حرکتی غیرورزشی را خطاب به هواداران انجام داد اما دفاعیه باشگاه تراکتور که به کمیته انضباطی ارائه شده، حاکی است که خلیل‌زاده دچار مصدومیت بوده. رئیس کمیته انضباطی در این ارتباط گفت: «برای آقای خلیل‌زاده گزارشی از سوی ناظر رد شده بود که نسبت به یکی از مقامات مسابقه حرفی زده بودند. در این بخش جریمه نقدی غیرقطعی است و یک جلسه تعلیقی هم داشت که اجرا می‌شود. تراکتور در بخش دیگر مربوط به حرکت غیرورزشی دفاعیه‌ای داشت که باید با حضور شجاع خلیل‌زاده و نماینده ایفمارک بررسی‌های لازم انجام شود. اگر صحت و سقم این موضوع تایید نشود دفاعیه تراکتور نیز با جریمه مواجه خواهد شد.» درباره شجاع خلیل‌زاده درگیری او با سعید اخباری نیز بعد از بازی وجود داشت که هنوز شکایتی در این رابطه به کمیته انضباطی نشده است.

یک دفاع غیرقابل قبول

در حالی که باشگاه تراکتور در دفاعیه‌اش اعلام کرده که شجاع خلیل‌زاده حرکت غیرورزشی رو به تماشاگران انجام نداده است اما رسانه‌های مختلف با انتشار ویدئوهایی از زوایای مختلف به اثبات این ادعا پرداختند که کاپیتان تراکتور دست به عملی غیرورزشی و غیراخلاقی زده است. موضوعی که باید دید آیا در صورت اثبات منجر به محرومیت مدافع ملی‌پوش و کاپیتان تراکتور خواهد شد یا نه؟! باتوجه به تجربه رای علیرضا بیرانوند دروازه‌بان ملی‌پوش تراکتور از هم اکنون موضعی بدبینانه نسبت به اعلام رای این بازیکن کلیدی تراکتور در هفته‌های حساس پایانی وجود دارد. حتی شایعاتی نیز به گوش می‌رسد که به‌واسطه امکانات مالی که محمدرضا زنوزی مالک متمول تراکتور مانند هواپیمای اختصاصی آتا برای تیم ملی که در اختیار فدراسیون گذاشته عملا کسی توان و قدرت محروم کردن بازیکنان و این تیم را ندارد. موضوعی که با توجه به ابهامات و ایرادات مربوط به رای علیرضا بیرانوند نیز رنگ و بوی جدی‌تری گرفته است. ضمن این‌که در این هفته‌های پایانی رقبا نیز فشار رسانه‌ای زیادی به متوجه فدراسیون خواهند کرد تا هرچه سریعتر رای مربوط به شجاع خلیل‌زاده را اعلام کند. رئیس کمیته انضباطی اعلام کرد ماجرای تحقیق درباره دفاعیه تراکتور و اعلام رای او نهایتا یک هفته طول خواهد کشید.

رابطه با رئیس‌جمهور

علاقه‌مندی رئیس جمهور مسعود پزشکیان به باشگاه تراکتور موضوعی است که در این ماه‌های اخیر دستمایه رسانه‌ها و پیج‌های هواداری قرار گرفته است. اینکه گفته می‌شود رئیس جمهور علاقه‌مند به قهرمانی تراکتور است، با توجه به صدرنشینی این تیم اکنون جای ماجرای علاقه وزیر ورزش به پرسپولیس را گرفته است. ابوالفضل حسن‌زاده رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در این رابطه در گفت‌و گو با خبرگزاری مهر گفته است: «بالاترین قسم به کلام خداوند مربوط است. والله چنین چیزی و حتی فشاری وجود نداشته و ندارد. فکر می‌کنم هر کلام دیگری جز این بگویم اشتباه است.»

چهره

دو هدف اصلی ستاره محبوب پرسپولیسی‌ها
قلی‌زاده: می‌خواهم قهرمان شوم و به جام جهانی بروم

ستاره ملی‌پوش و ۲۹ ساله ایرانی، در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین چهره‌های نقل و انتقالاتی بوده اما هربار انتقال او به تیمی در ایران منتفی شده است. علی قلی‌زاده که اکنون در تیم لخ پوزنان لهستان توپ می‌زند تا آستانه پیوستن به پرسپولیس هم رفت اما در نهایت تیم لهستانی اجازه نداد تا هواداران سرخ در انتظار فصل آینده بمانند. حتی همین امروز که هنوز تا باز شدن پنجره رسمی نقل و انتقالاتی زمان داریم اخباری به گوش می‌رسد که پرسپولیسی‌ها با او برای فصل بعد تمام کرده‌اند. اما آیا این‌بار چنین اتفاقی رخ خواهد داد؟

گران‌ترین بازیکن تاریخ لهستان

علی قلی‌زاده به‌تازگی در گفت‌وگویی با رسانه لهستانی «Przegląd Sportowy Onet» درباره دوران حرفه‌ای خود صحبت کرده است. وینگر تکنیکی و ملی‌پوش تیم لخ پوزنان در این گفت‌وگو فاش کرد که همیشه رویای بازی در لالیگا اسپانیا را در سر داشته است.
قلی‌زاده در سال ۲۰۲۳ به لیگ لهستان رفت و با باشگاه لخ پوزنان قرارداد امضا کرد. مسئولان این باشگاه برای جذب او مبلغ ۱.۸ میلیون یورو به باشگاه رویال شارلروا پرداخت کردند. این مبلغ باعث شد تا ستاره ایرانی به گران‌ترین خرید تاریخ باشگاه لهستانی تبدیل شود.

مصدومیت‌های یک فانتزی‌باز

قلی‌زاده هنگام پیوستن به لخ پوزنان، دچار مصدومیت از ناحیه زانو بود و همین مسئله باعث شد تا باشگاه لهستانی بتواند فرصت جذب او را از شارلروا به دست آورد. او مدتی زمان نیاز داشت تا به آمادگی کامل برسد، اما سرانجام موفق شد. قلی‌زاده فقط در این فصل توانست به سطح مورد انتظار نزدیک شود.
در طول این فصل، او در ۲۷ بازی لیگ حضور داشته، ۵ گل به ثمر رسانده و ۴ پاس گل داده است. طبق آمار در لیگ لهستان تنها ۳ پاس گل ثبت کرده است که برای بازیکنی در سطح او و به‌عنوان گران‌ترین خرید تاریخ لیگ لهستان آمار قابل توجهی نیست.
این بازیکن ۲۹ ساله هر از گاهی از سوی رسانه‌ها با بازگشت به ایران مرتبط می‌شود. سال گذشته، خودش نیز با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی تایید کرد که باشگاه پرسپولیس به جذب او علاقه‌مند بوده است و از این باشگاه تشکر کرد.
قلی‌زاده در گفت‌وگو با سایت لهستانی درباره اهدافش گفته است: «من همیشه رویای بازی در لالیگا را داشتم و هنوز هم به آن فکر می‌کنم. وقتی جوان‌تر بودم و در بلژیک بازی می‌کردم، آمار فوق‌العاده‌ای داشتم و انتظار داشتم به لالیگا بروم، ولی این اتفاق نیفتاد. اما چه کسی می‌داند، من فقط ۲۹ سال دارم و هنوز رویاهایی در سر دارم.» او اضافه کرد: «اولین هدفم، قهرمانی در لهستان با لخ پوزنان است. همه می‌گویند که کار تمام شده و راکوف قهرمان می‌شود. اما من مطمئنم که هنوز چیزی از دست نرفته. ما هنوز ۶ بازی پیش رو داریم و فقط باید کار خودمان را انجام دهیم.» قلی‌زاده همچنین عنوان کرد یکی دیگر از آرزوهایش، صعود به مرحله حذفی جام جهانی ۲۰۲۶ همراه با تیم ملی ایران است؛ تیمی که موفق شده صعودش را به این رقابت‌ها قطعی کند.

سوژه

سرنوشت کارلتو در دست آرسنال
کلوپ، نامزد جانشینی کارلو آنچلوتی

یورگن کلوپ، سرمربی سابق لیورپول، اکنون به‌عنوان گزینه اصلی جانشینی کارلو آنچلوتی در رئال مادرید مطرح شده است به‌ویژه در شرایطی که تیم سفیدپوش پایتخت اسپانیا با افت محسوسی تحت هدایت آنچلوتی مواجه شده است. رئال مادرید امشب در دیداری سرنوشت‌ساز، بازی برگشت مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا را مقابل آرسنال برگزار خواهد کرد. کهکشانی‌ها به دنبال جبران شکست سنگین ۳برصفر در دیدار رفت در ورزشگاه امارات است. کارلو آنچلوتی تا تابستان ۲۰۲۶ با رئال مادرید قرارداد دارد، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که در صورت از دست دادن عنوان قهرمانی لالیگا و حذف از لیگ قهرمانان اروپا، احتمال برکناری او وجود دارد. براساس گزارشی که روز سه‌شنبه روزنامه اسپانیایی «اسپورت» منتشر کرده، آینده آنچلوتی تقریباً به‌طور کامل به نتیجه بازی برگشت مقابل آرسنال بستگی دارد. در این گزارش آمده: «پس از درس سختی که تیم در لندن گرفت، وضعیت پیچیده است. با این حال، رئال مادرید تلاش خواهد کرد و ابزار هجومی لازم برای زدن سه گل را در اختیار دارد.» در ادامه آمده: «چند ماه پیش، ژابی آلونسو، سرمربی بایرلورکوزن، تنها گزینه اصلی برای جانشینی مربی ایتالیایی بود. او به خاطر دوران بازی‌اش در رئال، سبک هجومی و توانایی‌اش در مدیریت رختکن مورد تحسین قرار داشت و آماده امضای قرارداد با باشگاه بود.»
اما با نوسانات اخیر تیم، تردیدهایی در باشگاه شکل گرفته و به‌نظر می‌رسد رئال مادرید در صورت پایان فاجعه‌بار فصل، نیازمند یک تصمیم بزرگ و پر سر و صدا چه در مورد سرمربی و چه در خصوص نقل و انتقالات باشد. در ادامه گزارش آمده است: «در روزهای اخیر، برخی واسطه‌ها گزینه یورگن کلوپ، سرمربی سابق لیورپول را به فلورنتینو پرز پیشنهاد داده‌اند. اطرافیان رئیس باشگاه می‌گویند کلوپ شاید تنها گزینه‌ای باشد که بتواند آشفتگی تاکتیکی این فصل تیم را برطرف کند.» روزنامه اسپورت در ادامه می‌افزاید: «کلوپ در سال‌های گذشته هم روی میز رئال مادرید قرار داشت اما فلورنتینو پرز آن زمان چراغ سبز نشان نداد. اکنون نیز شرایط آسان نیست؛ مربی آلمانی در آرامش نسبی در ساختار مدیریتی گروه ردبول قرار دارد و به‌طور رسمی از دنیای مربیگری فاصله گرفته. با این حال، بدون تردید پیشنهاد رئال مادرید می‌تواند وسوسه‌برانگیز باشد، مخصوصاً با چالش بزرگ هماهنگ کردن وینیسیوس و امباپه؛ چیزی که آنچلوتی تاکنون در آن موفق نبوده است.» در حال حاضر، یورگن کلوپ ریاست ساختار باشگاه‌های فوتبال در شرکت ردبول را برعهده دارد، پس از جدایی‌اش از لیورپول.

اخبار

انتقادات تند و عجیب از سرمربی پرسپولیس
اسماعیل کارتال پشت من را خالی کرد

اوغور دمیروک، بازیکن سابق تیم آدانا اسپور که اخیراً از فوتبال خداحافظی کرده، در گفت‌وگویی با کانال یوتیوب آتاکان کورت، اظهارات جنجالی‌ای درباره مربی سابقش اسماعیل کارتال مطرح کرد.
دمیروک که فوتبال حرفه‌ای خود را از آکادمی گالاتاسرای آغاز کرده و در تیم‌هایی چون گازی‌عنتپ‌اسپور، استانبول‌اسپور، گالاتاسرای، آق‌حصار بلدیه، ترابزون‌اسپور، عثمانلی‌اسپور، قونیه‌اسپور، قیصریه‌اسپور، ایوپ‌اسپور و نهایتا آدانااسپور بازی کرده، درباره دوران بازی‌اش و مربیان مختلفی که با آن‌ها کار کرده صحبت کرد.
این بازیکن درباره اسماعیل کارتال سرمربی حال حاضر پرسپولیس هم گفت: «اسماعیل کارتال تبدیل شد به کسی که نه سلام می‌داد، نه نگاه‌مون می‌کرد.» او همچنین درباره تجربه تلخش با اسماعیل کارتال در قونیه‌اسپور گفت: «از اسماعیل کارتال دلخور جدا شدم. او در ابتدای حضورش مارو جمع می‌کرد توی اتاقش، باهامون حرف می‌زد، سعی می‌کرد تیم‌رو بشناسه، توی تمرین‌ها همیشه مارو کنارش صدا می‌زد. ولی بعد از یک باخت، تبدیل شد به کسی که نه به ما نگاه می‌کرد، نه سلام می‌داد. این برخوردش منو خیلی ناراحت کرد.»
اوغور دمیروک در ادامه انتقاداتش به اسماعیل کارتال گفت: «وقتی اوضاع خوبه، همه پشت بازیکن می‌ایستن. اما مهم اینه که وقتی شرایط بد می‌شه، کسی پشتیبانت باشه. اسماعیل کارتال پشتم نایستاد.»

رویایی که به واقعیت پیوست
راننده زن عربستانی در فرمول 1

شرکت برگزارکننده جایزه بزرگ فرمول ۱ عربستان سعودی (اس تی سی)، اعلام کرد راننده سعودی، فرح الیوسف، به عنوان مهمان ویژه در دومین مرحله از سری مسابقات آکادمی فرمول ۱ در سال ۲۰۲۵ شرکت خواهد کرد. این رقابت‌ها که یکی از رویدادهای همراه جایزه بزرگ است، در سریع‌ترین پیست خیابانی جهان، پیست کورنیش جده، طی روزهای ۱۸ تا ۲۰ آوریل (۳۰ فروردین تا ۱ اردیبهشت) برگزار می‌شود.
فرح الیوسف با عزم راسخ برای پیشرفت و دستیابی به افتخارات بیشتر در دنیای ورزش‌های موتوری، وارد این رقابت‌ها می‌شود. مشارکت او در ادامه حضور درخشان ریما الجفالی، راننده دیگر سعودی، در آکادمی فرمول ۱ در سال گذشته در جده است. این قدمی مهم برای افزایش حضور زنان سعودی در عرصه جهانی موتوراسپرت محسوب می‌شود.
او درباره حضورش گفت: «شرکت در آکادمی فرمول ۱ در خاک کشورم و آن هم در پیست کورنیش جده، رویایی بود که به واقعیت پیوسته است. همیشه علاقه زیادی به ورزش‌های موتوری داشتم و ایستادن در کنار بهترین رانندگان زن جوان از سراسر جهان، لحظه‌ای فراموش‌نشدنی برای من است.» فرح ابراز امیدواری کرد که مشارکتش الهام‌بخش دختران سعودی باشد: «امیدوارم حضور من، دختران کشورم را تشویق کند تا به خودشان باور داشته باشند و رؤیاهای‌شان را دنبال کنند، هرچند مسیر همیشه هموار نبوده. ولی چنین لحظاتی اشتیاق من را به این ورزش تازه می‌کند. با تمام وجود آماده‌ام تا کشورم را با افتخار نمایندگی کنم.»
آکادمی فرمول ۱ که در سال ۲۰۲۳ تأسیس شد، پشتیبانی جامعی از رانندگان زن جوان بین ۱۶ تا ۲۵ سال ارائه می‌دهد. تقویم فصل ۲۰۲۵ این رقابت‌ها شامل ۷ مرحله است که همگی در کنار رقابت‌های اصلی فرمول ۱، زیر نظر فدراسیون جهانی اتومبیلرانی برگزار می‌شوند و سه قاره آسیا، اروپا و آمریکای شمالی را دربرمی‌گیرند. مرحله اول در شانگهای برگزار شده و مرحله دوم آن در جده خواهد بود. اما جذابیت این آخر هفته فراتر از پیست خواهد بود. تماشاگران البته برنامه‌های مفرحی هم خواهند داشت؛ از جمله اجرای جنیفر لوپز خواننده سرشناس که در این مسابقات اجرا خواهد کرد.

باارزش‌ترین بازیکنان فصل ان‌بی‌ای
جنگ یوکیچ و الکساندر برای ام‌وی‌پی

به نظر می‌رسد دو ستاره بسکتبال، نیکولا یوکیچ صرب از تیم دنور ناگتس و شای گیلجیوس الکساندر کانادایی از تیم اوکلاهما سیتی تاندر، اصلی‌ترین نامزدهای دریافت جایزه باارزش‌ترین بازیکن فصل عادی (MVP) لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا (NBA) باشند؛ لیگی که فصل عادی آن روز یکشنبه به پایان رسید.
جوایز فصل عادی بین اواخر آوریل و اوایل ماه مه، در جریان مرحله پلی‌آف که از شنبه آغاز می‌شود، اهدا خواهند شد. دیدارهای نهایی این مرحله پس از پایان مسابقات پلی-این مشخص خواهند شد. انتخاب MVP تصمیمی حساس برای صدها روزنامه‌نگاری است که باید از میان پنج بازیکن برتر رأی دهند و به هر یک از آن‌ها از رتبه اول تا پنجم امتیاز بدهند. هر دو بازیکن نام‌برده، در تیم‌های خود عملکرد درخشانی داشته‌اند. یوکیچ که پیش از این در سال‌های ۲۰۲۱، ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ برنده این جایزه شده و دنور را در سال ۲۰۲۳ به قهرمانی رسانده، هنوز هم ستاره بی‌چون و چرای تیمش است. او با قد بلند (۲.۱۱ متر) و وزن ۱۲۹ کیلوگرم، در گلزنی، پاس گل و ریباند مهارت زیادی دارد. او در ۳۴ بازی تریپل-دبل ثبت کرده و در دیداری در ماه مارس با ۳۱ امتیاز، ۲۱ ریباند و ۲۲ پاس گل نمایشی تاریخی ارائه داد؛ اتفاقی که برای اولین بار در تاریخ NBA رخ داده است. همچنین در اوایل آوریل ۶۱ امتیاز کسب کرد که رکورد شخصی‌اش محسوب می‌شود. از سوی دیگر، شای گیلجیوس الکساندر که سال گذشته پس از یوکیچ دوم شد، در این فصل صدرنشین گلزنان لیگ با میانگین ۳۲.۷ امتیاز در ۷۶ بازی شد و در هر بازی به طور میانگین ۵ ریباند و ۶.۴ پاس گل نیز ثبت کرد. این بازیکن ۲۶ ساله با توانایی بالای دریبل‌زنی و تسلط در حمله به سبد، به‌خصوص در پرتاب‌های متوسط، بسیار تأثیرگذار است. البته موفقیت او در پرتاب‌های سه‌امتیازی کمی پایین‌تر و حدود ۳۷.۵ درصد است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۴:۰۱ | طلوع آفتاب: ۰۵:۳۰ | اذان ظهر: ۱۲:۰۴ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۸ | اذان مغرب: ۱۸:۵۷

دعوا بر سر مکان آخرین نقاشی ونگوگ

در جدال حقوقی بر سر لوکیشن تابلوی ریشه‌های درخت، مالکان شخصی پیروز شدند

زینب کاظم‌خواه | لوکیشن واقعی «ریشه‌های درخت» که موضوع جنگهای قانونی پنج ساله میان صاحبان خانه و شهردار فرانسوی است که میخواهد آنجا را تبدیل به یک سایت عمومی کند.

در یک صبح اواخر ژوئیه سال ۱۸۹۰، ونسان ونگوگ از اقامتگاه خود در شهر کوچک اور سور اواز در حومه شهر فرانسه برای نقاشی به راه افتاد. او قبل از این‌که به موضوع خود برسد راه زیادی در روستا برای رسیدن به سوژه‌اش نداشت: ریشه‌های درهم در کنار خیابان داوبینی.

«ریشه درختان»، تابلویی که در آن روز کشید و این آخرین نقاشی او بود. بعدازظهر همان روز، ونگوگ تلوتلوخوران با زخم گلوله‌ای در سینه‌اش به سمت اتاقش در مسافرخانه برگشت. این‌که او خودکشی کرده یا بر اثر شلیک گلوله توسط شخص دیگری درگذشته تا امروز هم محل مناقشه است. به هر حال ونگوگ از زخم این گلوله جان سالم به‌در نبرد و دو روز بعد قبل از این‌که چشمانش را برای همیشه ببندد، احساسش را به برادرش که به بالین مرگش آمده بود گفت: «غم برای همیشه باقی خواهد ماند». گمانه‌های زیادی در مورد وضعیت روحی او در روزهای آخر وجود دارد اما یک چیز واضح این است که او مدت زیادی را صرف کار روی این نقاشی در بعدازظهر روز مرگش کرده بود. او در دو ماه پایانی زندگی‌اش نود نقاشی خلق کرده بود.

بیش از ۱۳۰ سال پس از اینکه ونگوگ «ریشه درختان» را نقاشی کرد، این نقاشی هنوز در اور سور اواز شهری آرام با جمعیت کمتر از هفت‌هزار نفر، در حدود ۲۷ کیلومتری مرکز پاریس، جنجال‌برانگیز است.

از زمانی که محققان محل دقیق ریشه‌ها را در سال ۲۰۲۰ شناسایی کردند، زوجی که مالک خیابان دابینی ۴۸ هستند درگیر یک مبارزه قانونی پنج ساله با شهردار اور سور اواز شده‌اند که می‌خواهد این مکان را عمومی کند.

بحث و جدل درباره این است که آثار ریشه‌های بخشی از باغ جین فرانسیسو و هلن سرلینگر است یا بخشی از خیابان دابینی. یک حکم در سال ۲۰۲۳ اعلام کرد که این ریشهها اموال خصوصی است. بعد از دادخواست توسط شهردار این شهر، دادگاه دیگری این حکم را ماه پیش لغو کرد.

یک دادگاه تجدیدنظر در ورسای اعلام کرده است: «خاکریزی که در آن ریشه‌های درختان قرار دارد که توسط ونگوگ نقاشی شده است بخشی از معبر عمومی نیست.» سرلینگرها که در سال ۱۹۹۶ به این شهر نقل مکان کرده و این زمین در سال ۲۰۱۳ خریدند ـ هفت سال قبل از این که این ریشه‌ها شناسایی شوند ـ درباره حکم ظاهرا نهایی دادگاه نفس راحتی کشیدند.

هلن سرلینگر که یک هنرمند است به ایندیپندنت گفته است که «ما بسیار خوشحالیم که این ماجرا بالاخره تمام شد. شهردار تلاش کرد با گفتن این که بخش پایینی این زمین بخشی از جاده است آن را به دست آورد و این واقعا وحشتناک بود.»

این زوج از سال ۲۰۲۰ سایت ونگوگ‌روتز را راه انداخته‌اند و برای بازدید از این مکان تور می‌گذارند. همچنین در مسافرخانه‌ای که ونگوگ نفس‌های آخرش را کشید با «اتاقی که او مرد»، مزرعه گندم جایی که او نقاشی «گندم‌زار با کلاغ‌ها» را کشید و آرامگاه او در بیرون شهر به این شبکه پیوسته‌اند و برای علاقه‌مندان این هنرمند بزرگ تور می‌گذارند.

این سایت اکنون در پشت سازه‌ای چوبی برای حفاظت از آن قرار گرفته است. با این حال شهردار از این حکم راضی نیست و پیشنهاد کرده است که این شهر درخواست تجدیدنظر دیگری در این حکم دهد و گفته که این ریشه‌ها جزو اموال عمومی است نه یک شیء تجاری.

اما برای ۱۳۰ سال محل ریشه‌های معروف یک راز بود. نقاشی انتزاعی و مواج ونگوگ هیچ سرنخ قطعی ارائه نکرد. ریشه‌ها متعلق به هیچ کس نبود.

تا زمانی که ووترون در وین، مدیر علمی انستیتو ونگوگ در اور سور اواز، کارت پستالی مربوط به دهه ۱۹۰۰ را کشف کرد که دامنه تپه در امتداد خیابان داوبینی را به تصویر می‌کشید که سرانجام مکان نقاشی مشخص شد. هر عنصر این نقاشی اسرارآمیز را می‌توان با مشاهده کارت پستال و مکان توضیح داد: شکل دامنه تپه، ریشه‌ها، ارتباط آنها با یکدیگر، ترکیب زمین و وجود یک سنگ آهکی شیب‌دار.

پس از اینکه یک عکس تاریخی زاویه متفاوتی از همان مکان را نشان داد و درخت‌شناس دامنه تپه مدرن را بررسی کرد، مکان آخرین نقاشی ونگوگ تایید شد.

ونگوگ افسرده در پایان عمرش به دهکده‌ای آرام پناه برده بود و این نقاشی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. به گفته نینا سیگال یکی از متخصصان ونگوگ «این نقاشی کشمکش زندگی و کشمکش با مرگ را به تصویر می‌کشد. و این چیزی است که از او به جا ماند. این یک وصیت‌نامه رنگی است.» و پایان دادن به زندگی‌اش با این نقاشی بسیار منطقی است.

روایت روزمرگی

زیرپوست مترو

تحقیقات نشان می‌دهد شب بیدارها احتمال افسردگی بیشتری دارند

رضا صائمی
منتقد سینما

وقتی اولین‌بار برای استفاده از مترو وارد فضای ورودی ایستگاه شده بودم، از زیبایی و توسعه شهری – صنعتی در کشور به شوق آمدم و حس شیرینی داشتم اما زمانی که قطار از راه رسید و درهای آن باز شد چنان در فشار و هجوم مسافران به درون واگن پرتاب شدم که همه آن شیرینی به یکباره تلخ شد و شوق از سرم پرید. با خودم گفتم چطور ما که خیلی زود جوگیر می‌شویم لااقل به‌خاطر حفظ کلاس و پرستیژ محیط هم که شده کمی مدنی‌تر رفتار نمی‌کنیم یادم آمد که از منظر جامعه‌شناسی وقتی میان تکنولوژی و فرهنگ متناسب با آن فاصله می‌افتد، تاخیر فرهنگی رخ می‌دهد بدین معنی که تکنولوژی و مظاهر مدرنیته وارد یک جغرافیای فرهنگی می‌شود اما شیوه صحیح بهره‌گیری از آن به کار برده نمی‌شود، لذا امیدوار شدم چند سال دیگر که این تکنولوژی جدید هم جا افتاد و به‌عنوان بخشی از فرهنگ روزمره جامعه درآمد به‌تدریج این تاخیر فرهنگی از بین می‌رود و تناسب منطقی میان تکنولوژی و فرهنگ آن به وجود می‌آید، اما اکنون بعد از دو دهه از تاسیس مترو همچنان اندر خم یک کوچه‌ایم و اوضاع همان است که بود. ناگهان یاد جمله معروف مک لوهان افتادم که گفته بود؛ رسانه همان پیام است به این معنی که تکنولوژی یک ابزار صرف نیست و با ورود آن به جغرافیای خاص، فرهنگ برساخته آن نیز در سطح جامعه اشاعه می‌یابد. حالا نسبت به این تفکر دچار تردید شده‌ام! چرا پس از این همه سال از تاسیس مترو همچنان مشکلات فرهنگ استفاده از آن به شکل معقول و منطقی نهادینه نشده است؟ یکی از دلایل مهمی که می‌توان برای تبیین این مسئله برشمرد این است که وقتی تکنولوژی محصول طبیعی تاریخ یک سرزمین نباشد و از دل فرهنگ آن جامعه برنخاسته باشد، تاخیر فرهنگی به درازا می‌کشد؛ مگر اینکه آن پدیده وارداتی چنان با نظام اجتماعی- فرهنگی سرزمین مقصد بیامیزد و نهادینه شود تا به‌اصطلاح نوعی ادغام و تفاهم فرهنگی صورت بگیرد. از سوی دیگر فرهنگ زیست جمعی نیز باید به‌عنوان یک ارزش عام مورد پذیرش جامعه قرار بگیرد تا هر شهروندی رفتار اجتماعی خود را به‌عنوان یک هنجار اخلاقی ارزشیابی کند. در این صورت احترام به قانون و رعایت مقررات یک تکنولوژی بدون توصیه و تاکید در سطح جامعه محترم شمرده می‌شود. تعارض و تضادهای اجتماعی میان سنت و مدرنیسم دقیقاً در چگونگی بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن خود را نشان می‌دهد، وقتی فن‌آوری خاصی وارد کشور می‌شود یعنی آن صنعت و تکنولوژی به‌عنوان یک پدیده مثبت هرچند بیگانه مورد پذیرش فرهنگی قرار گرفته است، لذا کنش‌های استفاده از آن نیز استحاله و خودباختگی فرهنگی تلقی نمی‌شود. قطعاً اگر قطارهای مترو متناسب با جمعیت مسافرانی باشد که روزانه از آن استفاده می‌کنند، شاهد برخی نابهنجاری‌های رفتاری در فرهنگ جمعی نخواهیم بود یا دست‌کم نهادینه‌شدن فرهنگ استفاده از وسایل ارتباط جمعی تسریع خواهد شد؛ گرچه تحلیل رفتارهای اجتماعی مسئله پیچیده‌ای است و عوامل و عناصر متعددی در شکل‌گیری آن تاثیر دارد. فرضاً وضعیت اقتصادی جامعه، سطح بهداشت روانی افراد، تنوع فرهنگی و قومی، طبقات اجتماعی و شغلی هرکدام می‌تواند به نوعی در چگونگی استفاده از مترو به‌عنوان یک دستاورد صنعتی مؤثر باشد. یکی از چالش‌های فرهنگی که ما با آن مواجه هستیم عدم به رسمیت شناختن عرصه عمومی است. گویی چیزی به نام جامعه به‌عنوان یک پدیده مستقل و منفک از ساحت فردی زندگی تک‌تک افراد وجود ندارد یا اینکه ما تفاوتی میان عرصه عمومی و خصوصی زندگی قائل نیستیم، لذا در بسیاری از مواقع همان رفتار و کنشی را در عرصه عمومی نمایش می‌دهیم که در ساحت فردی و عرصه خصوصی داریم.

چهره روز

آن سوی نغمه‌ها

هم‌نوا شدن با خاطرات داریوش صفوت

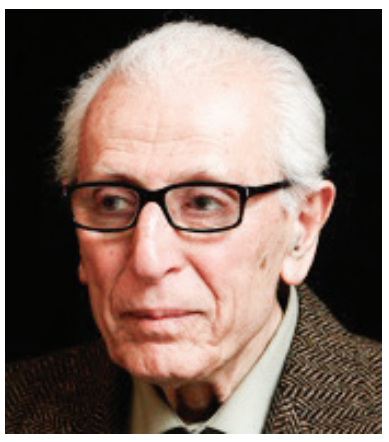

در خلوتی از نغمه و نور، مردی آرام چون نسیم، ساز در دست و دل در آسمان، قدم به عرصه خاک نهاد. داریوش صفوت، فرزند نغمه و سکوت، هفتم آذرماه ۱۳۰۷، در شیراز، شهری که حافظ در کوچه‌هایش غزل می‌تراشید، چشم به جهان گشود. از همان آغاز، موسیقی نه فقط صدایی در اطرافش که روحی بود جاری در جانش؛ نغمه‌ای که در خانه پدر به خواب می‌رفت و با آرشه‌ای آرام بیدار می‌شد.

اما موسیقی برای صفوت، فراتر از هنر بود. از همان لحظه نخست، در نوجوانی، که صدای سه‌تار پدر را «دیگر گونه» شنید، دانست که موسیقی فقط از انگشت و گوش نمی‌گذرد؛ و از چشمه دل و جان می‌جوشد. و این نقطه، آغازی شد برای سلوکی طولانی، میان ردیف‌ها، میان صبا و سماعی، میان علم و عرفان. صفوت در اوج جوانی، با صبوریِ شاگردی و درخششِ استاد، سه‌تار را در آغوش کشید، سنتور را نواخت و از جانِ موسیقی ایرانی، نه فقط آهنگ، که معنا را نوشید. همزمان، حقوق بین‌الملل خواند و دکترا گرفت، ولی هیچ‌گاه از بطن موسیقی و فرهنگ این سرزمین دور نماند.

او به جای مانده از نسلی بود که موسیقی را آیینی می‌دیدند برای تهذیب جان، نه فقط سرگرمی گوش. بنیاد نهادن «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی» یکی از بزرگ‌ترین یادگارهای اوست. جایی که موسیقی‌دانانی چون لطفی، مشکاتیان، علیزاده، شجریان و کیانی‌نژاد، نخستین نفس‌های هنری‌شان را کشیدند؛ جوانانی که نه‌فقط نواختن که «زیستن در موسیقی» را از صفوت آموختند.

او حتی زمانی که نشان شوالیه از دولت فرانسه گرفت، خاموش ماند. چرا که اهل گفتن نبود، اهل «نواختن» بود؛ آرام، متفکر، ژرف و همیشه پشت پرده نغمه‌ها.

دکتر صفوت، در سحرگاه ۲۷ فروردین ۱۳۹۲، همچون نوایی که در انتهای یک قطعه آرام خاموش می‌شود، بی‌صدا رفت. اما موسیقی‌اش، نگاهش، عرفان در سازش و نغمه‌ای که در دل شاگردانش کاشت، هنوز می‌تپد.

او نرفت. تنها به کوکِ دیگری رفت... جایی که نغمه‌ها بی‌مرز و بی‌زمان‌اند.

سلامت روان

نفس عمیق بکش و نه بگو

اگرچه استرس اغلب اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و ممکن است واکنشی طبیعی به فشار به نظر برسد، استرس مزمن می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر بدن ما داشته باشد. از درد مفاصل گرفته تا مه مغزی، التهاب، مشکلات قلبی و ضعف سیستم ایمنی، تاثیرات آن بسیار گسترده است. بسیار مهم است که بدانیم چگونه بر سلامت ما تأثیر می گذارد – و مهم‌تر از آن، چگونه می‌توانیم آن را مدیریت کنیم. در اینجا پنج روش مهم تاثیر استرس بر بدن همراه با نکات عملی برای کمک به به حداقل رساندن اثرات آن آورده شده است.

تنش عضلانی ناشی از استرس همچنین می‌تواند وضعیت بدنی و الگوهای حرکتی را تغییر دهد و فشار بیشتری بر مفاصل وارد کند. در همین حال، استرس می‌تواند باعث اختلال خواب شود که برای ترمیم بافت مفصلی و کاهش التهاب ضروری است. اگر فردی به اندازه کافی خواب با کیفیت خوب نداشته باشد، ممکن است متوجه شود که مشکلات مفصلی بدتر می‌شود.

از سوی دیگر استرس مزمن می‌تواند سیستم ایمنی شما را تضعیف کند و توانایی بدن شما را برای مبارزه با سرماخوردگی و عفونت‌ها کاهش دهد، بنابراین ممکن است بیشتر اوقات بیمار شوید.

استرس مزمن همچنین می‌تواند منجر به افزایش طولانی مدت فشار خون شود که یک عامل خطر اصلی برای بیماری قلبی و سکته است. علاوه بر این، وقتی تحت استرس قرار می گیریم، رگ‌های خونی ما منقبض می‌شوند و جریان خون به قلب را محدود می‌کنند، که می‌تواند دریافت اکسیژن مورد نیاز قلب را سخت‌تر کند و فشار بر سیستم قلبی عروقی را افزایش دهد.

این راه‌ها اما می‌تواند برای کنترل و کم کردن استرس شما مفید باشد، نفس عمیق بکشید. نفس عمیق می‌تواند به کاهش ضربان قلب و آرامش ذهن شما کمک کند.

تحرک بدنی داشته باشید. ورزش هورمون‌های «احساس خوب» (اندورفین) را آزاد می‌کند و به کاهش استرس کمک می‌کند.

در مورد آن صحبت کنید. چه با یک دوست، یکی از اعضای خانواده یا حرفه‌ای، صحبت از نگرانی‌ها بار را کمتر می‌کند.

نه گفتن را یاد بگیرید. از نه گفتن به چیزهایی که شما را خسته می‌کند نترسید. از میزان مصرف کافئین خود کم کنید. کافئین می‌تواند استرس را زیاد کند چرا که باعث اختلال خواب و پایین آمدن سطح انرژی می‌شود.

عکس نوشت

ایسنا گزارشی تصویری از گرد و غبار شدید در سراسر خوزستان منتشر کرده است. این اتفاق در پی ورود توده خاک از عراق و عربستان به کشور رخ داده است و ۱۹ شهر وضعیت «خطرناک» و «قهوه‌ای» را تجربه کردند.

یادداشت

جامعه درز دارد

و مادربزرگ همیشه می‌دانست کجا را بدوزد که دیده نشود

بابک نبی
هفت صبح

مادربزرگ خیاط نبود، اما نخ و سوزن داشت. یک جعبه کوچک فلزی کهنه، با درِ مقوایی و لبه‌هایی زنگ‌زده، که وقتی بازش می‌کرد، بوی خانه قدیمی و دستان کارکرده بلند می‌شد. داخلش نخ‌هایی رنگ‌به‌رنگ، دکمه‌هایی گمشده و سوزن‌هایی بود که انگار خاطره لباس‌ها را بلد بودند. هر وقت گوشه لباسی جر می‌خورد، یا زیپی از جا در می‌رفت، مادربزرگ می‌نشست زیر نور، سوزن را نخ می‌کرد و آهسته، با حوصله، شروع می‌کرد به دوختن. می‌گفت: «اگر پارگی رو همون اول بگیری، کمتر دردسر داره. اگه ولش کنی، بزرگ می‌شه، دیگه نخ و سوزن هم نمی‌تونن نجاتش بدن.» آن وقت‌ها فکر می‌کردم درباره لباس حرف می‌زند. حالا که سال‌ها گذشته، می‌فهمم مادربزرگ داشت درباره جامعه حرف می‌زد.

جامعه، مثل لباس، درز دارد. نه درزهایی که در کارخانه دوخته شده‌اند، بلکه آن شکاف‌های کوچک و پنهانی که از استفاده مداوم، از بی‌توجهی، از فشار زندگی، آرام آرام باز می‌شوند. درزهایی که اول فقط نخ‌شان شل می‌شود، بعد دهان باز می‌کنند، بعد به راحتی انگشتت تویش جا می‌گیرد و آخرش ممکن است چیزی از توی آن بیرون بریزد؛ راز، خشم، بی‌اعتمادی. درزها همه‌جا هستند. درز میان حرف و عمل. درز میان لبخند و نیت. درز میان وعده و واقعیت. جامعه وقتی شروع به پاره شدن می‌کند که دیگر کسی نخواهد بنشیند و با حوصله بدوزد. دوختن، کاری‌ست بی‌افتخار، بی‌سروصدا، اما نجات‌بخش. مادربزرگ همیشه می‌دانست نخ باید هم‌رنگ پارچه باشد. نه برای زیبایی، بلکه برای پنهان‌کاری. باید طوری بدوزی که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده. جامعه هم همین‌طور خودش را ترمیم می‌کند، با پنهان‌کاری، با حفظ ظاهر، با نخ‌هایی که دیده نمی‌شوند اما نگه می‌دارند.

بعضی‌ها فکر می‌کنند دوختن یعنی سانسور، یعنی سرپوش گذاشتن. اما نه. گاهی دوختن یعنی مهربانی. یعنی نگذاری تکه‌ای از لباس کسی لخت و بی‌پناه بماند. یعنی حفظ کرامت. یعنی هنوز برای وصله زدن، هنوز برای ترمیم، هنوز برای خوب شدن، جا هست.

وقتی درزهای جامعه باز می‌شود، صداهای ناهماهنگ بیرون می‌زند. اعتماد فرو می‌ریزد و گاهی، فقط یک سوزن لازم است، تا دوباره گره بخورد. سوزنی از گفت‌وگو. سوزنی از شنیدنِ بی‌قضاوت. نخ‌هایی از جنس فهم، از جنس «ببخش» و «اشکالی ندارد».

جامعه‌ای که هیچ‌وقت دوخته نشده، بی‌روح است. همان‌قدر که لباسی بدون درز، مصنوعی‌ست، جامعه‌ای بی‌زخم هم واقعی نیست. درزها، نشانه مصرف‌اند، نشانه زیست. اما باید بلد باشی بدوزی. باید بلد باشی کی نخ را بکشی، کی سوزن را درآری. باید بلد باشی کی صبر کنی، کی ببخشی، کی رفو کنی.

امروز که لباس پاره‌ام را به خیاطی برده‌ام، زنِ پشت چرخ به من گفت: «این درزش کهنه‌ست. یک بار وصله شده، ولی درست نه. حالا باید با نخ دوبل بدوزمش.» و من با خودم فکر کردم: کاش این را می‌شد به بعضی رابطه‌ها، بعضی سیاست‌ها، بعضی زخم‌ها هم گفت.

شاید همه ما باید یک جعبه نخ‌وسوزن داشته باشیم. نه فقط برای لباس، برای روزمرگی، برای جامعه. شاید باید گاهی بنشینیم زیر نور، گره بزنیم به گذشته و سعی کنیم پارگی‌ها را، حتی اگر دیده نشوند، ترمیم کنیم. جامعه درز دارد. اما تا وقتی کسی باشد که بلد باشد بدوزد، هنوز می‌شود پوشیدش.

فناوری

جت جی پی تی براساس گفت‌وگوهای ذخیره شده

شرکت هوش مصنوعی آمریکایی «اوپن ای آی» از راه‌اندازی ویژگی جدیدی در پلتفرم چت هوش مصنوعی «چت جی پی تی» خبر داده است که به این پلتفرم امکان می‌دهد پاسخ‌های خود به سوالات جدید کاربران را بر اساس تاریخچه گفت‌وگوهای قبلی آنها تنظیم کند. این شرکت اعلام کرد که این ویژگی که در تنظیمات «چت جی پی تی» تحت عنوان «بازگشت به یادداشت‌های ذخیره شده» نمایش داده می‌شود، هدفش این است که مکالمات با پلتفرم را برای کاربران شخصی‌تر و راحت‌تر کند. این شرکت افزود که این به‌روزرسانی به ویژگی‌های تولید متن و تولید تصاویر در «چت جی پی تی» سیاق مکالمه‌ای اضافه خواهد کرد. این ویژگی جدید ابتدا برای کاربران نسخه‌های پرداختی «چت جی پی تی پرو» و «چت جی پی تی پلاس» در دسترس خواهد بود، اما کاربران در بریتانیا، اتحادیه اروپا، ایسلند، لیختن‌اشتاین، نروژ و سوئیس به دلیل نیاز به بررسی‌های بیشتر و تطابق با قوانین محلی از آن مستثنا خواهند بود. با این حال، شرکت اعلام کرده که قصد دارد این ویژگی را در آینده برای کاربران این کشورها نیز در دس ترس قرار دهد.

در عین حال، سخنگوی «اوپن ای آی» گفت که شرکت هنوز تاریخ دقیقی برای ارائه این ویژگی به کاربران نسخه رایگان «چت جی پی تی» مشخص نکرده است و افزود: «ما در حال حاضر بر ارائه این ویژگی به مشترکین نسخه‌های پرداختی تمرکز داریم.» هدف از ویژگی حافظه جدید این است که «چت جی پی تی» را نرم‌تر و شخصی‌تر کند و از تکرار اطلاعاتی که قبلاً در مکالمات قبلی به کاربران داده شده، جلوگیری کند. در ماه فوریه، «گوگل» ویژگی مشابهی را در پلتفرم چت هوش مصنوعی خود، «جمنی»، معرفی کرد.